

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش‌آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحوم است.

چندی پیش دریافتم در مناطقی از کشور عزیزمان، دانش‌آموزان با استعدادی هستند که از داشتن دبیری مجرب و حرفه‌ای محروم‌اند. این عزیزان، نه تنها شرایط شرکت در کلاس‌های کنکور موسسات خصوصی را ندارند، بلکه از خرید و تهیه کتاب‌های کمک‌آموزشی نیز عاجزند. با توجه به شرایط موجود و مشاهده ناعدالتی‌های آموزشی بر آن شدم به نوبه‌ی خود، خدمتی - هر چند کوچک - در حق این عزیزان کرده باشم. در اسرع وقت دست به کار شدم و کانال تلگرام و پیج اینستاگرامی راه‌اندازی کردم تا خدمات آموزشی گسترده‌ای را به صورت کاملاً رایگان در اختیار این عزیزان قرار دهم. و از همان هفته به تألیف جزواتی به صورت موضوعی اقدام نمودم تا در سریعترین زمان ممکن به دست این عزیزان برسد. اکنون به لطف الهی و تلاش شبانه‌روزی اینجانب، این جزوه و جزوات آرایه و دستور و دیگر جزوات آماده شد و به صورت کاملاً رایگان در اختیار تان قرار گرفت.

۱ - با مطالعه بخش‌بخش و جزء‌جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتیم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۲ - قطعاً برای تألیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده خواهید دید که برای تألیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۳ - سال گذشته دبیری پیام داد که با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهیم کرد!!!

به چند دلیل این کار دور از انصاف و ناصحیح بوده‌است؛ اول اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ دوم اینکه با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملاً با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. سومین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهمتر است این است که صادقانه و حقیقتاً خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصه» و دیگر علائم و موارد ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند) تألیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعاً قطعاً جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ...

با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، صمیمانه خواهشمندم، برای ارج‌نهادن به تألیف و کار بنده، از کپی‌کردن جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند. و از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند.

معرفی و سوابق علمی و آموزشی بنده:

ابوذر احمدی پَرگو؛ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی

کارشناسی: دانشگاه علامه طباطبایی (سراسری)، کارشناسی ارشد: دانشگاه خوارزمی (سراسری)، دکتری: اراک (سراسری)
۱۶ سال سابقه تدریس دروس عمومی و تخصصی زبان و ادبیات فارسی، تالیف (۵ جلد) و همکاری (در بیش از ۱۵ جلد) کتاب کمک آموزشی، طراح سوال نرم‌افزار آموزشی «مُنتا»، طراح سوال سابق آزمون‌های مدرّسان شریف در مقطع کارشناسی ارشد و ...

مدرّس دبیرستان‌های برتر تهران از جمله: دبیرستان ماندگار البرز، دبیرستان رشد، دبیرستان فرهنگ، دبیرستان خوارزمی، دبیرستان سلام، دبیرستان شاهد، دبیرستان سرای دانش (قلم‌چی) و دیگر مدارس برتر تهران و مدرّس کلاس-های کنکور موسسات و مدارس تهران و شهرستان‌ها.

شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و استاد کلاس‌ها و کارگاه‌های شعر و ترانه

توجه: این جزوات برای پاسخ‌گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده‌اند اما دانش‌آموزان و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند. با توجه به حجم کم جزوه، امکان جستجوی مبحث مورد نظر آسان است. لذا از افزودن فهرست خودداری کردم تا یک صفحه هم که شده از افزایش حجم جزوه و اسراف بی‌مورد جلوگیری کرده باشم.

باتوجه به برنامه‌های تألیفی و خدماتی که در ماه‌های آتی قرار است اجرا کنم، پیشنهاد می‌شود که کانال تلگرامی و پیج اینستاگرام بنده را دنبال کنید تا از جدیدترین فایل‌های تصویری و صوتی، جزوه‌های دیگر، تست‌ها، درس‌نامه‌ها، آزمون‌های آنلاین، اطلاعات مشاوره‌ای، اخبار و اطلاعات کنکور و ... به صورت کاملاً رایگان استفاده کنید. موفقیت و قبولی شما، آرزوی بنده است. این آرزو برای همه شماست.

موفق و سربلند باشید

دکتر ابوذر احمدی

عروض

فصل اول: مقدمه

۱	علم شناخت وزن شعر را عروض می‌گویند.
۲	عاطفه، اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر است.
۳	شاعر برای انتقال عاطفه از زبان بهره می‌گیرد.
۴	پس از عاطفه، مهم‌ترین و موثرترین عامل «وزن» است.
۵	وزن جزء طبیعی شعر است و جنبه‌ی تزئینی ندارد.
۶	تأثیر وزن بر انتقال پیام یا احساس و عاطفه غیر انکار است.
۷	حتی کتب مقدس نیز از این امتیاز (وزن) بهره برده‌اند.
۸	«وزن» آشکارترین ابزار موسیقی شعر است.
۹	تناسب و هم‌سویی وزن و عاطفه بر قدرت کلام و اثرگذاری آن می‌افزاید. مثلاً: اگر قرار است از مطلبی شاد سخن بگوئیم، بهتر است وزنی تند و ضربی انتخاب کنیم.
۱۰	اگر قرار است اندوهی را بیان کنیم، از وزنی آهسته بهره می‌گیریم.
۱۱	توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، کمک کشف لحن می‌شود.
۱۲	تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دلنشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.
۱۳	وزن: وزن ادراکی است که از احساس یک نظم مشخص حاصل می‌شود. مثل حرکت منظم چرخش لاستیک دوچرخه یا یک آب‌نمای موزیکال و یا حتی پختن نان توسط نانویان.
۱۴	وسیله ادراک وزن، حواس پنجگانه هستند. در شعر این حس، بر عهده‌ی حس شنوایی است.
۱۵	در واقع وزن یک شعر، تکرار منظم پاره‌های آوایی است که گوش، آن نظم را در می‌یابد و لذت می‌برد.
۱۶	«علم عروض» علم شناخت کمیت و کیفیت این پاره‌های آوایی است. مثلاً بتوانیم تشخیص بدهیم هر مصراع بیت زیر، از چهار بار تکرار پاره آوایی «فَعولُن» ساخته شده است.

ز بامی که برخاست، مشکل نشیند
فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
فَعولُن فَعولُن فَعولُن فَعولُن

یا تشخیص بدهیم ابیات زیر از کدام پاره‌های آوایی ساخته شده‌اند.

قند دزدی چه قدر شیرین است!
فَاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَع لُن
گاهی بهانه‌ای است که قربانی‌ات کنند
مَفَعولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِیلُ فَاعِلُن
گرگ دهن‌آلوده‌ی یوسف ندیده
مَفَعولُ مَفَاعِیلُ مَفَاعِیلُ فَعولُن

خواب بودی که لبت بوسیدم
فَاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَع لُن
آب طلب‌نکرده همیشه مراد نیست
مَفَعولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِیلُ فَاعِلُن
در کوی تو معروفم و از روی تو محروم
مَفَعولُ مَفَاعِیلُ مَفَاعِیلُ فَعولُن

علم عروض به ما یاد می‌دهد که با شنیدن هر بیتی، وزن آن را تشخیص بدهیم.

برای تشخیص وزن یک شعر دو راه وجود دارد: ۱- شنیداری و سماعی ۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض)

۱- شنیداری و سماعی: حالتی است که با شنیدن شعر، وزن آن را می‌گوئیم.

ما به تو یکباره مقید شدیم مرغ به دام آمد و ماهی به شست
مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ

۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض): حالتی است که با تقطیع شعر به هجاهای کوچک و دسته‌بندی آن‌ها و انجام چند عمل دیگر، به وزن شعر می‌رسیم. این روش زمان بیشتری نیاز دارد ولی کم‌تر خطا پذیر است.

در روش استفاده از تقطیع، مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم:

۱- درست خواندن شعر: ما به تو یکباره مقید شدیم

۲- نوشتن به خط عروضی: ما ب ت یک بار مقید شدیم

۳- تقطیع هجایی: ما ب ت یک با ر م قی ید ش دیم

۴- علامت‌گذاری هجایی: - U U - - U U - - U -

۵- تقسیم به ارکان عروضی و نوشتن معادل آن‌ها: مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ

۶- اعمال اختیارات شاعری

۷- دسته‌بندی اوزان

۸- نام‌گذاری اوزان

توجه: مورد ۶ گاه زودتر از مورد ۵ اعمال می‌شود.

به نظر شما کدام روش بهتر و مطمئن‌تر است؟ سماعی یا عروضی؟

هر کدام از این روش‌ها حُسن و عیب خاص خود را دارند. مثلاً سماعی، زودتر به وزن می‌رسیم، ولی امکان اشتباه بیشتری وجود دارد و در روش تقطیع هجایی دیرتر به جواب می‌رسیم، ولی جواب دقیق‌تر است.

توجه: توصیه می‌شود دانش‌آموز هر دو روش را یاد بگیرد و از هر دو استفاده کند. به این صورت که با روش سماعی وزن را خیلی سریع تشخیص دهد و سریعاً با روش عروضی، وزن تشخیص داده شده را بررسی کند. بنابر این، هم اوزان را تمرین و تکرار کنید تا در روش سماعی مهارت یابید و هم، درس‌نامه عروض را خوب بخوانید تا یک روش مطمئن را هم، یاد گرفته باشید.

۱- کدام گزینه درست است؟

(۱) اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، وزن و آهنگ است.

(۲) پس از وزن، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، عاطفه است.

(۳) بدون ردیف، کم‌تر می‌توان عواطف را برانگیخت.

(۴) وزن در شعر، جنبه‌ی تزئینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است.

۲- کدام گزینه صحیح است؟

(۱) بعد از وزن، عاطفه مهم‌ترین عامل و مؤثرترین عنصر در تأثیر موسیقایی شعر است.

(۲) عاطفه‌ی شاعر، امری حسی است که ما آن را از احساس نظم در یک شعر درک می‌کنیم.

(۳) وزن در شعر جنبه‌ی تزئینی دارد و علت محبوبیت شعر، برانگیخته‌شدن عواطف آدمی است.

(۴) توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.

۳- با توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، لحن کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) خروشی برآمد ز ایران سپاه
 (۲) سپهی بود جوانی که شکست
 (۳) سواری فرستیم نزدیک شاه
 (۴) همه برگرفتند با او خروش
- ز سر برگرفتند گردان کلاه
 پیری امروز برانگیخت سپاه
 بدان تا به راه آیدت نیم راه
 زمین پُرخروش و هوا پُر ز جوش

۴- کدام بیت از نظر آهنگ و موسیقی (وزن یا ریتم) با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) هر که در او گوهر دانایی است
 (۲) عمر برف است و آفتاب تموز
 (۳) دفتر افلاک شانسان بسوز
 (۴) ای همه هستی ز تو پیدا شده
- بر همه کاریش توانایی است
 اندکی ماند و خواجه غره هنوز
 دیده خورشیدپرستان بدوز
 خاک ضعیف از تو توانا شده

۵- حال و هوای حاکم بر فضای کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) مطربان گویی در آوازند و مستان در سماع
 (۲) گفتند باری کم گری تا کم نگرده مبصری
 (۳) ای سرخوشان ای سرخوشان آمد طرب دامن کشان
 (۴) یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستنی
- شاهدان در حالت و شوریدگان در های و هوی
 که چشم نابینا شود چون بگذرد از حد بکاء
 بگرفته ما زنجیر او بگرفته او دامان ما
 غم خواره یاران شد تا باد چنین بادا

۶- در کدام بیت، شاعر به کمک وزن و آهنگ کوتاه ضربی و تند، بار حماسی شعر را غنی تر کرده است؟

- (۱) مرا دلی است که دائم به یاد لعل لب
 (۲) مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود
 (۳) کز آن نامور، تیر بیرون کشید
 (۴) گنج لطفی و چون تویی حیف است
- به گرد ساقی و جام شراب می گردد
 نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود
 همه تیر تا پُر، پُر از خون کشید
 خیمه بر این دل خراب زده

فصل دوم: انواع واج و هجا

به تجزیه‌ی هجایی واژه‌ی «سَخَاوَتَمَنَد» توجه کنید.

مَند	وَت	خا	سَ	الگوی هجایی
م - ن د	و - ت	خ ا	س -	الگوی واجی

واژه‌ی «سَخَاوَتَمَنَد» از ۴ هجا تشکیل شده است و هر هجا نیز به ترتیب از ۲، ۲، ۳ و ۴ واج ساخته شده‌اند.

واج: کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است. و به دو نوع **صامت** و **مصوّت** تقسیم می‌شود.

صامت: واج‌های بی‌صدا هستند که در زبان فارسی ۲۳ مورد می‌باشند. (ء - ع)، ب، پ، (ت - ط)، (س - ث - ص)، ج، چ، (ح - ه)، خ، د، (ذ - ز - ض - ظ)، ر، ژ، ش، (غ - ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ی.

مصوّت: واج‌های صدادار هستند که در زبان فارسی ۶ مورد می‌باشند و در ۲ دسته جای می‌گیرند.

مصوّت کوتاه: **اَ** (سَر - دِل - گُل)

مصوّت بلند: **آ**، **و**، **ی** (با - بو - بی)

نکته مهم: «ا، و، ی» زمانی مصوّت بلند محسوب می‌شوند که:

اولاً؛ واج دوم هجا باشند (مصوّت نمی‌تواند اولین واج هجا باشد).

ثانیاً؛ صدایی کشیده داشته باشند. مثلاً حروف مشخص شده در کلمات زیر، مصوّت بلند نیستند و صامت می‌باشند.

آسب (ا) مِیل (ی) وَقْت (و)

نکات بسیار مهم:

۱ - حرف، نمود نوشتاری زبان و واج، نمود آوایی زبان است. مثلاً «دِرَخْت» ۴ حرف و ۶ واج است.

۲ - «ی» هم می‌تواند صامت باشد (صِید) و هم مصوّت (سِیب)

۳ - «و» چندین حالت دارد.

مصوّت کوتاه است. تو ← ت

مصوّت بلند است. سود ← سود

هم مصوّت کوتاه است و هم صامت: نو ← ن و

صامت است: وَقْت ← وَقْت

نه صامت است و نه مصوّت (واج نیست و خوانده نمی‌شود): خواهر ← خاهر

۴ - «ا» هم می‌تواند صامت باشد (أحد) و هم مصوّت (یار)

انواع هجا

الگوی هجایی زبان فارسی ۶ نوع است که در ۳ دسته کوتاه، بلند، کشیده جای می‌گیرند:

صامت + مصوّت کوتاه: تو (ت)، به (ب)، نَد، دو = دُ (عدد)	کوتاه (U)	انواع هجا
صامت + مصوّت بلند: ما، مو، می	بلند (—)	
صامت + مصوّت کوتاه + صامت: سَر، دِل، گُل	کشیده (U—)	
صامت + مصوّت بلند + صامت: کار، بود، سیب		
صامت + مصوّت بلند + صامت + صامت: کاشت، دوست، بیست		
صامت + مصوّت کوتاه + صامت + صامت: رَفْت، گُفْت، زِشت		

چند نکته مهم در مورد الگوهای هجایی

- ۱- اولین واج هر هجا حتماً صامت است. (هیچ هجایی با مصوت شروع نمی‌شود، چه مصوت کوتاه، چه مصوت بلند)
- ۲- دومین واج هر هجا حتماً مصوت است.
- ۳- در هیچ هجایی بیش از یک مصوت وجود ندارد.
- ۴- هیچ‌گاه ۲ مصوت در کنار هم قرار نمی‌گیرند.
- ۵- مصوت‌های بلند از نظر آوایی ۲ برابر صامت‌ها یا مصوت‌های کوتاه، امتداد دارند.
- ۶- هجای کوتاه و بلند را با مصوت کوتاه و بلند اشتباه نگیرید.

به الگوی هجایی و واجی واژگان زیر توجه کنید:

نجابت	الگوی هجایی	ن		جا		بَت	
	الگوی واجی	ن	-	ج	ا	ب	-
	نوع واج‌ها	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	کوتاه		بلند		بلند	
		U		—		—	

توجه: مثال فوق نکته‌ی خاصی نداشت و بر مبنای الگوهای هجایی، هجابندی شد. اکثر مواقع همین‌طور است و نکته خاصی وجود ندارد. ولی گاه باید به نکاتی دقت کرد.

نکات بسیار مهم: در هر یک از تقطیع‌های هجایی زیر یک نکته‌ی مهم وجود دارد.

معلم	الگوی هجایی	م		عَل		لِم	
	الگوی واجی	م	-	ع	-	ل	-
	نوع واج‌ها	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	کوتاه		بلند		بلند	
		U		—		—	

نکته مثال فوق: واجی که تشدید داشته باشد، ۲ بار نوشته می‌شود چون ۲ بار تلفظ می‌شود.

خواهر	الگوی هجایی	خا		هَر	
	الگوی واجی	خ	ا	ه	-
	نوع واج‌ها	صامت	مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	بلند		بلند	
		—		—	

نکته مثال فوق: حرفی که تلفظ نشود، نوشته نمی‌شود.

خانه	الگوی هجایی	خا		ن	
	الگوی واجی	خ	ا	ن	-
	نوع واج‌ها	صامت	مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه
	نوع هجا	بلند		کوتاه	
		—		U	

نکته مثال فوق: «ه» غیر ملفوظ (ناخوانا) به صورت مصوت کوتاه «هـ» نوشته می‌شود. «ه» ملفوظ را می‌توانیم با

افزودن «ی» به آخر کلمه تشخیص بدهیم. ماه ← ماهی (ملفوظ)، میوه ← میوه‌ای (غیر ملفوظ)

رَش	آ	الگوی هجایی	آرش
ش	ا	الگوی واجی	
صامت	مصوت بلند	نوع واجها	
بلند	بلند	نوع هجا	

نکته مثال فوق: «آ» از دو واج تشکیل شده است. همزه «ء» و مصوت بلند «ا».

مَد	أَح	الگوی هجایی	احمد
د	ح	الگوی واجی	
صامت	مصوت کوتاه	نوع واجها	
بلند	بلند	نوع هجا	

نکته مثال فوق: «أ، ا، آ» در ابتدای خود یک همزه دارند و «ا» برای زیبایی آمده است. واج آنها به ترتیب «أ:ء، ـ»، «ا:ء، ـ» و «آ:ء، ـ» می‌باشد.

جَاز	اِی	الگوی هجایی	ایجاز
ز	ی	الگوی واجی	
صامت	مصوت بلند	نوع واجها	
کشیده U	بلند	نوع هجا	

نکته مثال فوق: در کلماتی مانند «ایجاز، ایران، ایمان، ایراد و...» هجای اول به صورت «ای:ء، ی» می‌باشد.

تَا	اَوْس	الگوی هجایی	اوستا
ا	و	الگوی واجی	
صامت	مصوت بلند	نوع واجها	
بلند	کشیده U	نوع هجا	

نکته مثال فوق: در کلماتی مانند «او، اوستا، اوره و...» هجای اول به صورت «او:ء، و» می‌باشد.

بَاد	شَا	نُو	الگوی هجایی	نوش‌آباد
د	ا	و	الگوی واجی	
صامت	مصوت بلند	مصوت بلند	نوع واجها	
کشیده U	بلند	بلند	نوع هجا	

نکته مثال فوق: همان‌طور که می‌بینید «ء» از «آ» حذف شده است. هرگاه پیش از همزه، صامت باشد، معمولاً همزه حذف می‌شود و صامت قبل آن به مصوت بعد آن می‌چسبد.

د	ب	ا	ا	ن	و	ش	ا	کل واجها
باد	باد	آ	نوش	بدون حذف همزه				
U	U	U	U	با حذف همزه				
باد	باد	شا	نو					
U	U	U	U					

نکته مثال فوق: حذف همزه، نوع هجای قبل خود را تغییر می‌دهد.

الگوی هجایی	مَ	سا	ئِل
الگوی واجی	مَ -	ا	ء - ل
نوع واجها	صامت	مصوت بلند	صامت
نوع هجا	U کوتاه	بلند -	بلند -

مسائل

نکته مثال فوق: همزه یک واج صامت است و واجهای آن به صورت فوق مشخص می شود.

از حالت های مختلف همزه نباید ترسید.

مؤمن		مسأله			هیئت	
مِن	مُؤ	لِ	ءَ	مَسْ	تَّت	هِي
م - ن	م - ء	ل -	ء -	م - س	ء - ت	ه - ی

توجه: در گفتار امروزی، «ء» از انتهای کلماتی مانند «امضاء، انشاء، انحاء و...» حذف می شود، اما با توجه به وزن شعر، اگر قرار باشد خوانده شود، به صورت فوق خوانده و واج بندی می شود.

الگوی هجایی	پی	مان
الگوی واجی	پ - ی	ا - ن
نوع واجها	صامت	مصوت بلند
نوع هجا	بلند -	بلند -

پیمان

نکته مثال فوق: «ن» (نون ساکن) بعد از مصوت های بلند «ا، و، ی» در وزن حذف می شود و خوانده نمی شود، لذا هجاهای «بان، بون، بین» معادل هجاهای «با، بو، بی» به حساب می آیند. در واقع «ن» حذف نمی شود بلکه مصوت بلند کمی کوتاه تر از همیشه تلفظ می شود. (در این جزوه «ن» را حذف شده در نظر گرفتیم)

الگوی هجایی	ب	یا	بان
الگوی واجی	ب -	ا - ی	ب - ا - ن
نوع واجها	صامت	مصوت بلند	صامت
نوع هجا	U کوتاه	بلند -	بلند -

بیابان

نکته مثال فوق: در واژه های «بیابان، سیاست، بیا، میان و...»، «ی» ۲ بار تلفظ می شود، در حالی که تشدید ندارد. در این گونه واژه ها، تلفظ را به صورت «بیابان، سیاست، بیا، میان و...» در نظر می گیریم. (در علم زبان شناسی این فرآیند را «فرایند واجی افزایش» می گویند.)

الگوی هجایی	بِن	تُل	حِی	دَر
الگوی واجی	ب - ن	ت - ل	ح - ی	د - ر
نوع واجها	صامت	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	بلند -	بلند -	بلند -	بلند -

بنت الحیدر

نکته مثال فوق: همان طور که گفتیم هجا مربوط به آن چیزی است که خوانده می شود، لذا در واژه ها و ترکیبات عربی (حتی فارسی) به این نکته باید توجه داشته باشید که هجاهایی را که می خوانیم، باید بنویسیم. نه آن چه که می بینیم. به بیت زیر توجه کنید:

شعشه این خیال، زان رخ چون وَالضُّحَا بوی خوش این نسیم، از شکن زلف اوست

حَا		ضُ		وَض		الگوی هجایی	وَالضُّحَا
ا	ح	ـُ	ض	ـِ	و	الگوی واجی	
مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه	صامت	صامت	مصوت کوتاه	نوع واجها	
بلند —		کوتاه U		بلند —		نوع هجا	

ترکیبات دیگر:

وَاللَّهِ: وَل لاه

بیت النور: بی تُن نور

انالحق: أ نل حَق

ترکیبات دیگر نیز همین طورند. یعنی آن گونه که می خوانیم هجاها را می نویسیم، نه آن گونه که می بینیم.

جان		لُ		دِ		الگوی هجایی	دل و جان
ا	ج	ـُ	ل	ـِ	د	الگوی واجی	
مصوت بلند	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه	صامت	نوع واجها	
—		U		U		نوع هجا	

نکته مثال فوق: «واو» عطف و ربط به صورت مصوت کوتاه، برای واژه قبل خود در می آیند.

تمرین

کلمات زیر را مانند نمونه های بالا تقطیع هجایی و واجی کنید. دقت داشته باشید که در هر یک از مثال های زیر نکته ای وجود دارد!

طلعت ، خطاپوش ، سرچشمه ، کیخسرو ، صبحگاهی ، عزتگه ، عرضه گه ، دستبند ، جهان بین ، زورآور ، غم انگیز ، انگشت نمایی ، نوآوری ، ستاره باران ، حق الناس ، سؤال برانگیز ، مأمن ، مآخذ ، مصطبه ، نئوپان ، شریعتی ، تغییر ، خویشتن داری ، دهکده ، زد و خورد ، خیال بافی ، جلال الدین ، شکرشکن ، پناهگاه ، استدعا ، مومیایی ، ضرورت ، بیابان گرد ، موجودی ، خونابه ، دهخدا ، محصل ، جورکشی ، گیسوان ، ابروان ، میوه ای ، عیسوی ، طبعگه ، آهوان ، مشعله ، غالیه ، نوبرانه ، عفوکردن ، اوضاع ، عودت ، رویایی ، مخموری ، معما ، معمم ، موالی ، داوود ، سیاوش

طلعت

عَت	طَل	الگوی هجایی
ت — ع	ل — ط	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	بلند	نوع هجا
—	—	علامت هجا

خطا پوش

پوش	طا	خَ	الگوی هجایی
ش پ و	ا ط	خ —	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
کشیده	بلند	کوتاه	نوع هجا
U —	—	U	علامت هجا

سر چشمه

م	چش	سَر	الگوی هجایی
— م	ش —	ر — س	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
کوتاه	بلند	بلند	نوع هجا
U	—	—	علامت هجا

کیخسرو

رُو	خُس	کِی	الگوی هجایی
و — ر	س — خ	ی — ک	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	بلند	بلند	نوع هجا
—	—	—	علامت هجا

صبحگاهی

هی	گا	صَبِح	الگوی هجایی
ی ه	ا گ	ص — ب ح	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه صامت صامت	نوع واجها
بلند	بلند	کشیده	نوع هجا
—	—	U —	علامت هجا

عزنگه

گه	زَت	عِز	الگوی هجایی
ه — گ	ت — ز	ع — ز	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
بلند	بلند	بلند	نوع هجا
—	—	—	علامت هجا

عرضه گه

الگوی هجایی	عَر	ض	گَه
الگوی واجی	ع — ر	ض —	گ — ه
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

دست بند

الگوی هجایی	دَسْت	بَند
الگوی واجی	د — س ت	ب — ن د
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کشیده	کشیده
علامت هجا	U —	U —

جهان بین

الگوی هجایی	جَ	هان	بین
الگوی واجی	ج —	ه ا	ب ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

زور آور

الگوی هجایی	زو	را	وَر
الگوی واجی	ز و	ر ا	و — ر
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

غم انگیز

الگوی هجایی	غَ	مَن	گیز
الگوی واجی	غ —	م — ن	گ ی ز
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	کشیده
علامت هجا	U	—	U —

انگشت نمایی

الگوی هجایی	اَن	گُشت	نُ	ما	یی
الگوی واجی	ء — ن	گ — ش ت	ن —	م ا	ی — ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کشیده	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	—	U —	U	—	—

نوآوری

الگوی هجایی	نُو	آ	و	ری
الگوی واجی	ن — و	ء ا	و —	ر ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	—	U	—

ستاره باران

الگوی هجایی	سِ	تا	ر	با	ان
الگوی واجی	س —	ت ا	ر —	ب ا	ر ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	U	—	—

حقّ النَّاسِ

الگوی هجایی	حَقّ	قُن	ناس
الگوی واجی	ح — ق	ق — ن	ن ا س
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	بلند	کشیده
علامت هجا	—	—	U —

سؤال برانگیز

الگوی هجایی	سُ	ءال	بَ	رَن	گیز
الگوی واجی	س —	ء ا ل	ب —	ر — ن	گ ی ز
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	کشیده	کوتاه	بلند	کشیده
علامت هجا	U	U —	U	—	U —

مأمن

الگوی هجایی	مَاءَ	مَنْ
الگوی واجی	م — ء	م — ن
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	بلند
علامت هجا	—	—

مأخذ

الگوی هجایی	مَ	آ	خِذ
الگوی واجی	م —	ء ا	خ — ذ
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

مصطبه

بِ	طَ	مِص	الگوی هجایی
ب	ط	م	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	نوع واجها
مصوت کوتاه	مصوت کوتاه	مصوت کوتاه	نوع هجا
کوتاه	کوتاه	بلند	علامت هجا
U	U	—	

نثوپان

پان	ءُ	نِ	الگوی هجایی
پ	ء	ن	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	نوع واجها
مصوت بلند	مصوت کوتاه	مصوت کوتاه	نوع هجا
بلند	کوتاه	کوتاه	علامت هجا
—	U	U	

شریعتی

تی	عَ	ری	شَ	الگوی هجایی
ت	ع	ر	ش	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	صامت	نوع واجها
مصوت بلند	مصوت کوتاه	مصوت بلند	مصوت کوتاه	نوع هجا
بلند	کوتاه	بلند	کوتاه	علامت هجا
—	U	—	U	

تغییر

ییر	تَغ	الگوی هجایی
ی	ت	الگوی واجی
صامت	صامت	نوع واجها
مصوت بلند	مصوت کوتاه	نوع هجا
کشیده	بلند	علامت هجا
U —	—	

خویشتن داری

ری	دا	تَن	خیش	الگوی هجایی
ر	د	ت	خ	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	صامت	نوع واجها
مصوت بلند	مصوت بلند	مصوت کوتاه	مصوت بلند	نوع هجا
بلند	بلند	بلند	کشیده	علامت هجا
—	—	—	U —	

دهکده

دِ	کَ	ده	الگوی هجایی
د	ک	د	الگوی واجی
صامت	صامت	صامت	نوع واجها
مصوت کوتاه	مصوت کوتاه	مصوت کوتاه	نوع هجا
کوتاه	کوتاه	بلند	علامت هجا
U	U	—	

زد و خورد

الگوی هجایی	زَ	دُ	خُرد
الگوی واجی	زَ —	دُ —	خ — ر د
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	کوتاه	کشیده
علامت هجا	U	U	U —

خیال بافی

الگوی هجایی	خِ	یال	با	فی
الگوی واجی	خِ —	ی ا ل	ب ا	ف ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کوتاه	کشیده	بلند	بلند
علامت هجا	U	U —	—	—

جلال الدین

الگوی هجایی	جَ	لا	دین	دین
الگوی واجی	جَ —	ل ا	د ی	د ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—	—

شگشکن

الگوی هجایی	شِک	گر	ش	گن
الگوی واجی	شِک —	ک ر	ش —	ک — ن
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	—	U	—

پناهگاه

الگوی هجایی	پَ	ناه	گاه
الگوی واجی	پَ —	ن ا ه	گ ا ه
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	کشیده	کشیده
علامت هجا	U	U —	U —

استدعا

الگوی هجایی	اِس	تد	عا
الگوی واجی	اِس —	ت — د	ع ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

مومیایی

الگوی هجایی	مو	م	یا	یی
الگوی واجی	م و	م —	ی ا	ی — ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	—	U	—	—

ضرورت

الگوی هجایی	ض	رو	ری	یت
الگوی واجی	ض —	ر و	ر ی	ی — ت
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—	—

بیابان گرد

الگوی هجایی	ب	یا	بان	گرد
الگوی واجی	ب —	ی ا	ب ا	ی — ر د
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند	کشیده
علامت هجا	U	—	—	U —

موجودی

الگوی هجایی	مُو	جو	دی
الگوی واجی	م — و	ج و	د ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

خونابه

الگوی هجایی	خو	نا	ب
الگوی واجی	خ و	ن ا	ب —
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	بلند	بلند	کوتاه
علامت هجا	—	—	U

دهخدا

الگوی هجایی	ده	خ	دا
الگوی واجی	د — ه	خ —	د ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

مُحَصِّل

الگوی هجایی	مُ	حَص	صِل
الگوی واجی	م —	ح —	ص —
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

جورکشی

الگوی هجایی	جُور	کِ	شی
الگوی واجی	ج —	ک —	ش ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کشیده	کوتاه	بلند
علامت هجا	U —	U	—

گیسوان

الگوی هجایی	گی	سُ	وان
الگوی واجی	گ ی	س —	و ا
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

ایروان

الگوی هجایی	أب	رُ	وان
الگوی واجی	ء —	ر —	و ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

میوهای

الگوی هجایی	می	وِ	ای
الگوی واجی	م ی	و —	ء ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

عیسوی

الگوی هجایی	عی	سَ	وی
الگوی واجی	ع ی	س —	و ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

طبعگه

گه	طبع	الگوی هجایی
گ _ ه	ط _ ب _ ع	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت صامت	نوع واجها
بلند	کشیده	نوع هجا
_	U _	علامت هجا

آهوان

وان	هـ	آ	الگوی هجایی
و ا خ	هـ _	ا _	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	نوع واجها
بلند	کوتاه	بلند	نوع هجا
_	U	_	علامت هجا

مشعله

ل	ع	مَش	الگوی هجایی
ل _	ع _	م _ ش	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
کوتاه	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	U	_	علامت هجا

غالیه

ی	ل	غا	الگوی هجایی
ی _	ل _	ا _ غ	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	نوع واجها
کوتاه	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	U	_	علامت هجا

نوبرانه

ن	را	بَ	نُو	الگوی هجایی
ن _	ر ا	ب _	ن _ و	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	نوع واجها
کوتاه	بلند	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	_	U	_	علامت هجا

عفو کردن

دَن	گَر	عَفُو	الگوی هجایی
د _ ن	ک _ ر	ع _ ف _ و	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت صامت	نوع واجها
بلند	بلند	کشیده	نوع هجا
_	_	U _	علامت هجا

اوضاع

الگوی هجایی	أُو	ضَاع
الگوی واجی	ءَ — و	ض ا ع
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	کشیده
علامت هجا	—	U —

عودت

الگوی هجایی	عُو	دَت
الگوی واجی	ع — و	د ا ت
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	بلند
علامت هجا	—	—

رویایی

الگوی هجایی	رُو	یا	یی
الگوی واجی	ر — و	یا	ی ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

مخموری

الگوی هجایی	مَخ	مو	ری
الگوی واجی	م — خ	م و	ر ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

معمّا

الگوی هجایی	مُ	عَم	ما
الگوی واجی	م —	ع م	م ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

مُعَمّم

الگوی هجایی	مُ	عَم	مَم
الگوی واجی	م —	ع م	م م
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

موالی

لی	وا	مَ	الگوی هجایی
ل ی	و ا	م	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	بلند	کوتاه	نوع هجا
—	—	U	علامت هجا

داوود

وود	دا	الگوی هجایی
و و د	د ا	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	نوع واجها
کشیده	بلند	نوع هجا
U —	—	علامت هجا

سیاوش

ووش	یا	س	الگوی هجایی
و و ش	ی ا	س	الگوی واجی
صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
کشیده	بلند	کوتاه	نوع هجا
U —	—	U	علامت هجا

۷- در چند واژه زیر حرف «ی» صامت است؟

«مینا و آسمان - میدان بزرگ - لیلا و مجنون - کریستال درخشان - یار غار - شمع آجین - یکه تاز - دیوان سالار - دو بیت شعر»
 (۱) پنج (۲) شش (۳) چهار (۴) هفت

۸- تعداد هجاهای کدام مصراع بیشتر است؟

(۱) از کس طمع خام نداریم خوشیم (۲) به آزار فرمان مده بر رهی
 (۳) می‌توانی به لطف دستم گیر (۴) بر ایشان سپهدار کرد آفرین

۹- به ترتیب در چند واژه، حرف «و» مصوّت کوتاه و حرف «ی»، صامت است؟

«دوگانه - هاون - چهارپایه - موسی - سینا - دوستی - میدان - یادآوری»

(۱) چهار - چهار (۲) سه - سه (۳) چهار - سه (۴) یک - سه

۱۰- عبارت «کشف اب در مریخ» چند واج دارد؟

(۱) پانزده (۲) شانزده (۳) هفده (۴) هجده

۱۱- تعداد واج‌های مصراع «آن کس که تو را خواست نیاسود» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) بیست و دو (۲) بیست و سه (۳) بیست و چهار (۴) بیست و پنج

۱۲- در مصراع زیر به ترتیب چند هجای کوتاه، چند هجای بلند و چند هجای کشیده وجود دارد؟

«مردم بیگانه را خاطر، نگه دارند خلق»

(۱) شش - هفت - دو (۲) پنج - هفت - یک (۳) چهار - هشت - دو (۴) سه - هفت - یک

۱۳- تعداد هجاهای کوتاه کدام مصراع بیشتر است؟

(۱) بار مذلت بتوانم کشید (۲) به آزار موری، نیرزد جهان
 (۳) نتوانم که نصیحت شنوم (۴) خداترسی نباشد روز غارت

۱۴- در کدام بیت، تعداد کلماتی که حرف «و» در جایگاه صامت است، بیشتر است؟

(۱) به مطربان صبحی دهیم جامه چاک (۲) معشوق چون نقاب ز رخ در نمی‌کشد
 (۳) چگونه باز کنم بال در هوای وصال (۴) باغ سلام می‌کند سرو قیام می‌کند
 بدین نوید که باد سحرگهی آورد
 هر کس حکایتی به تصور چرا کنند
 که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق
 سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد

فصل سوم: درست خواندن

گفتیم وزن شعر مربوط به حس شنوایی است، پس مهم‌ترین نکته در به دست آوردن وزن شعر، درست خواندن شعر است. با وجودی که اشعار با خط چاپی و سلیس و روان فارسی نوشته شده‌اند، باز هم شاهد تپق‌های دانش‌آموزان هستیم. با توجه به روخوانی‌های دانش‌آموزان در کلاس، اشتباهات رایج و محتمل آن‌ها را جمع‌آوری کرده‌ام. با رعایت موارد زیر، از این اشتباهات مصون خواهید ماند.

اشتباهات رایج در شعر خوانی:

۱- توجه به نقش‌نمای اضافه « _ یا یِ »: یکی از اشتباهات بسیار رایج قرار دادن « _ » بعد از واژه‌ای است که نیازی به آن ندارد، یا حذف « _ » بعد از واژه‌ای که حتماً باید به صورت ترکیب اضافی خوانده شود. با توجه به رسم‌الخط فارسی، «نقش‌نمای اضافه» معمولاً نمود نوشتاری ندارد و بودن یا نبودن آن را خودمان باید متوجه شویم. مثلاً اگر در بیت زیر، بعد از «زَن» به اشتباه « _ » قرار دهیم، وزن بیت تغییر زیادی خواهد کرد.

بدون « _ »: غلغله‌زنِ چهره‌نما تیزپا ← غُلْ غُلْ لِ زَنْ چِه رِ نُ ما تیز پا
 _ U _ _ U U _ _ U U _
 با « _ »: غلغله‌زنِ چهره‌نما تیزپا ← غُلْ غُلْ لِ زَنْ چِه رِ نُ ما تیز پا
 _ U _ _ U U _ U U U U _

همان‌طور که می‌بینید هجاها بسیار متفاوت می‌شود.

سوال: در چه مواقعی ممکن است نقش‌نمای اضافه « _ یا یِ » وجود داشته باشد؟ آمدن یک اسم، ضمیرِ جدا یا صفت، بعد از یک اسم، ترکیب اضافی یا وصفی می‌سازد و قاعدتاً ما بین این‌ها، نقش‌نمای اضافه می‌آید.

پدرِ خانه پدرِ من پدرِ خوب

نکته: گاه بعد از ضمیرِ جدا نیز صفت یا مضاف‌الیه می‌آید.

منِ بیچاره شمایِ دانش‌آموز

توجه: پس از اولین خوانش، حتماً این نقش‌نماها را در شعر وارد کنید.

۲- توجه به «واو» عطف و ربط: « و » در یک درصد موارد به صورت «و» تلفظ می‌شود و در باقی موارد به صورت مصوّت کوتاه برای صامت قبل خود در می‌آید.

فرو ماند در لطف و صنع خدای ← فرو ماند در لطف صنع خدای

تاج سر گلبین و صحرا منم ← تاج سر گلبین صحرا منم

رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور ← رفت ز مبدأ چو کمی گشت دور

توجه: « و » میان‌وند در کلمات وندی مرکب یا مشتق مرکب نیز همین‌گونه است و به مصوّت کوتاه « و » تبدیل می‌شود. جست و جو ← جست جو، رفت و آمد ← رفت آمد، دید و بازدید ← دید بازدید

۳- توجه به تشدید: **تشدید در شعر ۳ حالت دارد.**

الف) کلمه‌ای که تشدید دارد و در شعر مشدد خوانده می‌شود.

دگر روز باز اتّفاق اوفتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد

ب) کلمه‌ای که تشدید دارد ولی در شعر مشدد خوانده نشده است.

اتّفاقاً شاه روزی شد سوار با خواص خویش از بهر شکار

«خواص» در اصل تشدید دارد. ولی در صورت مشدد خواندن، وزن آن خراب می‌شود. لذا در این بیت، مشدد نیامده است.

گفت اگر خیر است خیر اندیش
تو **شِری** جز **شِرت** نیاید پیش
«شِر» در اصل تشدید دارد ولی در هر ۲ بار بدون تشدید تلفظ شده است.

ج) کلمه‌ای که در اصل تشدید ندارد ولی بنا به ضرورت وزن، مشدّد خوانده شده است.

نسوزد جان من یکباره در تاب
که **امیدم** زند گه گه بر او آب
«امید» در اصل تشدید است ولی بنا به ضرورت شعری مشدّد (امید) آمده است.

توجه: بعضی از کلمات مانند «شفقت، دوم و...» تشدید ندارند ولی امروزه، گاهی به اشتباه مشدّد خوانده می‌شوند. توجه داشته باشید که شاعران این واژگان را به صورت درست (یعنی بدون تشدید) تلفظ می‌کرده‌اند. لذا ما نیز باید بدون تشدید بخوانیم. (در واقع با توجه به نوشتار می‌خوانیم. و نوشتار نیز قطعاً موارد فوق را رعایت می‌کند. در واقع، در این موارد بیشتر دقت می‌کنیم تا در صورت اشتباه چشم، آن را تصحیح کنیم.)

اشک من رنگ شفق یافت ز بی‌مهری یار
طالع بی‌شفقت بین که در این کار چه کرد

نکته مهم: در کنکور اگر تشدید لازم به خواندن باشد، نوشته خواهد شد. لذا ملاک ما متن کنکور است. متنی که می‌بینیم. **توجه:** واژگانی چون «حَقّ، حَظّ، جَرّ، مَدّ، سَرّ و...» در اصل مشدّد هستند. این واژگان اگر به صورت تنها آمده باشند، معمولاً بدون تشدید به کار می‌روند. اما اگر به کلمه‌ای اضافه شده باشند، اکثراً مشدّد خوانده می‌شوند.

رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم
شيعه بايد آبها را گل کند
سَرّ حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم
حَظّ سوّم را به خون کامل کند

توجه: البته استثناهایی هم وجود دارد که این کلمات ممکن است با وجود اضافه شدن باز هم مشدّد خوانده نشوند.

زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست
در **حَقّ** ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

دانست که خواهد شدن مرغ دل از دست
وز آن **حَظّ** چون سلسله دامی نفرستاد

پس همان‌طور که گفتیم ملاک ما متنی است که می‌بینیم.

۴- توجه به حذف همزه: گفتیم که کلماتی مانند «آسیاب، آهن، آمد و...» و «اعتماد، احمد، امید، این، ایمان، ایران، اوستا، اورشلیم و...» با «ء» شروع می‌شوند و گفتیم که اگر قبل از این واژه‌ها، صامت بیاید، در ۹۹٪ مواقع این «همزه - ء» حذف می‌شود و صامت قبل همزه به مصوّت بعد از همزه می‌چسبد. مانند:

یار آمد ← یا را مد

روح انگیز ← رو حَن گیز

نکته مهم: یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات خوانشی، حذف نکردن این همزه یا حذف نابجای آن است. توجه داشته باشید اگر این همزه در آخر مصراع باشد با توجه به ریتم قبل آن، به حذف یا عدم حذف آن، پی خواهیم برد. و اگر در ابتدای مصراع باشد با توجه به ریتم بعد از آن، بودن یا حذف آن را خواهیم فهمید. بهترین کار این است که مصراع‌های دارای همزه را ۲ بار بخوانیم تا با توجه به ریتم و آهنگ به حذف یا ابقای آن پی ببریم. البته همان‌طور که گفته‌ام در ۹۹ درصد مواقع این همزه حذف می‌شود ولی ممکن است طرّاح به آن یک درصد توجه کند و موردی بیاورد که همزه حذف نشده باشد.

۵- توجه به تغییر در ساختار واژه و تلفظ آن: شاعران بنا به ضرورت وزن گاه تغییری در شکل ظاهری کلمات ایجاد می‌کنند. مانند «اوفتاد» به جای «اُفتاد» و «بُدم» به جای «بودم» در شعر زیر:

چون شبم اوفتاده **بُدم** پیش آفتاب
مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

۶- توجه به تغییر تلفظ: بعضی از واژه‌ها دو تلفظ متفاوت دارند؛ مانند: «تُرش و تُرش». یا مثلاً «بود» در ابیات زیر به صورت «بُود» تلفظ می‌شود. رعایت نکردن این تلفظ، باعث اخلاف در وزن می‌شود.

توانا بُود هر که دانا بُود
بُود آیا که در میکده‌ها بگشایند؟
نه پیل و نه تخت و نه بار و بنه
ز دانش دل پیر برنا بُود
گره از کار فروبسته ما بگشایند؟
به نانی تو سیری و هم گرسینه

توجه: تفاوت این مورد با مورد ۵ در این است که در این حالت شکل ظاهری کلمه تغییر تلفظ را نشان نمی‌دهد. زیرا تغییر تلفظ در تغییر مصوت‌ها است که معمولاً ظاهری نیستند.
در بیت زیر شاعر واژه «طَرْف» را بنا به ضرورت وزنی «طَرْف» تلفظ کرده است.
همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد
پسوند «ستان» نیز در بعضی شعرها به صورت «ستان» می‌آید
چه باید مرا جنگ زابلسِتان
و گر جنگ ایران و کابلسِتان؟
واژگان «زابلسِتان و کابلسِتان» بنا به ضرورت «زابلسِتان و کابلسِتان» تلفظ شده‌اند.
۷- ساکن تلفظ کردن حرف دوم فعل امر: بنا به ضرورت وزنی گاه حرف دوم فعل امر (که حرف اول بن مضارع می‌شود)، به صورت ساکن تلفظ می‌شود. در مثال‌های زیر «بِشْتاب، بَسْتان، بَفکن و بَگسل» به صورت «بِشْتاب، بَسْتان، بَفکن و بَگسل» تلفظ شده‌اند.

گفت ای پسر این نه جای بازی است
از عمر من آنچه هست بر جای
بَفکن ز پی این اساس تزویر
۸- حذف مصوت کوتاه «- یا -» پیش از ضمیر متصل:
بشْتاب که جای چاره‌سازی است
بَسْتان و به عمر لیلی افزای
بَگسل ز هم این نژاد و پیوند

گر آتش دل نهفته داری
شاعر به جای «جانت» دوم، بنا به ضرورت وزنی «جانت» آورده است.
ما با توایم و با تو نه ایم، اینت بوالعجب
شاعر به جای «اینْت» بنا به ضرورت وزنی «اینْت» آورده است.
۹- حذف همزه و مصوت قبل آن: پیش‌تر گفتم اگر پیش از همزه «ء»، مصوت باشد، همزه حذف نمی‌شود. ولی در بعضی مواقع همزه و مصوت قبل آن، هر دو حذف می‌شوند، از جمله موارد زیر:
که از= کز (ک - ء - ز) که او = کاو= کو (ک - ء - و)
که آن = کان (ک - ء - ا - ن) داده است = دادست (د ا د - ء - س ت)
۱۰- ویرگول «،»، «یا دو نقطه :» و امثال آن:

مکث قبل از ویرگول یا دو نقطه و ... در وزن عروضی تأثیری ندارد. به ابیات زیر که مطابق نگارش و ویرایش کتاب درسی است، توجه کنید:

گویا طلوع می‌کند از مغرب، آفتاب
ظاهراً این طور است که بعد از واژه «مغرب»، مکث می‌کنیم، اما در واقع «ب» به مصوت واژه بعد می‌چسبد و به صورت مقابل خوانده می‌شود. گویا طلوع می‌کندز مغربافتاب
بدو روی بنمود و گفت: ای دلیر
ظاهراً این طور است که بعد از واژه «گفت»، مکث می‌کنیم، اما در واقع «ت» به مصوت واژه بعد می‌چسبد و به صورت مقابل خوانده می‌شود. بدو روی بنمود گُفتی دگیر...
۱۱- واژگان دو تلفظی با هر دو تلفظ نتیجه یکسان خواهند داشت. مثلاً واژه «یادگار» با هر دو تلفظ «یادِگار» یا «یادُگار» به صورت «U - U» هجابندی می‌شود.

- ۱۲- تفاوت‌های تلفظی مانند «خَجَل - خِجَل، عِطَر - عَطَر، مَحَبَّت - مُحَبَّت و...»، در وزن تأثیری ندارند.
- ۱۳- توجه به نیم‌فاصله‌ها: اگر فاصله دو واژه کم‌تر از حد معمول و به صورت نیم‌فاصله بود، آن یک واژه است و به هیچ وجه بین آن‌ها نمی‌تواند نقش‌نمای اضافه بیابد. (البته با توجه به سوالات کنکور، زیاد به نیم‌فاصله و حتی علائم نگارشی دلخوش نباشید! زیرا متاسفانه سوالات کنکور در این سال‌ها درست ویرایش نشده بودند!)
- ۱۴- بعضی از واژه‌ها دو نوشتار و خوانش دارند مانند «آینه و آینه»، و بعضی واژگان شبیه یکدیگرند، مانند «مُقَدَّم و مَقَدَّم»، در هر مورد باید دقت کنیم که کدام در شعر به کار رفته است. زیرا هر کدام تقطیع و وزن متفاوتی دارد.
- ۱۵- توجه به یکسانی ظاهری فعل ماضی ساده سوم شخص مفرد (خواند) و مضارع ساده (التزامی بدون ب) سوم شخص مفرد (خواند). با توجه به محتوای شعر و افعال دیگر، باید متوجه شویم، به کدام صورت بخوانیم. زیرا وزن متفاوتی خواهند داشت.
- ۱۶- درست است که در عروض کلماتی مانند «بیا، سیاست، بیابان و...» به صورت «بیا، سیاست، بیابان و...» در نظر می‌گیریم، اما در خوانش این کلمات مطابق معیار تلفظ می‌کنیم.
- ۱۷- حرف ربط یا عطف «وَ» اگر به تنهایی یک جا باشد، در شعر معمولاً به صورت «وُ» خوانده می‌شود. پا و سر

۱۵- در کدام بیت از اختیار حذف همزه استفاده نشده است؟

- ۱) یا رب آن نوگل خندان که سپردی به منش می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش
- ۲) دردم از یار است و درمان نیز هم دل فدای او شد و جان نیز هم
- ۳) دارد اسارت تو به زینب اشارتی از اشتیاق کیست که چشمت کشید راه
- ۴) هیچم اندر نظر نمی‌آید تا تو خورشید روی در نظری

۱۶- در کدام یک از ابیات زیر، حذف همزه صورت نکرته است؟

- ۱) بخوان ای مرغ اگر داری زبانی بخند ای صبح اگر داری دهانی
- ۲) سردفتر آیت نکویی شاهنشاه ملک خوبرویی
- ۳) غرور حسنت اجازت مگر نداد ای گل که پرسشی نکنی عندلیب شنیدار
- ۴) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

۱۷- در بیت کدام گزینه، همزه حذف نمی‌شود؟

- ۱) گذر از دست رقیبان نتوان کرد به کویت مگر آن وقت که در سایه زنهار تو باشم
- ۲) دوش گفتم بکنند لعل لبش چاره من هاتف غیب ندا داد که آری بکنند
- ۳) یار بار افتاده را در کاروان بگذاشتند بی‌وفایاران که بر بستند بار خویش را
- ۴) دیگری را در کمند آور که ما خود بنده‌ایم ریسمان در پای حاجت نیست دست‌آموز را

۱۸- در کدام گزینه، در کلمه مشخص شده، مصوت کوتاه پیش از ضمیر، حذف شده است؟

- ۱) و گر خویش را ضعی نباشد ز خویش چو بیگانگانش براند ز پیش
- ۲) به امرش وجود از عدم نقش بست که داند جز او کردن از نیست، هست
- ۳) به درگاه لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر
- ۴) جهان متفق بر الهیتش فرومانده از گُنه ماهیتش

۱۹- در کدام گزینه قسمت مشخص شده به صورت ترکیب اضافی خوانده نمی‌شود؟

- (۱) عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو
(۲) آن کس است اهل بشارت که اشارت داند
(۳) باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش
(۴) هر سر موی مرا با تو هزاران کار است

۲۰- واژه «شکر» در کدام گزینه باید به صورت مشدد خوانده شود تا وزن عروضی شعر درست باشد؟

- (۱) از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر
(۲) طوطی‌ای را به خیال شکری دل، خوش بود
(۳) شکرفروش که عمرش دراز باد چرا
(۴) ای دوست شکر بهتر، یا آنکه شکر سازد؟

۲۱- در کدام گزینه تلفظ واژه «بود» متفاوت است؟

- (۱) اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد
(۲) نبود نقش دو عالم که رنگ للفت بود
(۳) چه ره بود این که زد در پرده مطرب
(۴) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود

باقی همه بی‌حاصلی و بی‌خبری بود
زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت
که می‌رقصند با هم مست و هشیار
جان و سر را نتوان گفت که مقداری هست

فصل چهارم: درست‌نوشتن (خط عروضی)

پس از درست‌خواندن شعر، برای رسیدن به هجاهای بیت، ضروری است بیت را همانگونه که خوانده‌ایم، بنویسیم. به این نوشتار که دقیقاً مطابق خوانش است، خط عروضی می‌گویند. در خط عروضی تمام نکاتی را که در فصل دوم (انواع واج و هجا) گفتیم، باید رعایت کنیم. در واقع یک مصراع را همچون یک واژه بزرگ در نظر می‌گیریم و آن نکات را در آن رعایت می‌کنیم. یعنی:

توجه به تشدید	معلم	←	مُعَلِّم	←	مُ	عَل	لِمْ
توجه به حروف ناخوانا	خواهر	←	خَاہِر	←	خَا	ہَر	
نوشتن هر چه که به صدا در می‌آید	توسنی	←	تُوسَنی	←	تُو	سَ	نِی
توجه به «ه» غیر ملفوظ	خانه	←	خَاِن	←	خَا	نِ	
حذف «ن» بعد از مصوت بلند	جانان	←	جَاِنَا	←	جَا	نَا	
توجه به فرآیند واجی افزایش	بیا	←	بِیَا	←	بِ	یَا	
توجه به ترکیبات عربی و یا مشابه آن‌ها	انالحق	←	اَنلَحَق	←	اَ	نَل	حَق
توجه به «واو» عطف و ربط	دل و جان	←	دِلْ جَا	←	دِلْ	جَا	
حذف همزه	اغراق‌آمیز	←	اِغْرَاقِمْزِ	←	اِغْ	رَا	قَا مِز

توجه: موارد فوق مهمترین نکاتی است که در خط عروضی باید به آن توجه کرد، اما موارد دیگری نیز وجود دارد که در فصول قبل به آن اشاره شد.

توجه: همانطور که گفته شد، در اصل «ن» بعد از مصوت بلند حذف نمی‌شود و در واقع مصوت بلند در این گونه موارد، مانند مصوت کوتاه تلفظ می‌شود. خون = خُن، جان = خُن، سین = سِن
اکنون به خط عروضی ابیات زیر دقت کنید:

غلغلزن چهره‌نما تیز پا
 غُلْغُلِ زَن چِهْرِنْمَا تِیزِ پَا
 حقیقت پرده برداری ز رخسار
 حَقِیْقَتِ پَرْدِ بَرْدَارِی زِ رُخْسَار
 خورد گاو نادان ز پهلوی خویش
 خُرْدِ گَاوِ نَادَا زِ پَهْلَوِی خِیْش
 تو شری جز شرت نیاید پیش
 تُو شَرِی جُز شَرْتِ نَیَاِیْدِ پِیْش

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
 گِشْتِ یِکِی چِشْمِ زِ سَنَگِی جُدَا
 چو در وقت بهار آیی پدیدار
 چُو دَرِ وَقْتِ بَهَارِ آیی پَدِیدَار
 نباشی بس ایمن به بازوی خویش
 نَبَاشِی بَسِ اَیْمَنِ بَه بَاذَوِی خِیْش
 گفت: اگر خیر است خیراندیش
 گُفْت: اِگَر خِیْرِ اسْتِ خِیْرَانْدِیْش

توجه: بسیار پیش آمده دانش‌آموز، شعر را درست خوانده است، ولی در خط عروضی — به دلیل کاهش سرعت — اشتباه نوشته است. برای جلوگیری از این اشتباه، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، یک بار شعر را از روی خط عروضی بخوانید تا مشخص شود، شعر را درست می‌خوانید یا خیر. از مهم‌ترین اشتباهات در این مرحله، حذف‌نکردن همزه یا عدم توجه به کسره اضافه است. چون وقتی به خط عروضی می‌نویسیم نگاهمان از مصراع، محدود به واژه می‌شود. و یک واژه را به خط عروضی می‌نویسیم و بعد سراغ واژه‌ی دیگر می‌رویم. به اشتباه زیر توجه کنید.

بیا تا برآریم دستی ز دل
بیا تا بر آریم دستی ز دل
در خط عروضی مثال قبل ظاهراً به نظر می‌رسد شعر را به درستی به خط عروضی نوشته‌ایم. ولی همانطور که در تقطیع زیر می‌بینیم، به حذف همزه توجه نکرده بودیم.

بیا تا برآریم دستی ز دل
بیا تا بر آریم دستی ز دل
نکته مهم: خط عروضی از مهم‌ترین قسمت‌های تشخیص وزن یک بیت است، حتماً بعد از نوشتن آن، یک بار دیگر آن را چک کنید. زیرا ما هجاها را از روی خط عروضی مشخص می‌کنیم. و اگر اشتباهی در این مرحله داشته باشیم، قطعاً تقطیع نهایی ما اشتباه خواهد شد.

توجه: نوشتن کسره اضافه بین دو واژه (نقش‌نمای اضافه) بسیار الزامی است.

ابیات زیر را مانند نمونه به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنی

- ۱ - چو حاکم به فرمان داور بود
- ۲ - نصیحت کسی سودمند آیدش
- ۳ - بیا تا جهان را به بد نسپریم
- ۴ - چو ده ساله شد زان میان کس نبود
- ۵ - هر کسی را بهر کاری ساختند
- ۶ - خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران
- ۷ - هر کسی از ظنّ خود شد یار من
- ۸ - می نمود آن مرغ را هر گون شگفت
- ۹ - گفت آری گر وفا بینم نه مکر
- ۱۰ - تا نزاید بخت تو فرزند نو
- ۱۱ - ای همه هستی ز تو پیدا شده
- ۱۲ - چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم
- ۱۳ - هر سحر از عشق دمی می‌زنم
- ۱۴ - دست از این پیش که دارد که ما؟
- ۱۵ - ای نام تو بهترین سرآغاز
- ۱۶ - حاجتگه جمله‌ی جهان اوست
- ۱۷ - از عمر من آنچه هست بر جای
- ۱۸ - گفت ای پسر این نه جای بازی است
- ۱۹ - هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
- ۲۰ - به نام کردگار هفت افلاک
- ۲۱ - فروغ رویت اندازی سوی خاک
- ۲۲ - به شیراز آی و فیض روح قدسی
- ۲۳ - خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش
- ۲۴ - شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر

توجه: اختیارات شاعری (یعنی تفاوت هجاها) اصلاح نشده است. پس از آموختن اختیارات شاعری در فصل هشتم، اختلاف هجاها را تصحیح کنید. همچنین « ن » ساکن بعد از مصوّت بلند نیز در بسیاری از موارد حذف نشده است تا مشخص شود.

چو حاکم به فرمان داور بود										بیت ۱
خدایش نگهبان و یاور بود										عروضی مصراع اول
چ	ح	ک	ب	ف	م	ن	د	و	ب	و
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
خ	د	ا	یش	ن	گه	با	ن	یا	و	و
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
خدایش نگهبان یاور بود										عروضی مصراع دوم

نصیحت کسی سودمند آیدش										بیت ۲
که گفتار سعدی پسند آیدش										عروضی مصراع اول
ن	ص	ح	ک	س	سو	د	م	د	ی	د
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ک	گ	ت	ر	س	دی	پ	س	د	ی	د
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ک گفتار سعدی پسند آیدش										عروضی مصراع دوم

بیا تا جهان را به بد نسپریم										بیت ۳
به کوشش همه دست نیکی بریم										عروضی مصراع اول
ب	یا	تا	ج	ها	را	ب	ب	ن	پ	ر
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
				*						
ب	کو	ش	ه	م	د	ت	نی	کی	ب	ر
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ب کوشش هم دست نیکی بریم										عروضی مصراع دوم

چو ده ساله شد زان میان کس نبود										بیت ۴
که یارست با وی نبرد آزمود										عروضی مصراع اول
چ	ده	سا	ل	شد	زا	م	یا	کس	ن	بود
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ک	یا	رست	با	وی	ن	بر	دا	ز	مود	
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ک یارست با وی نبرد آزمود										عروضی مصراع دوم

هر کسی را بهر کاری ساختند										بیت ۵	
میل آن را در دلش انداختند										عروضی مصرع اول	
هَر	کَ	سِی	رَا	بِهَر	رِ	کَا	رِی	سَا	خ	تَنَد	هجا
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
مِی	لِ	آ	رَا	دَر	دِ	لَش	اَن	دَا	خ	تَنَد	هجا
مِیلِ آ را دَر دِلَش اَنداختَنَد										عروضی مصرع دوم	

خوش تر آن باشد که سر دلبران										بیت ۶	
گفته آید در حدیث دیگران										عروضی مصرع اول	
خُش	تَ	رَا	بَا	شَد	کِی	سِر	رِ	دِل	بَ	رَانَ	هجا
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	علامت
						*					اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	علامت
گُف	تِ	آ	یَد	دَر	حَ	دِی	ثِ	دِی	گَ	رَانَ	هجا
گُفَتِ آید دَر حَدِیثِ دِیْگَرَانَ										عروضی مصرع دوم	

هر کسی از ظن خود شد یار من										بیت ۷	
از درون من نجست اسرار من										عروضی مصرع اول	
هَر	کَ	سِی	اَز	ظَن	نِ	خُد	شُد	یَا	رِ	مَن	هجا
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
			*								اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	علامت
اَز	دَ	رِو	نِ	مَن	نِ	جُس	تَس	رَا	رِ	مَن	هجا
اَز دَرِوَنِ مَن نَجَسْتَسْرَارِ مَن										عروضی مصرع دوم	

می نمود آن مرغ را هر گون شگفت										بیت ۸	
تا که باشد که اندر آید او به گفت										عروضی مصرع اول	
مِی	نِ	مِو	دَا	مَر	غ	رَا	هَر	گِو	شِ	گُفَت	هجا
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
تَا	کِی	بَا	شَد	کَن	دَ	رَا	یَد	اَو	بِ	گُفَت	هجا
تَا کِی بَاشَد کَنَد رَا یَدِ اَو بِ گُفَت										عروضی مصرع دوم	

گفت آری گر وفا بینم نه مکر مکرها بس دیده ام از زید و بکر										بیت ۹
گفت آری گر وفا بینم ن مکر										عروضی مصراع اول
مکر	ن	نم	بی	فا	و	گر	ری	آ	گفت	هجا
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	علامت
										اختلاف
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	علامت
بکر	د	زی	از	ام	د	دی	بس	ها	مکر	هجا
مکرها بس دید ام از زید بکر										عروضی مصراع دوم

تا نزاید بخت تو فرزند نو خون نگرده شیر شیرین خوش شنو										بیت ۱۰	
تا نَزاید بَخْتِ ت فرزندِ نُو										عروضی مصراع اول	
نو	د	زن	قر	ت	ت	بخ	ید	زا	ن	تا	هجا
-	U	-	-	U	U	-	-	-	U	-	علامت
				*							اختلاف
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	علامت
نو	ش	خس	ری	شی	ر	شی	دد	گر	ن	خو	هجا
خو نگرده شیر شیرین خس شنو										عروضی مصراع دوم	

ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده										بیت ۱۱	
ای هِم هستی ز ت پیدا شد										عروضی مصراع اول	
ای	ه	م	هس	تی	ز	ت	پی	دا	ش	د	هجا
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	علامت
											اختلاف
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	علامت
خا	ک	ض	عی	فز	ت	ت	وا	نا	ش	د	هجا
خاک ضعیف از تو توانا شد										عروضی مصراع دوم	

چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم گر تو برانی به که روی آوریم										بیت ۱۲	
چارِی ما ساز ک بیچارِیم										عروضی مصراع اول	
ایم	ر	چا	بی	ک	ز	سا	ما	ی	ر	چا	هجا
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	علامت
											اختلاف
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	علامت
ایم	و	یا	رو	ک	ب	نی	را	ب	ت	گر	هجا
گر ت برانی ب ک رو یا وریم										عروضی مصراع دوم	

هر سحر از عشق دمی می‌زنم										بیت ۱۳
روز دگر می‌شنوم بر ملا										عروضی مصراع اول
هَر سَحْرَازِ عِشْقِ دَمی می‌زَنَم										هجاء
هَر	سَ	حَ	رَازِ	عِشْقِ	دَمی	مِی	زَنَم	نَم		علامت
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
										اختلاف
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هَر	سَ	حَ	رَازِ	عِشْقِ	دَمی	مِی	زَنَم	نَم		علامت
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
هَجا	سَ	حَ	رَازِ	عِشْقِ	دَمی	مِی	زَنَم	نَم		هجاء
هَجا	سَ	حَ	رَازِ	عِشْقِ	دَمی	مِی	زَنَم	نَم		هجاء
روز دگر می‌شنوم بر ملا										عروضی مصراع دوم

دست از این پیش که دارد که ما؟										بیت ۱۴
زارى از این بیش که دارد که ما؟										عروضی مصراع اول
دَسْتِ اَزِیْنِ پِیشِ کِ دَارَدِ کِ ما										هجاء
دَسْتِ	اَزِیْنِ	پِیشِ	کِ	دَا	رَدِ	کِ	ما			علامت
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
									*	اختلاف
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—	—
دَسْتِ	اَزِیْنِ	پِیشِ	کِ	دَا	رَدِ	کِ	ما			علامت
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—	—
دَسْتِ	اَزِیْنِ	پِیشِ	کِ	دَا	رَدِ	کِ	ما			هجاء
دَسْتِ	اَزِیْنِ	پِیشِ	کِ	دَا	رَدِ	کِ	ما			هجاء
زارى از این بیش که دارد که ما؟										عروضی مصراع دوم

ای نام تو بهترین سرآغاز										بیت ۱۵
بی نام تو نامه کی کنم باز										عروضی مصراع اول
اِی نامِ تُو بَهِتَری سَرَاغاز										هجاء
اِی	نا	مِ	تُو	بَهِ	تُو	رِی	سَ	را	غاز	علامت
—	—	U	—	U	—	U	—	U	—	—
										اختلاف
—	—	U	—	U	—	U	—	U	—	—
اِی	نا	مِ	تُو	بَهِ	تُو	رِی	سَ	را	غاز	علامت
—	—	U	—	U	—	U	—	U	—	—
اِی	نا	مِ	تُو	بَهِ	تُو	رِی	سَ	را	غاز	هجاء
اِی	نا	مِ	تُو	بَهِ	تُو	رِی	سَ	را	غاز	هجاء
بی نام تو نامه کی کنم باز										عروضی مصراع دوم

حاجتگه جملهی جهان اوست										بیت ۱۶
محراب زمین و آسمان اوست										عروضی مصراع اول
حاجَتِگَهِ جُمَلِی جَها اوست										هجاء
حاجَتِ	گَ	هَ	جُمِ	لِ	ی	جَ	ها	اوست		علامت
—	—	U	—	U	—	U	—	U	—	—
					*					اختلاف
—	—	U	—	U	—	U	—	U	—	—
حاجَتِ	گَ	هَ	جُمِ	لِ	ی	جَ	ها	اوست		علامت
—	—	U	—	U	—	U	—	U	—	—
حاجَتِ	گَ	هَ	جُمِ	لِ	ی	جَ	ها	اوست		هجاء
حاجَتِ	گَ	هَ	جُمِ	لِ	ی	جَ	ها	اوست		هجاء
محراب زمین آسما اوست										عروضی مصراع دوم

از عمر من آن چه هست بر جای										بیت ۱۷
بستان و به عمر لیلی افزای										عروضی مصراع اول
آز عُمَرِ مَنَاچِ هَسْتِ بَرِ جَای										هجاء
جای	بَر	هَسْت	چ	نا	مَ	رِ	عُم	آز		علامت
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	
		*								اختلاف
-	-	-	-	U	-	U	U	-	-	علامت
زای	یَف	لی	لی	رِ	عُم	بِ	نُ	تا	پس	هجاء
بِستَانُ بِ عُمَرِ لیلی یَفزای										عروضی مصراع دوم

گفت ای پسر این نه جای بازی است										بیت ۱۸
بشتاب که جای چاره سازی است										عروضی مصراع اول
گُفَتِ ای پَسَرِیْنِ نَ جَایِ بازِیْسْت										هجاء
زیست	با	ی	جا	نَ	ری	سَ	پِ	تِی	گُف	علامت
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	
										اختلاف
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-	علامت
زیست	سا	رِ	چا	ی	جا	کِ	بِ	تا	پس	هجاء
بِشْتابِ کِ جَایِ چارِ سازِیْسْت										عروضی مصراع دوم

هر آن وصفی که گویم بیش از آنی										بیت ۱۹	
یقین دانم که بی شک جان جانی										عروضی مصراع اول	
هَرانِ وَصْفی کِ گویمِ بیَشْزانی										هجاء	
نی	زا	شَ	بی	یم	گو	کِ	فی	وَص	را	هَ	علامت
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	
											اختلاف
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	علامت
نی	جا	نِ	جا	شَک	بی	کِ	نَم	دا	قی	یَ	هجاء
یَقینِ دَانَمِ کِ بی شَکِ جانِ جانی										عروضی مصراع دوم	

به نام کردگار هفت افلاک										بیت ۲۰	
که پیدا کرد آدم از کفی خاک										عروضی مصراع اول	
بِ نَامِ کَرْدِگارِ هَفْتِ أَفْلاکِ										هجاء	
لاک	آف	هَفْت	رِ	گا	دِ	کَر	مَ	نا	بِ	علامت	
-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	
			*				*			اختلاف	
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	علامت
خاک	فی	کَ	آز	دَم	آ	گَر	د	دا	پی	کِ	هجاء
کِ پیدَا کَرْدِ آدمِ از کَفیِ خاکِ										عروضی مصراع دوم	

فروغ رویت اندازی سوی خاک										بیت ۲۱	
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک										عروضی مصراع اول	
فُروغِ رُویتِ نَدازیِ سَویِ خَاکِ										هجاء	
خاک	فُ	رُو	غِ	رُو	یَ	تَن	دَا	زِی	سُو	یِ	خاک
—	U	—	U	—	—	—	—	—	—	U	—
			*						*		
—	U	—	—	—	—	—	—	—	—	U	—
خاک	عَ	جَا	یَب	نَقْشِ	هَا	سَا	زِی	سُو	یِ	خاک	
عَجایبِ نَقْشِ هَا سَازِیِ سَویِ خَاکِ										عروضی مصراع دوم	

به شیراز آی و فیض روح قدسی										بیت ۲۲	
بِجَوِیِ از مَرَدَمِ صَاحِبِ کَمَالِشِ										عروضی مصراع اول	
بِ شِیرَازِ آیِ وَ فِیضِ رُوحِ قَدسیِ										هجاء	
سی	بِ	شِی	رَا	زَا	یِ	فِی	ضِی	رُو	حِی	قُد	سی
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
					*	*					
—	U	—	—	—	U	U	—	—	U	—	—
لَش	بِ	جُو	یَزِ	مَر	دُ	مِ	صَا	حِب	کَا	مَا	لَش
بِجَوِیِزِ مَرَدَمِ صَاحِبِ کَمَالِشِ										عروضی مصراع دوم	

خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش										بیت ۲۳	
خُشَا شِیرَازُ وَ وَضِعِ بَی‌مِثَالِشِ										عروضی مصراع اول	
خُ شَا شِی رَا زُ وَضِ عِ بَی مِثَالِشِ										هجاء	
لَش	خُ	شَا	شِی	رَا	زُ	وَضِ	عِ	بَی	مِ	ثَا	لَش
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
						*					
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
لَش	خُ	دَا	وَن	دَا	نِ	گَه	دَا	رَز	زَ	وَ	لَش
خُداوندِ نِگَه‌دارِ زَوَالِشِ										عروضی مصراع دوم	

شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر										بیت ۲۴	
سَبِ وَصَلِ اسْتِ وَ طَی شَد نَامَیِ هَجرِ										عروضی مصراع اول	
سَبِ وَصَلِ اسْتِ وَ طَی شَد نَامَیِ هَجرِ										هجاء	
هَجر	سَ	بِ	وَص	لَس	تُ	طِی	شُد	نَا	مِ	یِ	هَجر
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
		*								*	
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
فَجر	سَ	لَا	مُن	فِی	هَ	حَت	تَا	مَط	لَ	عِل	فَجر
سَلَامُن فِیهِ حَتَا مَطَلَعِ فَجرِ										عروضی مصراع دوم	

۲۲- در بیت کدام گزینه، «همزه» حذف می‌شود؟

- (۱) نه گمانی برده‌ای تو زین نشاط
 (۲) راحتتم این بود از آواز او
 (۳) عشق بشکافد فلک را صد شکاف
 (۴) باز این را می‌هل و می‌جو دگر

۲۳- خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن نادرست آمده است؟

- (۱) سعديا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست
 (۲) چون سرآمد دولت شب‌های وصل
 (۳) هم تو منزهی ز جا هم همه جای حاضری
 (۴) این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار

۲۴- خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن صحیح است؟

- (۱) بضاعت نیاوردم آلا امید
 (۲) ناله‌ای دارم کش از دل گر بر آرم بگسلد
 (۳) سیمرغ ما چه لایق زاغ‌اشیان توست
 (۴) وین کشته رها کن که در او گله چریده‌ست

۲۵- در نوشتن واژه‌های همه گزینه‌ها خط عروضی درست رعایت نشده است به جز

- (۱) کباده، خوردن، ماخذ، مسألما: ← کباب، خوردن، ماخذ، مسأللمن
 (۲) مؤنث، میوه به، رؤیایی، برآورد: ← م ءنث، میوی ب، رؤیایی، برآورد
 (۳) روح الامین، هوی، مجعد، بوسنی: ← روح الامین، هوا، مجعد، بوسنی
 (۴) به تندی، سر و تن، مأوا، خوشبو: ← ب تندی، سرتن، مءوا، خشبو

۲۶- خط عروضی کدام یک از ابیات زیر صحیح نیست؟

- (۱) وَاَلْيَمْنُ مَاهُ دَارِدُ قَصْدِ بَالَا
 وَاَلْيَمْنُ مَاهُ دَارِدُ قَصْدِ بَالَا
 (۲) اِغْرِبَارَانُ بِيهِ كُوَهْسْتَانُ نِبَارِدُ
 اِغْرِبَارَانُ بِيهِ كُوَهْسْتَانُ نِبَارِدُ
 (۳) اِي نَفَسِ خُرْمِ بَادِ صَبَا
 اِي نَفَسِ خُرْمِ بَادِ صَبَا
 (۴) رُوي مپوشان كه بهشتي بود
 رُوي مپوشان ك بهشتي بود

۲۷- خط عروضی بیت زیر در کدام گزینه صحیح است؟

«یار شو ای مونس غم خوارگان / چاره کن ای چاره بیچارگان»

- (۱) یار شُ ای مونسِ غَمِ خوارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان
 (۲) یار شُ ای مونسِ غَمِ خارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان
 (۳) یار شُو ای مونسِ غَمِ خوارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان
 (۴) یار شُو ای مونسِ غَمِ خارگان / چارِ کن ای چارِ بیچارگان

حزم را مگذار می‌کن احتیاط
 هدیه آوردم به شکر آن مرد کو؟
 عشق بشکافد زمین را از گزاف
 اینت لعب کودکان بی‌خبر

(سَعَدِيَا دِي رَفَتْ فَرْدَا هَمچَنان مُوجُود نِيسَت)
 (چُن سِرَامِد دَلَّتِ شَبهايِ وَصَل)
 (هَم ت مُنَزّهي ز جَا هَم هَمه جَاي حاضِري)
 (اين نَقْد بَگير دَسْتَران نِسي بَدار)

(بِضَاعَت نِياورَدَم اَلَا اَميد)
 (نَالِ اِي دَارَم كِشَز دِلِ گَر بَرارَم بَگسَلَد)
 (سِيمرَغ ما چَ لايِقِ زاغاشيانِ توست)
 (وين كِشْتِ رَها كُن كِ دَرِو گَلَه چَريدِه‌سَت)

فَرُوشِد اَفْتابِز كَوَه بَابِل
 فَرُوشِد اَفْتابِز كَوَه بَابِل
 بِيهِ سَالِي دَجَلِه گَرْدَدِ خُشْكِرُودِي
 بِيهِ سَالِي دَجَلِه گَرْدَدِ خُشْكِرُودِي
 اَز بَر يارِ اَمْدِه‌اي مَرَحِبَا
 اَز بَر يارِ اَمْدِه‌اي مَرَحِبَا
 هَر كِه بِيِنْد چُو تُو حُورِ اِي صَنَم
 هَر كِه بِيِنْد چُو تُو حُورِ اِي صَنَم

۲۸- خطّ عروضی کدام مصراع در مقابل آن درست است؟

- (۱) دریای جمال تو چون موج زند ناگه ← دریای جمال ت چن موج زند ناگه
(۲) همی زد چشمک آن نرگس بهسوی گل که خندانی ← همی زد چشمک آن نرگس ب سوی گل ک خندانی
(۳) رها کن این همه را نام یار و دلبر گو ← رها ک نی هم را نام یار دلبرگو
(۴) به گرد چرخ استاره چو مشتاقان آواره ← ب گرد چرخ استار چ مشتاقانا وار

فصل پنجم: تقطیع هجایی

پیش‌تر با الگوی هجایی واژه‌ها آشنا شدیم و نکاتی را نیز درباره آن آموختیم. در این مرحله از عروض، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، هجاهای آن را مشخص می‌کنیم. و اصطلاحاً آن را تقطیع هجایی می‌کنیم. اکنون هجاهای دو بیت از ابیات فوق را که به خط عروضی نوشتیم، مشخص می‌کنیم:

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغله‌زن چهره‌نما تیز پا
گشت یکی چشم ز سنگی جدا غلغل زَن چهرِ نَما تیز پا

گ	ش	ت	ی	ک	چ	م	ز	س	ن	گ	ج	د
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U
غ	ل	غ	ل	ز	ن	چ	ر	ن	م	ا	ت	ز

نباشی بس ایمن به بازوی خویش خورد گاو نادان ز پهلوی خویش
نباشی بس ایمن به بازوی خویش خرد گاو نادان ز پهلوی خویش

ن	ب	ا	ش	ی	ب	س	ی	م	ن	ب	ا	ز	و	ی	خ
-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	U
-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	U
خ	ر	د	گ	ا	و	ن	ا	د	ا	ز	پ	ه	ل	و	ی

توجه: هجای پایانی مصراع را همیشه بلند در نظر می‌گیریم حتی اگر هجای کوتاه یا کشیده باشد. مانند «خیش» در بیت قبل که در اصل هجای کشیده است، ولی چون آخرین هجای مصراع است، معادل هجای بلند در نظر گرفتیم. **توجه:** رسیدن به وزن شعر چندین مرحله دارد، مثلاً خود تقطیع هجایی در هر مصراع ۱۰ تا ۱۶ مرحله دارد. لذا کوچک‌ترین اشتباه در محل قرار دادن هجاها، ممکن است تمام زحمت ما را بر باد بدهد. برای جلوگیری از این اشتباه توصیه می‌شود، در ابتدای کار و روزهای آغازین و قبل از راه افتادن دستتان، از خانه‌های هجایی استفاده کنید.

بیا تا برآیم دستی ز دل که نتوان برآورد فردا ز گل
بیا تا برآیم دستی ز دل کِ نتوان برآورد فردا ز گل

ب	یا	تا	ب	را	ر	م	د	س	ت	ز	د					
-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-					
-	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-					
ک	ن	ت	و	ا	ب	ر	ا	و	ر	د	ف	ر	د	ا	ز	گ

توجه: نکته‌ی بسیار مهمی که در این روش باید به آن دقت کنیم، این است که هر هجا در یک خانه قرار می‌گیرد، ولی هجای کشیده را طوری می‌نویسیم که قسمت آخر آن، در خانه‌ی بعدی جای بگیرد. (زیرا هجای کشیده از نظر امتداد، برابر با یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است.)

توجه: معمولاً هجاهای دو مصراع از نظر کمی (تعداد) و کیفی (نوع) برابرند، مگر این که اختیار شاعری وجود داشته باشد که در فصول بعد به آن اشاره خواهیم کرد.

نکته: برای این که مطمئن شویم همه هجاها را نوشتیم، بهتر است شعر را، یک بار از روی هجاها بخوانیم. با این روش از صحت خط عروضی هم مطمئن می‌شویم.

نکته مهم: اصل بر این است که تعداد و نوع هجاهای دو مصراع دقیقاً با هم منطبق باشند، پس در صورت بروز اختلاف، یک بار عملکرد خود را بررسی کنید، ممکن است شما به هر دلیل اعم از حواس پرتی و یا هر دلیل دیگر، اشتباه کرده باشید، در این فرصت می‌توانید آن اختلاف ناشی از اشتباه را تصحیح کنید. ولی اگر شما درست عمل کرده باشید، اختلاف به دلیل استفاده از اختیارات شاعری است و باید از آن جهت بررسی کنید. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

دید پر روغن دکان و جامه چرب بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب
دید پُر روغن دکان جام چرب بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب

دی	د	پُر	رُو	غَن	دُک	کا	نُ	جا	م	چَرَب
-	U	-	-	-	-	-	U	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بَر	سَ	رَش	زَد	گشت	طو	طی	کل	ز	ضَرَب	

ما در دو ستون اختلاف داریم. ستون ششم و هشتم. گفتیم که ابتدا به تقطیع خودمان شک می‌کنیم و سریع آن را بررسی می‌کنیم. پس از بررسی متوجه می‌شویم که واژه «دکان» را به اشتباه مشدد خوانده‌ایم و «د» را به اشتباه «دک» نوشته‌ایم و اختلاف هجایی، ناشی از اشتباه ماست. آن را اصلاح می‌کنیم. در مورد خانه هشتم مطمئن می‌شویم که همه مراحل را درست رفته‌ایم و درست نوشته‌ایم ولی هنوز علامت هجاها متفاوت است. در این مرحله در می‌یابیم که این اختلاف، به دلیل استفاده شاعر از اختیار شاعری است.

پس زمانی اختلاف هجا را به اختیار شاعری مؤکول می‌کنیم که از تقطیع هجایی و مراحل قبل آن مطمئن باشیم.

توجه: اختلاف نوع هجا، اختیار شاعری پرکاربردی است و بسیار پیش می‌آید. ولی تفاوت در تعداد هجا، فقط در یک حالت پیش می‌آید و آن زمانی است که شاعر به جای دو هجای کوتاه، یک هجای بلند آورده باشد، مانند مواردی که پایان یک مصراع به صورت «UU» و پایان مصراع دیگری به صورت «-» باشد. در غیر این صورت، اختلاف تعداد هجا، ناشی از اشتباه ماست. (در واقع یکی از اختیارات شاعری، آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه است که در چند رکن به وجود می‌آید. به صفحه ۸۷ اختیار ابدال مراجعه کنید.) به تقطیع ابیات زیر دقت کنید.

تو به سیمای شخص می‌نگری ما در آثار صنوع حیرانیم
تُ ب سیمای شخص می‌نگری ما در آثار صنوع حیرانیم

تُ	ب	سی	ما	ی	شخص	می	ن	گ	ری
U	U	-	-	U	U	-	U	U	-
-	U	-	-	U	U	-	-	-	-
ما	د	را	تا	ر	صنوع	حی	را	نیم	

در این بیت، بعد از مشاهده اختلاف تعداد هجا، سریع عملکرد خود را بررسی می‌کنیم. همه چیز درست انجام شده است. در می‌یابیم این اختلاف مربوط به اختیارات شاعری است. به این صورت که «به جای دو هجای کوتاه، در مصراع دیگر، یک هجای بلند» آمده است.

ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

- ۲۵ - جمله حیوانات وحشی زآدمی
 ۲۶ - بگن زپی این اساس تزویر
 ۲۷ - دگر روز باز آتفاق اوفتاد
 ۲۸ - پرورش آموز درون پروران
 ۲۹ - ای ضیاءالحق حسام الدین راد
 ۳۰ - بند بگسل باش آزاد ای پسر
 ۳۱ - ای خطبه‌ی تو تبارک الله
 ۳۲ - ای توبه صفات خویش موصوف
 ۳۳ - حبیب خدای جهان آفرین
 ۳۴ - آمد نوروز هم از بامداد
 ۳۵ - کیست در این دبرگه دیرپای
 ۳۶ - دستکش کس نیم از بهر گنج
 ۳۷ - تأمل کنان در خطا و صواب
 ۳۸ - چرا گوید آن چیز در خفیه مرد
 ۳۹ - چو دیدند کاوصاف و خلش نکوست
 ۴۰ - ما گدایان خیل سلطانیم
 ۴۱ - تو به سیمای شخص می‌نگری
 ۴۲ - دل سراپرده محبت اوست
 ۴۳ - من و دل گر فدا شدیم چه باک
 ۴۴ - چه کنم گر به رکابش نروم
 ۴۵ - گر به عقلم سخنی می‌گویند
 ۴۶ - من از اینجا به ملامت نروم
 ۴۷ - همه گو باد ببر خرمن عمر
- باشد از حیوان انسی در کمی
 بگسل ز هم این نژاد و پیوند
 که روزی رسان قوت روزش بداد
 روز برآرنده‌ی روزی خـوران
 که فلک و ارکان چو تو شاه‌ی نژاد
 چند باشی بند سیم و بند زر
 فیض تو همیشه ببارک الله
 ای نهی تو منکر، امر معروف
 نگه کرد بر روی مردان دین
 آمدنش خرم و فرخنده باد
 کاو «لَمَنْ الْمُلْک» زند جز خدای
 دستکشی میخورم از دسترنج
 به از ژاڅخایان حاضر جواب
 که گر فاش گردد شود روی زرد
 به طبعش هواخواه گشتند و دوست
 شهرتند هوای جانانیم
 ما در آثار صنع حیرانیم
 دیده آینه‌دار طلعت اوست
 غرض اندر میان سلامت اوست
 من بیچاره گردن به کمند
 بیم آن است که دیوانه شوم
 که من اینجا به امید گروه
 دو جهان بی تو نیرزد دو جوم

جمله حیوانات وحشی ز آدمی										بیت ۲۵	
باشد از حیوان انسی در کمی										عروضی مصراع اول	
جُمَلِ حَیْوَاناتِ وَحْشی زَادَمی											
می	دَ	زا	شی	وَح	تِ	نا	وا	حِی	لِ	جُم	هجاء
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
می	کَ	دَر	سی	اِن	نِ	وا	حِی	دَز	شَ	با	هجاء
باشَدَز حَیْوانِ اِنْسِی دَر کَمی										عروضی مصراع دوم	

بفکن ز بی این اساس تزویر										بیت ۲۶
بگسل ز هم این نژاد و پیوند										عروضی مصراع اول
بِفکَن زِ بَیْینِ اَساسِ تَزوِیر										
ویر	تَز	سِ	سا	اَ	یی	پِ	زِ	کَن	بِف	هجاء
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	علامت
										اختلاف
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	علامت
وَنَد	پِی	دُ	ژا	نِ	می	هَ	زِ	سَل	بُگ	هجاء
بُگسَل زِ هَمِینِ نِژادِ پِیوَنَد										عروضی مصراع دوم

دگر روز باز اتفاق افتاد										بیت ۲۷	
که روزی رسان قوت روزش بداد										عروضی مصراع اول	
دِگَر رَوزِ بازِ تِفاقِ وِفتاد											
تاد	ف	قو	فا	تِ	زِت	با	ز	رو	گَر	دِ	هجاء
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	علامت
داد	بِ	زَش	رو	تِ	قو	سا	رِ	زی	رو	کِ	هجاء
کِ رَوزِ رِسا قوتِ رَوزِشِ بَداد										عروضی مصراع دوم	

پرورش آموز درون پروران										بیت ۲۸	
روز برآرنده روزی خوران										عروضی مصراع اول	
پَرورِشِ اَموزِ دَرِونِ پَروران											
ران	وَ	پَر	رو	دَ	زِ	مو	شا	رِ	وَ	پَر	هجاء
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	علامت
ران	خُ	زی	رو	یِ	دِ	رَن	را	بَ	زِ	رو	هجاء
رَوزِ بَرآرَنَدِی رَوزِ خُوران										عروضی مصراع دوم	

ای ضیاء الحق حسام الدین راد که فلک و ارکان چو تو شاهی نژاد											بیت ۲۹
ای ضیاء لَحَقْ حُسامُ دینِ راد											عروضی مصراع اول
ای	ضِ	یا	عَلْ	حَقْ	حُ	سا	مُدْ	دی	نِ	راد	هجاء
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
						*					اختلاف
—	U	—	—	U	U	—	—	—	U	U	علامت
کِ	فَ	لَکْ	وَرْ	کَا	چُ	تُ	شا	هی	نَ	زاد	هجاء
کِ فَلَکْ وَرْکَا چُ تْ شَاهِی نَزاد											عروضی مصراع دوم

بود بقالی و وی را طوطی ای خوش نوایی سبز گویا طوطی ای											بیت ۳۰
بود بَقَالِی وی را طوطی ای											عروضی مصراع اول
ای	بو	د	بَقْ	قا	لی	وی	را	طو	طی	ای	هجاء
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	علامت
									*		اختلاف
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	علامت
خُشْ	نَ	وا	یی	سب	ز	گو	یا	طو	طی	ای	هجاء
خُشْ نَوایی سَبز گویا طوطی ای											عروضی مصراع دوم

ای خطبه‌ی تو تبارک الله فیض تو همیشه بارک الله											بیت ۳۱
ای خُطْبِ ی تْ تَبَارِکْ لَلاه											عروضی مصراع اول
ای	خُطْ	بِ	ی	تْ	تْ	با	رَ	کَلْ	لاه	هجاء	
—	—	U	U	U	U	—	U	—	—	علامت	
				*						اختلاف	
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	علامت	
فِی	ضِ	تْ	هَ	می	شِ	با	رَ	کَلْ	لاه	هجاء	
فِیضِ تْ هَمیشِ بارِکْ لَلاه											عروضی مصراع دوم

ای تو به صفات خویش موصوف ای نهی تو منکر، امر معروف											بیت ۳۲
ای تْ بِ صِفَاتِ خِیشِ مَوْصوف											عروضی مصراع اول
ای	تْ	بِ	صِ	فا	تِ	خیش	مَوْ	صوف	هجاء		
—	U	U	U	—	U	—	—	—	علامت		
									اختلاف		
—	—	U	U	—	U	—	—	—	علامت		
ای	نَهْ	ی	تْ	مَنْ	کِ	رَمَر	مَع	روف	هجاء		
ای نَهی تْ مَنکِرَمَر مَعروف											عروضی مصراع دوم

بیت ۳۳ حَبِيبِ خَدَايِ جَهَانَ آفَرِيْنَ نَگِه كَرْد بَر رُوِي مَرْدَانِ دِيْنَ										
حَبِيبِ خَدَايِ جَهَانَ آفَرِيْنَ										
ح	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
ح	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ	بِ
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
ن	گه	گر	د	بر	رو	ی	مر	دا	ن	دین
نَگِه كَرْد بَر رُوِي مَرْدَانِ دِيْنَ										

بیت ۳۴ آمَد نُوْرُوْز هَم از بامداد آمَدَنَش خَرَم و فَرخَنده باد										
آمَد نُوْرُوْز هَم از بامداد										
آ	مَد	نُو	رُو	ز	ه	مَز	بَا	م	داد	
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
آ	مَد	نُو	رُو	ز	ه	مَز	بَا	م	داد	
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
آ	م	د	نش	خر	ر	م	فر	خن	د	باد
آمَدَنَش خَرَم و فَرخَنده باد										

بیت ۳۵ کِيسَت در اَيْن دِيرِگِه دِيرِپَايِ كُو «لَمَنِ الْمَلِكُ» زَنَد جَز خَدَايِ										
کِيسَت دَر اَيْن دِيرِگِه دِيرِپَايِ										
کِيسَت	دَ	رِي	دِيرِ	گَ	هَ	دِيرِ	پَايِ			
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
کِيسَت	دَ	رِي	دِيرِ	گَ	هَ	دِيرِ	پَايِ			
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
کُو	لِ	مَ	نُل	مَلِك	زَ	نَد	جَز	خُ	دَايِ	
كُو لِمَنِ الْمَلِكُ زَنَد جَز خَدَايِ										

بیت ۳۶ دَسْتَكِشِ كَس نِيْم از بَهر گَنجِ دَسْتَكِشِي مِي خورم از دَسْتَرَنجِ										
دَسْتَكِشِ كَس نِيْم از بَهر گَنجِ										
دَسْت	کِ	شِ	گَس	نِ	یِ	مَز	بَهِ	رِ	گَنجِ	
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
دَسْت	کِ	شِ	گَس	نِ	یِ	مَز	بَهِ	رِ	گَنجِ	
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
دَسْت	کِ	شِي	مِي	خُ	رَ	مَز	دَسْت	رَنجِ		
دَسْت كِشِي مِي خورم از دَسْتَرَنجِ										

بیت ۳۷ تامل کنان در خطا و صواب به از ژاژ خایان حاضر جواب

تَمَلُّمَلُّ کَنانِ دَرِ خَطَا وِ صَوَابِ

ت	ءم	مُل	ک	نا	دَر	خ	طا	و	ص	واب
U	-	-	U	-	-	U	-	U	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ب	هَز	ژا	ژ	خا	یا	ن	حا	ضِر	ج	واب

بِهَزِّ ژاژِ خایانِ حاضرِ جَوابِ

بیت ۳۸ چرا گوید آن چیز در خفیه مرد که گر فاش گردد شود روی زرد

چِرا گویدِ آن چِیزِ دَرِ خُفِیَهِ مَرَدِ کِه گر فاشِ گَرَدَدِ شُودِ رُویِ زَرَدِ

چ	را	گو	ی	دا	چیز	دَر	خُف	ی	مرد
U	-	-	U	-	-	U	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	U	-
ک	گر	فا	ش	گر	دَد	ش	وَد	رو	ی

کِ گِرِ فاشِ گَرَدَدِ شُودِ رُویِ زَرَدِ

بیت ۳۹ چو دیدند که اوصاف و خلقش نکوست به طبعش هواخواه گشتند و دوست

چُ دیدنَد کِه اوصافِ و خُلُقِشِ نِکوستِ بِه طَبَعِشِ هَواخواهِ گِشْتَنَد و دُوستِ

چ	دی	دَنَد	کو	صا	ف	خُل	قَش	ن	کوست
U	-	U	-	-	U	-	-	U	-
U	-	U	-	-	U	-	-	U	-
ب	طَب	عَش	هَد	وا	خا	ه	گَش	تَن	دوست

بِ طَبَعِشِ هَواخواهِ گِشْتَنَد دُوستِ

بیت ۴۰ ما گدایان خیل سلطانیم شهر بند هوای جانانیم

ما گدایانِ خیلِ سُلطانِ نیمِ شَهرِ بَندِ هَوايِ جانانِ نیمِ

ما	گی	دا	یا	ن	خِی	ل	سَل	طا	نیم
-	U	-	-	U	-	U	-	-	-
-	U	-	U	U	-	U	-	-	-
شَهر	بَن	د	هَد	وا	ی	جا	نا	نیم	

شَهرِ بَندِ هَوايِ جانانِ نیمِ

بیت ۴۱										
توبه سیمای شخص می‌نگری										
تَبِ سِیْمایِ شَخْصِ می‌نِگری										
تُ	بِ	سی	ما	ی	شَخْصِ	می	نِ	گَ	ری	
U	U	-	-	U	-	U	U	U	-	
							*	*		
-	U	-	-	U	-	U	-	-	-	
ما	دَ	را	تا	رِ	صُنْعِ	جِی	را		نیم	
مادرانِ صنْعِ حیرانیم										

بیت ۴۲										
دل سراپرده محبت اوست										
دِلِ سَراپَرْدِیِ مُحَبَّبَتِ اوست										
دَلِ	سَ	را	پَر	دِ	ی	مُ	حَب	بَ	تِ	اوست
-	U	-	-	U	U	U	-	U	U	-
					*					*
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
دی	دِ	آ	یی	نِ	دا	رِ	طَل	عَ	تِ	اوست
دیدِ آیینِ دارِ طَلَعَتِ اوست										

بیت ۴۳										
من و دل گر فدا شدیم چه باک										
مَنْ دِلِ گَرِ فِدا شُدِیم چِ باک										
مَ	نُ	دِلِ	گَر	فَ	دا	شُ	دِیَم	چِ	باک	
U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
غَ	رَ	ضَن	دَر	مِ	یا	سَ	لا	مَ	تِ	اوست
غَرَضَنَدَرِ میا سَلَامَتِ اوست										

بیت ۴۴										
من بیچاره گردن به کمند										
مَنْ بیچارِیِ گَرْدَنِ بِ کَمَنَدِ										
مَ	نِ	بی	چا	رِ	ی	گَر	دَن	بِ	کَ	مَنَدِ
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
چِ	کُ	نَم	گَر	بِ	رِ	کا	بَش	نَ	رَ	وَمِ
چِ گَنَمِ گَرِ بِ رِکابِشِ نَرَوَمِ										

بیت ۴۵										
گر به عَقْلَمِ سَخْنِی می گویند										
بیم آن است که دیوانه شوم										
گر	بِ	عَقَـ	لَمِ	سُ	خَ	نِی	مِی	گو	یَند	
—	U	—	—	U	U	—	—	—	—	
								*	*	
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—	
بی	مِ	آ	نَسْت			کِ	دِی	وَا	شَ	وَمِ
بیم آنست که دیوانِ شوم										

بیت ۴۶										
من از اینجا به ملامت نروم										
که من اینجا به امیدی گروم										
مَ	نَ	زِی	جَا	بِ	مَ	لَا	مَت	نَ	رَ	وَمِ
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
کَ	مَ	نِی	جَا	بِ	أ	مِی	دِی	گِ	رَ	وَمِ
کِ مَنی جَا بِ اُمیدی گِروم										

بیت ۴۷										
همه گو باد ببر خرمن عمر										
دو جهان بی تو نیرزد دو جوم										
هَـ	مِ	گو	بَا	دِ	بِ	بَر	خَر	مَ	نِ	عُمِر
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
دُ	جَ	ها	بِی	تُ	نَ	یَر	زَد	دُ	جُ	وَمِ
دُ جَها بی تُ نیرزد دُ جوم										

۲۹- تقطیع هجایی کدام بیت، به شکل زیر است؟

« _ _ U _ _ _ U _ _ _ U _ _ _ U _ _ _ U _ _ _ U »

- | | |
|--|---|
| ۱) شبی چون شبه روی شسته به قیـر | نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر |
| ۲) خدایا به خواری مران از درم | که صورت نبیند دری دیگرم |
| ۳) بلند آن سر که او خواهد بلندش | نژند آن دل که او خواهد نژندش |
| ۴) برآمد قیرگون ابری ز روی نیلگون دریا | چو رای عاشقان گردان چو طبع بی‌دلان شیدا |

۳۰- علائم مقابل هجاهای مصراع اول کدام بیت، به صورت مقابل است؟ « _ U _ _ _ U _ _ _ U _ »

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------|
| ۱) تا که این دیوار علی‌گردن است | مانع این سر فروآوردن است |
| ۲) درد عشقی کشیده‌ام که می‌رس | زهر هجری کشیده‌ام که می‌رس |
| ۳) اشکم ولی به پای عزیزان چکیده‌ام | خارم، ولی به سایه گل آرمیده‌ام |
| ۴) گشت غمناک، دل و جان عقاب | چو از او دور شد ایام شیباب |

۳۱- تقطیع هجایی کدام بیت به مقابل است؟ « _ _ U U _ _ U U _ _ U U _ _ U »

- | | |
|---|---|
| ۱) ای که گفתי جان بده تا باشدت آرام جان | جان به غم‌هایش سپردم، نیست آرامم هنوز |
| ۲) همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر | نهان کی ماند آن رازی کزو سـازند محفل‌ها |
| ۳) به هوای آن که جایی قدمی نهاده باشی | همه خاک‌های شیـراز به دیدگان برفتم |
| ۴) در سر و کار تو کردم دل و دین با همه دانش | مرغ زیرک به حقیقت منم امروز و تو دامی |

۳۲- نشانه‌های هجایی کدام گزینه به شکل زیر است؟

« _ U U _ U _ U _ _ U U _ U _ U »

- | | |
|---|--|
| ۱) ز رقیب دیو سیرت به خدای خود پناهم | مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا را |
| ۲) به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید | ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دل‌ها |
| ۳) جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب | که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را |
| ۴) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست | و گر نه بر درخت تر، کسی تبر نمی‌زند |

۳۳- تقطیع هجایی کدام گزینه نادرست است؟

_ U _ _ _ U _ _ _ U _ _ _ U _
 _ _ U _ _ U _ _ U _ _ U
 _ U U _ _ U U _ _ U U
 _ U U _ _ U U _ _ U U _ _ U U _

- | |
|---|
| ۱) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند |
| ۲) دلم خون شد از غصه ساقی کجایی |
| ۳) جهاننا عهد با من جز چنین بستی |
| ۴) پرده برانداخت ز رخ یار نهان گشته ما |

۳۴- هجاهای تقطیع شده زیر، علایم هجایی کدام مصراع است؟

« _ _ U _ _ _ U _ _ _ U »

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| ۱) جهاننا مرا خیره مهمان چه خواهی؟ | ۲) ندیدم کار دنیا را کناره |
| ۳) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی | ۴) ای گشته جهان و خوانده دفتر |

۳۵- تقطیع هجایی کدام بیت مطابق الگوی هجایی زیر نیست؟

« U _ U _ _ U U _ U _ U _ _ »

- (۱) با خود مرا به خشم میار ای چرخ
 (۲) ای نوبهار حسن بیا کان هوای خوش
 (۳) شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو
 (۴) ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش
- پیرانه‌سر مکن هنری ننگ و نام را
 بر باغ و راغ و گلشن صحرا مبارکست
 گردن مخار ضیغم غضبان را
 ابرو نمود و جلوه گری کرد و رو بیست

۳۶- تعداد هجای کشیده کدام بیت نادرست است؟

- (۱) گر من از دوست بنالم نفسم صادق نیست
 (۲) اول نظر زدست برفتم عنان عقل
 (۳) خنک آن درد که یارم به عیادت به سر آید
 (۴) خلق را بر ناله من رحمت آمد چند بار
- خبر از دوست ندارد که ز خود باخبر است (۴مورد)
 وان را که عقل رفت چه داند صواب را (۵ مورد)
 دردمندان به چنین درد نخواهند دوا را (۵ مورد)
 خود نگویی چند نالد سعدی مسکین من (۴ مورد)

۳۷- تقطیع هجایی هیچ یک از مصراع‌های زیر درست نیست، به جز گزینه
 (۱) سرمست کسی باشد که خود خبرش نبود
 سر / مس / ات / اک / اسی / با / اشد / اکو / خواد / اخ / اب / ارش / ان / بود
 (۲) باز این دل دیوانه زنجیر همی برد
 با / ز / این / د / ال / دی / وا / ان / زن / جی / ار / ه / می / اب / ارد
 (۳) چون تیر همی پرد از قوس تنم جانم
 چون / تیر / ه / می / پر / ارد / از / قو / اس / ات / نم / جا / انم
 (۴) کوه‌ها را ز تجلی همه چون طور کنیم
 کو / ه / ها / را / ز / ات / جل / الی / ه / ام / چن / طو / ار / اک / انیم

فصل ششم: تقسیم به ارکان عروضی

در مثال‌های پنج فصل قبل، از چندین نوع وزن متفاوت استفاده کردم. به تعداد هجاها یا نوع چینش هجاهای کوتاه و بلند آنها دقت کردید؟ یک بار دیگر از هر کدام یک بیت را با هجاهای آن می‌آورم. به تعداد و ترکیب آنها دقت کنید.

۱- مَرَجان دلم را که این مرغ وحشی
 --U --U --U --U

۲- بیا تا برآریم دستی ز دل
 _U _ _U _ _U _ _U

۳- دید پُر روغن دکان و جامه چرب
 U _ _U_ _ _U_

۴- چو در وقت بهار آیی پدیدار
 _ _U _ _ _U _ _ _U

۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
 U _ _UU_ _ _UU_

۶- هر نفس آواز عشق، می‌رسد از چپ و راست
 U _ _UU_ // _U_ _ _UU_

۷- ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهایی
 _ _ _U U _ _ // _ _ _U U _ _

۸- تنگ چشمان نظر به میوه کنند
 _UU _U_U _ _UU

۹- باز این چه شورش است که در خلق عالم است
 U U _ _U U _U_ U _ _

گفتیم وزن تکرار منظم یک حرکت، رفتار، صدا و... است و «وزن شعر» تکرار صدایی است که گوش با شنیدن آن، نظم خاصی را درک می‌کند. با دقت در هجاهای پنج مثال اول، در می‌یابیم که هر مصراع از تکرار الگوی هجایی خاصی به دست آمده است. با جدا کردن این الگوها از همدیگر، نظم خاصی را در مصراع برقرار می‌کنیم. این فاصله‌ها، **مرز پایه‌های آوایی هستند.**

-- U	-- U	-- U	-- U	۱- مَرَجان دلم را که این مرغ وحشی
_ U	_ _ U	_ _ U	_ _ U	۲- بیا تا برآریم دستی ز دل
_ U _	_ _ U _	_ _ U _	_ _ U _	۳- دید پُر روغن دکان و جامه چرب
_ _ U	_ _ _ U	_ _ _ U	_ _ _ U	۴- چو در وقت بهار آیی پدیدار
_ U _	_ UU _	_ UU _	_ UU _	۵- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا

وزن شعر مثال اول ۴ بار تکرار الگوی هجایی « U — — » شد. اما وقتی وزن این شعر را از ما بپرسند؛ نمی‌گوئیم چهار بار « U — — ». بلکه ساختار « U — — » در علم عروض، معادل خاصی دارد و آن «فَعُولُن» است. در واقع اگر وزن این شعر را از ما پرسیدند؛ می‌گوئیم: فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن. «فَعُولُن» یک «رکن» یا «وزن‌واژه» یا «پایه‌ی آوایی» است. مهمترین ارکان عروضی فارسی ۱۹ مورد می‌باشند و در ۳ دسته جای می‌گیرند، که ذیلاً با آن‌ها آشنا می‌شوید:

الف) ارکانی که در آغاز، میان و پایان مصراع می‌آیند:

— U —	فَاعِلُنْ	۷	— — U —	فَاعِلَاتُنْ	۱
— U — U	مَفَاعِلُنْ	۸	— — — U	مَفَاعِلَاتُنْ	۲
— U U	فَعِلُنْ	۹	— U — —	مُسْتَفْعِلُنْ	۳
— — —	مَفْعُولُنْ	۱۰	— — — U	فَعُولُنْ	۴
— —	فَعْلُنْ	۱۱	— U U —	مُفْتَعِلُنْ	۵
			— — U U	فَعَلَاتُنْ	۶

ب) ارکان غیر پایانی که در آخر مصراع قرار می‌گیرند. (زیرا آخرین هجای آن‌ها کوتاه است)

U U — —	مُسْتَفْعِلُ	۴	U — U —	فَاعِلَاتُ	۱
U — —	مَفْعُولُ	۵	U — U U	فَعَلَاتُ	۲
U U — U	مَفَاعِلُ	۶	U — — U	مَفَاعِلَاتُ	۳

ج) ارکان پایانی که فقط در آخر مصراع می‌آیند:

—	فَعْلُ	۲	— U	فَعْلُ	۱
---	--------	---	-----	--------	---

توجه: خوبی این وزن‌واژه‌ها، هم‌وزنی با الگوی هجایی آن‌هاست. به الگوی هجایی آن‌ها توجه کنید.

— — U —	فَاعِلَاتُنْ	فَاعِلَاتُنْ
— — — U	مَفَاعِلَاتُنْ	مَفَاعِلَاتُنْ
— U — —	مُسْتَفْعِلَاتُنْ	مُسْتَفْعِلَاتُنْ
— U U —	مُفْتَعِلَاتُنْ	مُفْتَعِلَاتُنْ
— U —	فَاعِلَاتُنْ	فَاعِلَاتُنْ
— — U	فَعُولَاتُنْ	فَعُولَاتُنْ
— U	فَعَلَاتُنْ	فَعَلَاتُنْ

تشخیص مرز پایه‌های آوایی و رسیدن به ارکان یا وزن‌واژه‌های یک مصراع به دو روش انجام می‌شود.

الف) با توجه به تقطیع و چینش هجاها، تشخیص بدهیم که هجاها را «چند تا چند تا» جدا کنیم تا به ترتیب منظمی برسیم. مثلاً در مثال ۱ و ۲ اگر هجاها را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم به ترتیب منظمی می‌رسیم. حال اگر ابیات مثال‌های ۳ و ۴ و ۵ را «۳ تا ۳ تا» جدا کنیم، نظمی در آن‌ها دیده نمی‌شود. ولی اگر «۴ تا ۴ تا» جدا کنیم، نظم می‌گیرند و

همسان می‌شوند. اوزان ۱ تا ۵ را **اوزان همسان یا همسان تک‌پایه‌ای** می‌گویند. در مثال ۶ ابتدا هجاها را ۳ تا ۳ تا جدا می‌کنیم، نظمی ندارد، ۴ تا ۴ تا جدا می‌کنیم، باز هم نظمی ندارد. ولی وقتی «**۴ تا ۳ تا**» جدا می‌کنیم، متوجه می‌شویم، هر مصراع از الگوی منظمی پیروی می‌کند، به این صورت که رکن اول در رکن سوم، و رکن دوم در رکن چهارم تکرار شده‌اند. این‌گونه اوزان را نیز همسان می‌گوئیم ولی چون با اوزان همسان ۱ تا ۵ تفاوت دارند و ارکان، کلاً یکسان نیستند، و از ۲ پاره یا ۲ لخت تشکیل شده‌اند، آن‌ها را **اوزان همسان دولختی (دوری)** می‌گویند. مثال ۷ نیز همین‌طور است با این تفاوت که اگر هجاها را «**۳ تا ۴ تا**» جدا کنیم، شاهد این تناوب خواهیم بود.

در مثال‌های ۸ و ۹ ابتدا هجاها را «**۳ تا ۳ تا**» جدا می‌کنیم، نظمی مشاهده نمی‌شود. بار دیگر هجاها را «**۴ تا ۴ تا**» جدا می‌کنیم، باز هم نظمی مشاهده نمی‌شود. مدل‌های مرسوم دیگر مانند «**۴ تا ۳ تا**» یا «**۳ تا ۴ تا**» را امتحان می‌کنیم ولی باز هم هیچ نظمی مشاهده نمی‌شود. این‌گونه اوزان را که هیچ نظم مشخص ندارند ولی در کل آهنگین هستند، **اوزان ناهمسان** می‌گوئیم.

در واقع با توجه به نظم هجاها سه نوع نظم در آن‌ها دیده می‌شود:

الف) همسان تک‌پایه‌ای ۱ تا ۵

ب) همسان دو لختی ۶ و ۷

ج) ناهمسان: مثال ۸ و ۹

توجه: پایه‌ی آوایی، وزن‌واژه و رکن آوایی یا عروضی هر سه اصطلاحاتی هستند که برای الگوهای هجایی منظم درون مصراع به کار می‌روند. فاصله یک رکن و رکن دیگر را «**مرز آوایی**» می‌گویند.

دَر بُنِ اَین	پَرْدِ یِ نِی	لُوفَرِی
- UU -	- UU -	- U -
مُفْتَعِلُنْ	مُفْتَعِلُنْ	فَاعِلُنْ

ب) روش دیگری که مرز پایه‌های آوایی را مشخص می‌کند، روش سماعی است. در این روش، بدون تقطیع هجایی با توجه به فراز و فرودهای آوایی، متوجه مکث‌هایی درون یک مصراع می‌شویم. مثلاً وقتی بیتی را می‌خوانیم، در محل‌هایی مکث می‌کنیم، آن مکث، محل مرز آوایی وزن‌واژه‌هاست.

به خوانش و مکث‌های موجود در بیت زیر دقت کنید.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشینند به نازی که لیلی به محمل نشیند
غمش در **نهان‌خا** نه‌ی دل نشیند به نازی **که لیلی** به محمل نشیند

اکنون برای قسمت‌های تفکیک‌شده «وزن‌واژه» مناسب را می‌آوریم.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشینند	به نازی که لیلی به محمل نشیند
غمش در نهان‌خا نه‌ی دل نشیند	به نازی که لیلی به محمل نشیند
فَعولُنْ فَعولُنْ فَعولُنْ	فَعولُنْ فَعولُنْ فَعولُنْ فَعولُنْ

چند مثال دیگر:

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود
ای ساربان آهسته ران کارام جا نم می‌رود	وان دل که با خود داشتم با دلستا نم می‌رود
مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ	مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ

من از آن حُسن روزافزون که یوسف داشت دانستم	که عشق از پرده‌ی عصمت، برون آرد زلیخا را
من از آن حُس نِ روزافزون که یوسف دا شت دانستم	که عشق از پر ده ی عصمت برون آرد زلیخا را
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

ای نام تو بهترین سر آغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز؟
ای نام تو بهترین سر آغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز
مفعول مفاعیلن مفعول	مفعول مفاعیلن مفعول

توجه داشته باشید در این روش باید بدون تقطیع هجایی و از راه شنیدن به مرز آوایی و وزن‌واژه‌ها برسیم.

به خوانش و تقطیع بیت زیر توجه کنید.

وقتی دل سودایی، می‌رفت به بستان‌ها
وقتی این شعر را می‌خوانیم، در وهله اول متوجه مکثی میان هر مصراع می‌شویم. و هر مصراع را دو پاره می‌کنیم.

وقتی دل سودایی	می‌رفت به بستان‌ها	بی‌خویشتم کردی	بوی گل و ریحان‌ها
----------------	--------------------	----------------	-------------------

در مرحله دوم متوجه مکثی درون نیم‌مصراع‌ها می‌شویم.

وقتی د	ل سودایی	می‌رفت	به بستان‌ها	بی‌خویشتم	تتم کردی	بوی گ	ل ریحان‌ها
--------	----------	--------	-------------	-----------	----------	-------	------------

در هر دو روش اولین و اصلی‌ترین شرط، درست خواندن شعر است.

نقدی بر کتاب درسی

به جرئت می‌توانم بگویم که کتاب درسی، اصلاً توان پاسخ‌گویی به سوالات کنکور را ندارد. و نه تنها این که اصلاً عروض را خوب درس نداده، بلکه به شدت ضعیف است. تردید بین روش سنتی و مدرن، عروض سنتی و نو، تردید در آموزش سماعی و نوشتاری و دوگانگی‌های دیگر، مانند: انتخاب معادل‌های امروزی به جای معادل‌های کهن، همچون: وزن‌واژه و پایه‌های آوایی به جای رکن، و دو لختی به جای دوری و دیگر تفاوت‌های عروض سنتی و نو و وجود غلط‌های تایپی فراوان و تغییر ساختار کتاب در چند سال اخیر و حذف‌های بی‌مورد، معجون و مخلوطی از آموزش را پدید آورده است که نه تنها دانش‌آموز را سر در گم می‌کند، بلکه معلم‌ها را نیز به حیرت وا داشته است. به راحتی می‌توان فهمید، مؤلفین برای چهارچوب و ساختار کتاب، هیچ برنامه‌ی دقیق و یک‌دستی نداشته‌اند و ندانسته‌اند کدام روش را برگزینند. علم عروض، تخصصی‌ترین قسمت ادبیات در دوره دبیرستان است. این مبحث، نه تنها سخت و خسته‌کننده نیست؛ بلکه بسیار شیرین و لذت‌بخش است. این لذت را وقتی درک می‌کنید که ببینید دانش‌آموزی بدون گذراندن واحدهای دانشگاهی و با تمرین و تکرار بتواند پس از شنیدن یا خواندن بیتی، وزن آن را بگوید. مهم‌ترین ضعف مؤلفین کتاب، آشنا نبودن به ایراد و اشکالات دانش‌آموزان است. برای تألیف جزوه یا کتاب عروض، شاعر بودن یا ادیب بودن کافی نیست. اولین و اصلی‌ترین شرط مؤلف کتاب عروض، معلم بودن است. تا معلم نباشید و عروض را در کلاس - تأکید می‌کنم در کلاس - برای دانش‌آموز ضعیف و کم‌سواد درس نداده باشید، نمی‌توانید کتابی تألیف کنید که دانش‌آموز را از اشتباهات محتمل دور کند. بله مؤلفین در سال دهم، هجا را گفته‌اند و یک‌ضرب در سال یازدهم به تقطیع شعر رسیده‌اند! و بدون هیچ فاصله‌ای به مرز ارکان رسیده‌اند و وزن نهایی شعر را در درس اول سال یازدهم ارائه کرده‌اند! از دیگر اشتباهات فاحش مؤلفین، جدا از بی‌سلیقگی در انتخاب اشعار ناب و پرمحتوا، ضعف در انتخاب ابیات برای ارائه‌ی مثال است. مثلاً بسیاری از ابیات که اختیارات شاعری دارند را در سال دهم و یازدهم آورده‌اند و هیچ هم به این فکر نکرده‌اند که ارکان «زکوی یا»، «نسیم با»، «چراغ دل» با توجه به اختیارات شاعری با «مفاعیلن» برابر می‌شوند و حال آن که دانش‌آموزان، اختیارات شاعری را در سال بعد باید بخوانند. یا پیش از آن که

نکته‌ی حذف «ن» ساکن بعد از مصوّت بلند گفته شود، در درس یازدهم سال دهم، همچنین مثالی آورده می‌شود. آوردن درس قافیه وسط درس‌های عروض! آن هم به طور ناقص و سردرگم! حذف قافیه میانی و اشتباه گرفتن آن با قافیه درونی! از دیگر ضعف‌های کتاب، تمرین‌های ضعیف، ناکارآمد و بی‌ذوق و حتی استفاده از منابع و نُسَخ غیر معتبر را می‌توان برشمرد. توجّه به ویرگول، نیم فاصله و علائم ویراشی دیگر، در عروض اهمّیت بسیار دارد که در این کتاب و البته کتاب‌های فارسی - و احتمالاً در کتب دروس دیگر - اصلاً رعایت نشده است. این‌ها انتقاداتی بود که بنده با اغماض فراوان هم نتوانستم از آن‌ها بگذرم و قطعاً معلّم‌های دیگر هم انتقاداتی دیگر دارند که شاید منطقی و درست باشد. به هر حال این جزوه را دبیری تألیف می‌کند که علاوه بر شاعر بودن و تحصیلات عالی دانشگاهی، ۱۵ سال از عمر خود را در تدریس این درس، در کلاس‌های ادبیات و کارگاه‌های شعر و ترانه گذرانده است و اشتباهات قطعی و محتمل دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان را به خوبی درک کرده است و برای هر اشتباهی که دانش‌آموزان در سال‌های گذشته مرتکب آن شده‌اند، نکته‌ای آورده و مثالی زده است. امید که با خواندن این جزوه، توانایی درک وزن ابیات را کسب کرده و از آن‌ها لذّت ببرید. (کنکور هم جای خود را دارد.)

ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

قبله هرکس به جایی قبله سعدی سرایت
کاو نخواهد ماند بی‌شک وین بماند یادگاری
یا مگس را پر بیند یا عسل را سر بیوشد
که تو انگشت‌نمایی و خلایق نگرانت
زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید
دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را
کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود
بر جای بدنامی چو من یک دم نکوکاری کند
بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را
یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا
راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا
مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت
تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم
دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی
به نازی که لیلی به محمل نشیند
مبادا غباری به محمل نشیند
که مخصوص بادی به تأیید سرمد
گر امید وصل باشد همچنان دشوار نیست
قامت است آن یا قیامت عنبر است آن یا عبیر
که به پیمانہ‌کشی شهره شدم روز الست

۴۸ - هرکسی را دلربایی همچو ذره در هوایی
۴۹ - عمر سعدی گر سرآید در حدیث عشق شاید
۵۰ - هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد
۵۱ - نه من انگشت‌نمایم به هواداری کویت
۵۲ - رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد
۵۳ - گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی
۵۴ - محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان
۵۵ - آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند
۵۶ - برخیز تا یک سو نهیم این دلق ازرق‌فام را
۵۷ - یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا
۵۸ - این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی
۵۹ - رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل

۶۰ - اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
۶۱ - تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیارایی
۶۲ - چنانت دوست می‌دارم که گر روزی فراق افتد
۶۳ - تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی
۶۴ - غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند
۶۵ - به دنبال محمل سبک‌تر قدم زن
۶۶ - خردمند شاها رعیت پناها
۶۷ - ای که گفתי هیچ مشکل چون فراق یار نیست
۶۸ - فتنه ام بر زلف و بالای تو ای بدر منیر
۶۹ - مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست

پیرهن چاک و غزل‌خوان و صدائی در دست
 که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
 ورنه اندیشه این کسار فراموشش باد
 این زمان سر به ره آرم چه حکایت باشد

۷۰ - زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
 ۷۱ - عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت
 ۷۲ - صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد
 ۷۳ - من که شب‌ها ره تقوا زده‌ام با د ف و چنگ

بیت ۴۸ هر کسی را دلربایی همچو ذره در هوایی قبله هر کس به جایی قبله سعدی سرایت															
هَر كَسِي رَا دَلْرِ بَايِي هَمْچُو ذَرَّةٔ دَرِ هَوَايِي															
هَر	ك	س	رَا	دِل	رُ	بَا	يِي	هَمْ	چُ	ذَر	رِ	دَر	هَـ	وَا	يِي
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	—
		*								*	*				
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
قَب	لِ	يِ	هَر	كَس	بِ	جَا	يِي	قَب	لِ	يِ	سَع	دِي	سَ	رَا	يَت
قَبْلِ يِ هَر كَسِ بِ جَايِي قَبْلِ يِ سَعْدِي سَرَايَت															

بیت ۴۹ عمر سعدی گر سرآید در حدیث عشق شاید کاو نخواهد ماند بی شک وین بماند یادگاری															
عُمَرِ سَعْدِي گَر سَرَايِد دَر حَدِيثِ عِشْقِ شَايِد															
عُم	رِ	سَع	دِي	گَر	سَ	رَا	يِد	دَر	حَ	دِي	ثِ	عِشْقِ	شَا	يِد	
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	
											*				
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	
كُو	نَ	خَا	هَد	مَا	نَد	بِي	شَك	وِي	بِ	مَا	نَد	يَا	دِ	گَا	رِي
كُو نَخَاهَد مَانَد بِي شَك وَيِ بَمَانَد يَادِگَارِي															

بیت ۵۰ هرکه شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد یا مگس را پر ببندد یا غسل را سر بیوشد															
هَر كِ شِيرِيْنِي فُرُوْشَد مُشْتَرِي بَر وَيِ بَجُوْشَد يَا مَغْسِ رَا پَر بَبَنْدَد يَا عَسَلِ رَا سَر بِيُوْشَد															
هَر	كِ	شِي	رِي	نِي	فُ	رُو	شَد	مُش	تَ	رِي	بَر	وِي	بِ	جُو	شَد
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
يَا	مَ	گَس	رَا	پَر	بِ	بَنْد	دَد	يَا	عَ	سَل	رَا	سَر	بِ	پُو	شَد
يَا مَغْسِ رَا پَر بَبَنْدَد يَا عَسَلِ رَا سَر بِيُوْشَد															

بیت ۵۱ نه من انگشت نمایم به هواداری رویت که تو انگشت نمایی و خلاق نگرانت														
نَ مَنَنْگِشْتِ نُمایِم بِ هُواداری یِ رویت														
نَ	مَ	نَن	گُشْت	نُ	ما	یَم	بِ	هَ	وا	دا	ری	یِ	رو	یت
U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	-	U	-	-
											*			
کِ	تُ	اَن	گُشْت	نُ	ما	یِی	یِ	خَ	لا	یق	نِ	گَ	را	نَت
U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
کِ تْ اَنگِشْتِ نُمایِی یِ خَلاقِ نِگِراَنَت														

بیت ۵۲ رشکم از پیرهن آید که در آغوش تو خسبد زهرم از غالیه آید که بر اندام تو ساید														
رَشکَمَز پِیرَهَنایِد کِ دَرَاغوشِ تْ خُسَبَد														
رَش	کَ	مَز	پِیر	هَ	نا	یَد	کِ	دَ	را	غو	شِ	تْ	خُس	بَد
-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
			*											*
زَه	رَ	مَز	غا	لی	یِ	آ	یَد	کِ	بَ	رَن	دا	مِ	تْ	سا
U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
زَهَرَمَز غالیِ یِ آید کِ بَرِاندامِ تْ ساید														

بیت ۵۳ گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را															
گَر مُخِیر بَکَنندَم بِ قِیامتِ کِ چِ خاهی															
گَر	مُ	خِی	یَر	بُ	کُ	نَن	دَم	بِ	قِ	یا	مَت	کِ	چِ	خا	هی
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
					*										*
دو	ست	ما	را	وُ	هَ	م	نِع	مَ	تْ	فِر	دُو	س	شُ	ما	را
U	U	-	-	U	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U
دوست ما را و هَم نِعْمَتِ فِرْدوسِ شُما را															

بیت ۵۴ محمل بدار ای ساروان تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان گویی روانم می رود															
مَحْمِلِ بَداریِ ساروا تندی مَکَن با کاروا															
مَح	مِل	بِ	دا	ری	سا	رِ	وا	تُن	دی	مَ	کُن	با	کا	رِ	وا
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
					*										
کَز	عِش	قِ	آ	سَر	وِ	رَ	وا	گو	یِی	رَ	وا	نَم	می	رَ	وَد
U	U	-	-	U	U	-	-	-	-	U	-	-	U	-	-
کَز عِشْقِ آسَرِوِ رِوا گوییِ رِوانَم می رِود															

بیت ۵۵ آن کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند
بر جای بدنامی چو من یک دم نکوکاری کند

آ کیست کز روی کرم با ما وفاداری کند

آ	کیست	کز	روی	ی	ک	رَم	با	ما	و	فا	دا	ری	ک	نَد
—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—	—	—	U	—
				*										
—	U	—	—	—	U	—	—	—	—	—	—	—	U	—
بَر	جا	ی	بَد	نا	می	چُ	مَن	یَک	دَم	ن	کو	کا	ری	کُ

بَر جَا ی بَد نَا مِی چُ مَن یَک دَم ن کُو کَا رِی کُ نَد

بَر جَا ی بَد نَا مِی چُ مَن یَک دَم ن کُو کَا رِی کُ نَد

بیت ۵۶ برخیز تا یک سو نهیم این دل ازرق فام را
بر باد قلّاشی دهیم این شرک تقوا نام را

بَر خِیز تا یَک سو نَهِیم اِین دَل اَز رَق فَا م را

بَر	خِیز	تا	یَک	سو	نَ	هِی	مِی	دَل	قِ	اَز	رَق	فَا	م	را
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
بَر	با	دِ	قَل	لَا	شِی	دَ	هِی	مِی	شِرْ	کِ	تَق	وا	نا	م

بَر بَا دِ قَل لَا شِی دَ هِی مِی شِرْ کِ تَق وَا نَا م

بَر بَا دِ قَل لَا شِی دَ هِی مِی شِرْ کِ تَق وَا نَا م

بیت ۵۷ یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا
یار تویی غار تویی خواجه نگه دار مرا

یَا مَرَا غَا ر مَرَا عِشْق جِگَر خَا ر مَرَا

یا	ر	م	را	غا	ر	م	را	عِش	قِ	جِ	گَر	خَا	ر	م	را
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
یا	ر	تُ	یِی	غا	ر	تُ	یِی	خَا	جِ	ن	گَه	دا	ر	م	را

یَا ر تُو یِی غَا ر تُو یِی خَا جِ ن گَه دَا ر م

یَا ر تُو یِی غَا ر تُو یِی خَا جِ ن گَه دَا ر م

بیت ۵۸ این تن اگر کم تندی راه دلم را زندی
راه شدی تا نبدی این همه گفتار مرا

اِی ن تَن اِگَر کَم تَن دِی رَا ه دَل م رَا زَن دِی

ای	ت	ن	گَر	کَم	ت	ن	دی	را	ه	دِ	لَم	را	ز	ن	دی
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
را	ه	شُ	دی	تا	ن	بُ	دی	ای	هَ	مِ	گُف	تا	ر	م	را

رَا ه شُ دِی تَا ن بُو دِی اِی هَ مِ گُف تَا ر م

رَا ه شُ دِی تَا ن بُو دِی اِی هَ مِ گُف تَا ر م

بیت ۵۹ رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا

رَسْتَمَزینِ بَیتِ غَزَلِ ای شَهْ سُلْطانِ اَزَلْ

رَسْ	تَ	مَ	زِی	بِی	تُ	غُ	زَلْ	اِی	شَ	هَ	سَلْ	طَا	نِ	أَ	زَلْ
—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	U	—	—	U	U	—
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
مُفَعِّلِنَ	تَ	عَ	لُنْ	مُفَعِّلِنَ	تَ	عَ	لُنْ	مُفَعِّلِنَ	تَ	عَ	لُنْ	کَشْتِ	مَ	رَا	رَا

مُفَعِّلِنَ مُفَعِّلِنَ مُفَعِّلِنَ کَشْتِ مَرا

بیت ۶۰ اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

اَگَرِ اَلْتُرْکِ شِیرازی بَ دَسْتارَدِ دِلِ مَرا

اَ	گَرِ	اَ	تُرْ	کِ	شِی	رَا	زِی	بِ	دَسْ	تَا	رَدْ	دِ	لِ	مَا	رَا
—	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	U	—	—
—	—	—	—	*	—	—	—	—	—	—	*	—	—	—	—
—	—	—	—	—	—	—	—	U	—	—	U	U	—	—	—
بِ	خَا	لِ	هِنْ	دُو	یَشْ	بَخْدْ	شَمْ	سَ	مَرْ	قَنْ	دُ	بُ	خَا	رَا	رَا

بِ خَالِ هِنْدوِیشِ بَخْشَمِ سَمَرْقَنْدِ بَخارا را

بیت ۶۱ تو گر خواهی که جاویدان جهان یکسر بیارایی صبا را گو که بردارد زمانی برقع از رویت

تُ گَرِ خَاهی کِ جَاوِیدانِ جَهانِ یَکسَرِ بَیاری

تُ	گَرِ	خَا	هَی	کِ	جَا	وِی	دَا	جَ	هَا	یَکِ	سَرِ	بِ	یَا	رَا	یِی
—	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
—	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
صَ	بَا	رَا	گُو	کِ	بَرِ	دَا	رَدْ	زَ	مَا	نِی	بُرِ	قَ	عَزْ	رُو	یَتِ

صَبا را گو کِ بَرِدارَدِ زَمانِی بُرْقَعزِ رویت

بیت ۶۲ چنانست دوست می دارم که گر روزی فراق افتد تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم

چَنانستِ دُوستِ می دارم کِ گَرِ روزِی فِراقِ افتَد

چُ	نَا	نَتِ	دُو	سَتِ	مِی	دَا	رَمِ	کِ	گَرِ	رُو	زِی	فِ	رَا	قُفِ	تَدِ
—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
تُ	صَبِ	رَزْ	مَنْ	تَ	وَ	نِی	گَرِ	دُ	مَنْ	صَبِ	رَزْ	تُ	نَتِ	وَ	نَمِ

تُ صَبِرْزِ مَنْ تَوانِی گَرْدُ مَنْ صَبِرْزِ تَ نَتَوانِمِ

بیت ۶۳ تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی دری باشد که از رحمت به روی خلق بگشایی

تُ از هَر دَرِ کِ بازایِ بَدیِ خوبیِ زیبایی

تُ	اَز	هَر	دَر	کِ	بَا	زَا	بِ	دِی	خُو	بِی	یُ	زِی	بَا	بِی
U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-
								*						
U	-	-	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	-
دَ	رِی	بَا	شَد	کِ	اَز	رَح	مَت	بِ	رُو	ی	خَلَق	بَغ	شَا	بِی

دَری باشد کِ از رَحْمَتِ بِ رُویِ خَلَقِ بَغشایی

بیت ۶۴ غمّش در نهان خانه‌ی دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

غَمّش دَر نَها / خانِ یِ دِلِ نِشیند

غَ	مَش	دَر	نَ	هَا	خَا	نَ	یِ	دِل	نَ	شِی	نَد
U	-	-	U	-	-	U	U	-	U	-	-
							*				
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
بِ	نَا	زِی	کِ	لِی	لِی	بِ	مَح	مِل	نَ	شِی	نَد

بِ نَازی کِ لِیلی بِ مَحْمِلِ نِشیند

بیت ۶۵ به دنبال محمل سبک تر قدم زن مبادا غباری به محمل نشیند

بِ دُنْبالِ مَحْمِلِ سَبْکِ تَر قَدَمِ زَن

بِ	دُنْ	بَا	لِ	مَح	مِل	سَ	بُک	تَر	قَ	دَم	زَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
مَ	بَا	دَا	غُ	بَا	رِی	بِ	مَح	مِل	نَ	شِی	نَد

مَبادا غُبّاری بِ مَحْمِلِ نِشیند

بیت ۶۶ خردمند شاهها رعیت پناها که مخصوص بادی به تأیید سرمد

خَرْدَمَنَد شَاها رَعِیْتِ پَناها

خِ	رَد	مَنَد	شَا	ها	رَ	عِی	یَت	پَ	نا	ها
U	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
U	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
کِ	مَخ	صو ص	بَا	دِی	بِ	تَأْ	بِی	دِ	سَر	مَد

کِ مَخْصُوصِ بادی بِ تَأْییدِ سَرْمَد

بیت ۷۱														
عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت														
عیبِ رندانِ مَکْنِیِ زَاهِدِ پاکیزِ سِرْشْت														
رِشْت	سِ	زِ	کِی	پَا	دِ	هِ	زَا	نِی	کُ	مَ	دَا	رِن	بِ	عِیْبِ
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
											*			*
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	U	-	U	U
وِشْت	نِ	هَنْدِ	خَا	نَ	تُ	بَر	رَا	گَ	دِ	هِ	نَا	گُ	کِ	وِشْت
کِ گَنَاهِ دِگَرِ اَبْرَتُ نَخَاهَنْدِ نِوِشْت														

بیت ۷۲													
صوفی ار باده به اندازه خورد نوشش باد													
صُوفِیْ ار بَادِهْ بَه اَنْدَازِ خُورْدِ نِوِشْشِ بَاد													
بَاد	شْشِ	نُو	رَدِ	خُ	زِ	دَا	اَنْ	بِ	دِ	بَا	یْرِ	فِی	صُو
-	-	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-
	*											*	*
-	-	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
بَاد	شْشِ	مُو	رَا	فَ	ر	کَا	اِیْنِ	یِ	شِ	دِی	اَنْ	نَ	وَر
وَر نَ اَنْدِیْشِ یِ اِیْنِ کَارِ فَرَامِوْشْشِ بَاد													

بیت ۷۳														
من که شب ها ره تقوا زده ام بادف و چنگ														
مَنْ کِ شَبْهَارِهْ تَقْوَا زَدِهْ اَمْ بَادِفُ و چَنْگِ														
چَنْگِ	فُ	دَ	بَا	اَمْ	دِ	زِ	وَا	تَقِ	هِ	رَ	هَا	شَبْ	کِ	مَنْ
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
	*	*												
-	-	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-	
شَد	بَا	یْتِ	کَا	حِ	چِ	رَمْ	هَا	رَ	بِ	سَر	مَا	زَ	اِی	
اِیْنِ زَمَانِ سَرِبِ رَهَارْمِ چِ حِکَایْتِ بَاشَد														

۳۸- علامت هجایی « U _ _ U _ _ U _ _ U _ _ » نشان دهنده کدام گزینه است؟

- (۱) بنالد همی پیش گلزار بلبل
 (۲) تو ندانم به چه امید نهادستی
 (۳) بگو از دلیران و مردان جنگ
 (۴) تو را پاک آفرید ایزد، ز خود شرمتم نمی‌آید

۳۹- در علامت هجاهای کدام گزینه، چهار بار الگوی هجایی « _ _ U _ _ » تکرار شده است؟

- (۱) به کوی میکده هر سالکی که ره دانست
 (۲) همه عالم گواه عصمت اوست
 (۳) هر چه بودم منتظر آخر نیامد در کنارم
 (۴) تا به کی افتم و تا چند به پا برخیزم

۴۰- وزن و پایه‌آوایی کدام گزینه با مصراع «روشن ندارد خانه را، قندیل ناآویخته» یکسان است؟

- (۱) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای
 (۲) ای عاشقان ای عاشقان پیمانہ راگم کرده‌ام
 (۳) تا دل من رو به قناعت نهاد
 (۴) دل پی دلدار رفت دیده چو آن حال دید
 (۱) حسن تو جلوه می‌کند و این همه پرده بسته‌ای
 (۲) زان می‌که در پیمانها اندر ننگند خورده‌ام
 (۳) ملک جهان را به جهان باز داد
 (۴) اشک به دندان گرفت دامن و در پی دوید

۴۱- خوشه‌های هجایی کدام بیت به شکل زیر است؟

« _ _ U _ _ _ U _ _ _ U _ _ _ U _ _ _ »

- (۱) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند
 (۲) نه من خام طمع عشق تو می‌ورزم و بس
 (۳) ای مسملمان فغان از جور چرخ چنبری
 (۴) روزگارست این که عزت می‌دهد گه خوار دارد
 همه اسمند و تو جسمی همه جسمند و تو روحی
 که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست
 و ز نفاق تیر و قصد ماه و کید مشتری
 چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

۴۲- خوشه‌های هجایی واژگان مصراع «نه چنان گناهکارم که به دشمنم سپاری» // تو به دست خویش فرمای اگرم کنی عذابی» در کدام گزینه نشان داده شده است؟

(۲) _ _ U U / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U U
 (۴) _ _ U _ / U _ U U / _ _ U _ / U _ U U

(۱) _ _ U _ / U _ U U / U _ U _ / U _ U U
 (۳) _ _ U _ / _ _ U U / _ _ U _ / _ _ U U

۴۳- تقطیع هجایی کدام مصراع مطابق وی هایی است؟

« _ _ U _ U _ _ // _ _ U _ U _ _ »

- (۱) مرغان آبی را چه غم، تا غم خورد مرغ هوا
 (۲) گر قاب قوس خواهی، دل راست کن چو تیری
 (۳) یک شمع از این مجلس، صد شمع بگیراند
 (۴) ای صوفیان عشق بدرید خرقه‌ها

۴۴- تقطیع هجایی زیر مربوط به کدام گزینه است؟

(_ _ U U _ _ U U _ _ U U _ _ U U)

- (۱) چه ملامت بود آن را که چنین باده خورد
 (۲) شده نزدیک که هجران تو ما را بکشد
 (۳) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند
 (۴) دل و جانم به تو مشغول و نظر بر چپ و راست

۴۵- وزن واژه بیت زیر کدام است؟

- «یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این که او سرسپرده می خواست، من دل سپرده بودم»
- (۱) مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ
(۲) مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ
(۳) مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ مَفْعُولُ فَاعِلَاتُنْ
(۴) مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

۴۶- خوشه‌های هجایی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم»
- (۱) _ U _ U / _ U _ U / _ U _ U / _ U _ U
(۲) _ _ _ U / _ _ _ U / _ _ _ U / _ _ _ U
(۳) _ _ U _ / _ U _ U / _ _ U _ / _ U _ U
(۴) _ _ U U / _ U _ U / _ _ U U / _ U _ U

۴۷- خوشه‌های هجایی بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «دلم از تو چون برنجد، که به وهم درنگند که جواب تلخ گویی تو بدین شکردهانی»
- (۱) _ _ _ U / U _ U U / _ _ U _ / U _ U U
(۲) _ _ U _ / _ _ U U / _ _ U _ / _ _ U U
(۳) _ _ _ U / U _ U U / U _ U _ / U _ U U
(۴) _ _ U U / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U U

۴۸- تقطیع هجایی و ارکان بیت زیر در کدام گزینه درست نشان داده شده است؟

- به یاد یار و دیار آنچنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم
- (۱) _ U _ U / _ U _ U / _ U _ U / _ U _ U _ U _ U / _ U _ U / _ U _ U / _ U _ U
(۲) _ U U / U _ U U / U _ U U / U _ U U _ U U / U _ U U / U _ U U / U _ U U
(۳) _ _ / _ U _ U / _ U _ U / _ U _ U _ _ / _ U _ U / _ U _ U / _ U _ U
(۴) _ _ / _ U _ U / _ _ U U / _ U _ U _ _ / _ U _ U / _ _ U U / _ U _ U

فصل هفتم: اوزان همسان و ناهمسان و وزن شعر نو

در فصل ششم آموختیم که ارکان عروضی یا پایه‌های آوایی یک مصراع، به دو روشِ سماعی و دسته‌بندی هجاها به دست می‌آید. و همچنین دیدیم بر این مبنا ۳ نوع وزن حاصل می‌شود: **اوزان همسان تک‌پایه‌ای**، **اوزان همسان دولختی (دُوری)** و **اوزان ناهمسان**. و همچنین وزن ۹ بیت را بررسی کردیم و به دو روش فوق به دست آوردیم. در این فصل، تمام اوزانی که در هر یک از ۳ نوع وزن فوق وجود دارند، معرفی می‌شوند. (در این فصل پس از تمام مراحل؛ از جمله: درست‌خواندن شعر، نوشتن به خط عروضی، تقطیع هجایی، علامت‌گذاری هجایی، به دست‌آوردن پایه‌های آوایی و اعمال اختیارات شاعری، وزن شعر را از نظر **همسان و ناهمسان بودن** بررسی می‌کنیم).

الف - اوزان همسان تک‌پایه‌ای

ابیاتی هستند که تمام ارکان عروضی آن‌ها از یک رکن ساخته شده باشد. در اوزان همسان ممکن است یک هجا از آخرین رکن، حذف شده و رکن آخر به صورت مَحذوف آمده باشد. **ارکانی که وزن همسان می‌سازند و رکن مَحذوف آن‌ها را در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.**

۱	فاعِلَاتُنْ	— — U —	فاعِلُنْ	— U —
۲	مَفَاعِلُنْ	— — — U	فَعُولُنْ	— — U
۳	فَعَلَاتُنْ	— — U U	فَعِلُنْ	— U U
۴	فَعُولُنْ	— — U	فَعَلْ	— U
۵	مُفْتَعِلُنْ	— U U —		
۶	مُسْتَفْعِلُنْ	— U — —		

توجه: رکن مُسْتَفْعِلُنْ و مُفْتَعِلُنْ، مَحذوف ندارند.

۱	هر که چیزی دوست دارد جان و دل بر وی گمارد	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ
۲	عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ
۳	دوست آن باشد که گیرد دست دوست	فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلُنْ
۴	نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ
۵	سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ
۶	من از این خانه به در می‌نروم	فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعِلُنْ
۷	ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ
۸	یار مرا غار مرا عشق جگر خوار مرا	مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ
۹	ای همه هستی ز تو پیدا شده	مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ
۱۰	بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۱۱	الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۱۲	غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ
۱۳	به نام خداوند جان و خرد	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعَلْ

توجه: «مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ» در اصل وزن همسان نمی‌باشد و فاعِلُنْ در واقع محذوف «مُفْتَعِلُنْ» نیست ولی کتاب درسی به اشتباه آن را در اوزان همسان آورده است و من نیز به ضرورت تبعیت از کتاب آن را در اوزان همسان آورده‌ام. رجوع شود به نام‌گذاری اوزان. می‌توان گفت: هر شعری که دو رکن اول آن یکسان باشد، وزن آن همسان است. همچنین اگر دو رکن اول شعری به ترتیب «فاعلاتن فعاتن» بود، آن نیز همسان است.

توجه: برای اینکه این ۱۳ وزن همسان را به راحتی حفظ کنید، می‌توانید از جدول زیر کمک بگیرید. با توجه به اینکه اصلی‌ترین وزن، ۴ بار تکرار یک رکن است، ۶ وزن همسان از ۴ بار تکرار **رکن ۶** «فاعلاتن، فعلاتن، مستفعِلن، مُفتعلِن، مفاعِلِن و فعولن» به دست می‌آید. یعنی ساختار ستون ۱ جدول زیر، از ۶ رکن فوق، فقط **رکن ۳** «فاعلاتن، فعلاتن و فعولن» با ساختار ستون ۲ می‌باشند. همچنین از ۶ رکن فوق، فقط **رکن ۴** «فاعلاتن، فعلاتن، مُفتعلِن و مفاعِلِن» با ساختار ستون ۳ می‌باشند.

برای سهولت در حفظ کردن می‌توانیم با توجه به جدول فوق و ۱۳ وزن، رابطه‌های زیر را درست کنیم:

- ۱ - «فاعلاتن» در هر سه ساختار می‌آید.
 ۲ - «فعلاتن» در هر سه ساختار می‌آید.
 ۳ - «مستفعِلن» فقط با ساختار ستون ۱ می‌آید.
 ۴ - «مفتعلِن» با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید!!
 ۵ - «مفاعِلِن» با دو ساختار ۱ و ۳ می‌آید.
 ۶ - «فعولن» با دو ساختار ۱ و ۲ می‌آید.

ساختار ۱	سالم	سالم	سالم	هر ۶ رکن این ساختار را دارند
ساختار ۲	سالم	سالم	مَحذوف	۳ رکن این ساختار را دارند
ساختار ۳	سالم	سالم	مَحذوف	۴ رکن این ساختار را دارند

پس این ۶ رکن را بشناسیم.

فاعلاتن	ساختار ۱-۲-۳
فعلاتن	ساختار ۱-۲-۳
مستفعِلن	ساختار ۱
مفتعلِن	ساختار ۱-۳
مفاعِلِن	ساختار ۱-۳
فعولن	ساختار ۱-۲

(ب) اوزان همسان دو لختی (دوری):

ابیاتی هستند که هر مصراع آن‌ها ۴ رکن دارد و از نظر شکل ظاهری، رکن اول آن‌ها در رکن سوم، و رکن دوم آن‌ها در رکن چهارم تکرار می‌شود. و از نظر آوایی، مکتبی میان هر مصراع وجود دارد و هر مصراع را به دو پاره یا لخت تبدیل می‌کند. این ابیات را همسان دولختی یا دوری می‌گویند.

توجه: موارد ۵ و ۶ و ۷ در کتاب نیامده‌اند.

۱	ای باد بامدادی، خوش می‌روی به شادی	مفعولُ فاعلاتن // مفعولُ فاعلاتن (مستفعِلن فعولن // مستفعِلن فعولن)
۲	وقتی دل سودایی، می‌رفت به بستان‌ها	مفعولُ مفاعیلن // مفعولُ مفاعیلن (مستفعِلن مفعولن // مستفعِلن مفعولن)
۳	زاهد خلوت‌نشین، دوش به میخانه شد	مفتعلِن فاعِلن // مفتعلِن فاعِلن
۴	با لب او چه خوش بود، گفت و شنید و ماجرا	مفتعلِن مفاعِلن // مفتعلِن مفاعِلن
۵	چندان که گفتم، غم با طبیبان	فعْلن فعولن // فعْلن فعولن (مستفعِلن فع // مستفعِلن فع)
۶	به کجا رود کبوتر، چو اسیر باز باشد	فعلاتُ فاعلاتن // فعلاتُ فاعلاتن
۷	جهان فرتوت باز، جوانی از سر گرفت	مفاعِلن فاعِلن // مفاعِلن فاعِلن

ج) اوزان ناهمساز

ابیاتی که هیچ نظم خاصی در میان هجاهای آنها دیده نمی‌شود. یعنی اگر هجاهای آنها را با برش‌های ۴ تا ۴ تا، ۳ تا ۳ تا، ۴ تا ۳ تا، ۳ تا ۴ تا و ... جدا کنیم، هیچ نظم خاصی در هجاهای آنها دیده نمی‌شود. ولی در مجموع آهنگ و ریتم دلنشینی دارند و اتفاقاً در بعضی از این اوزان، نسبت به اوزان همساز، اشعار بیشتری سروده شده است. این اوزان ۱۱ مورد می‌باشند.

۱	تو به سیمای شخص می‌نگری	فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ
۲	ای نام تو بهترین سرآغاز	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۳	شخصی به هزار غم گرفتارم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۴	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُنْ
۵	ساقی به نور باده برافروز جام ما	مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِلُ فَاعِلُنْ
۶	هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ فَعُولُنْ
۷	ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ فَعْلُ
۸	ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش	مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُنْ فَعْ
۹	ماه فرو ماند از جمال محمد	مَفْتَعِلُنْ فَاعِلَاتُ مَفْتَعِلُنْ فَعْ
۱۰	بیا به شام غربیان و آب دیده من بین	مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ (بعدا می‌گوییم چرا در دولختی نیاوردم)
۱۱	رواق منظر چشم من آشیانه توست	مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

توجه: چهار وزن اول ۳ رکن دارند. و هفت وزن دیگر ۴ رکن دارند.

توجه: وزن ۷ و ۸ وزن‌های رباعی می‌باشند.

توجه: بعضی اوزان ناهمساز را می‌توان به صورت همساز یا ناهمساز دیگر نیز تقسیم کرد. مثلاً در مثال ۶ اگر هجاها را با ترتیب دیگری دسته‌بندی و جدا کنیم، ارکان دیگری به دست می‌آید.

بَس	دَر	طَ	لَ	بَت	کُو	شِ	شِ	بِی	فَا	یِ	دِ	کَر	دِیم
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَفْعِلُ				مُسْتَفْ	
مَفْعُولُ				مَفَاعِلُ				مَفَاعِلُ				فَعُولُنْ	
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—
چُنْ	طِفْ	لِ	دَ	وَانْ	دَرْ	پِ	یِ	گُنْ	جِشْ	کِ	دَ	وِی	دِ

پس از اعمال اختیارات شاعری به ساختار هجایی زیر می‌رسیم. تقطیع اول نظم همساز و تقطیع دوم نظم ناهمساز دارد. هر چند این بیت و موارد مشابه آن با نظم ناهمساز شهرت یافته و نام‌گذاری شده‌اند، اما نظم همساز آنها بر نظم ناهمساز ترجیح دارد.

موارد دیگر:

سا	قی	ب	نو	ر	با	د	ب	رَف	رو	ز	جا	م	ما
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مُسْتَفْعِلْن				مَفَاعِلُ				مُسْتَفْعِلْن				فَعْلُ	
مَفْعُولُ				فَاعِلَاتُ				مَفَاعِلُ				فَاعِلِنُ	
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—
مَط	رِب	ب	گو	ک	کا	ر	ج	هان	شُد	ب	کا	م	ما

نکته بسیار کلیدی اوزانی که به ۲ صورت دسته‌بندی می‌شوند، در ۶ حالت با «مَفْعُولُ» شروع شده‌اند. وزن شعر نیمایی، شعر کلاسیک ما غالباً مبتنی بر تساوی هجایی مصراع‌ها بود و نیمایوشیخ برای رهایی از تنگنای عروضی، شکل جدیدی از وزن را ایجاد کرد تا بهتر بتواند به محتوای شعر - که نیاز روز جامعه بود - بپردازد. نیما قید و شرط تساوی هجای دو مصراع را برداشت و دست شاعر را در سرودن شعر باز گذاشت؛ بی‌آنکه از زیبایی موسیقایی شعر قدیم بکاهد. برای نمونه در شعر زیر:

باغ بی‌برگی
خنده‌اش خونی است اشک‌آمیز
جاودان بر اسبِ یال‌افشان زردش می‌چمد در آن
پادشاه فصل‌ها پاییز

— / — — U —	باغ بی‌برگی
فَاعِلَاتُنْ فَعْ	
— / — — U — / — — U —	خَن دِ آش خُو نِیس تَش کَا مِیز
فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعْ	
— / — — U — / — — U — / — — U — / — — U —	جَاوَدَا بَرِ اَسَبِ یَا لَفِ شَانِ زَر دَش مِی چَ مَد دَرِ اَن
فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعْ	
— / — — U — / — — U —	پَا دِ شَاهِ فَصَلِ هَا پَا یِیز
فَاعِلَاتُنْ فَاعِلَاتُنْ فَعْ	

همانطور که می‌بینید شاعر در مصراع ۱ فاعلاتن، در مصراع دیگر ۲ فاعلاتن و در مصراع دیگر ۴ فاعلاتن آورده است. در واقع در شعر نیمایی ممکن است کوتاهی و بلندی مصراع‌ها و تعداد هجاها برابر نباشد. اما امکان تغییر وزن وجود ندارد. مثلاً شاعر نمی‌تواند یک مصراع را بر وزن «فاعلاتن» بسراید و مصراع دیگر را بر وزن «مفاعیلن».

توجه: کوتاه و بلندی مصراع‌های یک شعر در شعر کهن و کلاسیک ما نیز سابقه داشته است. برای نمونه به شعر زیر که در قالب «مُستزاد» سروده شده است، توجه کنید:

هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد
هر دم به لباس دگران یار برآمد
گه نوح شد و کرد جهانی به دعا غرق
گه گشت خلیل و به دل نار برآمد
یوسف شد و از مصر فرستاد قمیصی
از دیده یعقوب چو انوار برآمد
حقاً که هم او بود که اندید بیضا
در چوب شد و در صفت مار برآمد
می‌گشت دمی چند بر این روی زمین او
عیسی شد و بر گنبد دوار برآمد
بالجمله هم او بود که می‌آمد و می‌رفت
تا عاقبت آن شکل عرب‌وار برآمد
منسوخ چه باشد؟ نه تناسخ به حقیقت
شمشیر شد و در کف کرّار برآمد
نی نی که هم او بود که می‌گفت انالحق
منصور نبود آن که بر آن دار برآمد
رومی سخن کفر نگفته است و نگوید
کافر بود آنکس که به انکار برآمد

دل برد و نهان شد
گه پیر و جوان شد
خود رفت به کشتی
آتش، گل از آن شد
روشن‌گر عالم
تا دیده عیان شد
می‌کرد شبانی
زان فخر کیان شد
از بهر تفرّج
تسبیح‌کنان شد
هر قرن که دیدی
دارای جهان شد
آن دلبر زیبا
قتال زمان شد
در صوت الهی
نادان به گمان شد
منکر مشویدش
از دوزخیان شد

بیت ۷۴ ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی

ای پادشَه خوبان داد از غم تنهایی

ای	پا	د	ش	ه	خو	بان	دا	دز	غ	م	تن	ها	بی
-	-	U	U	U	-	-	-	-	U	U	-	-	-
				*									
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
دل	بی	ت	ب	جا	نا	مد	وق	تست	ک	با	زا	بی	

دل بی ت ب جان آمد وقتست ک بازایی

بیت ۷۵ کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد

کی شعر ترنگیزد خاطر ک حزین باشد

کی	شع	ر	ت	رن	گی	زد	خا	طر	ک	ح	زین	با	شد
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
-	-	U	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	-
یک	نک	ت	ا	زین	مع	نی	گف	نی	م	ه	مین	با	شد

یک نکت آزی معنی گفتیم همی باشد

بیت ۷۶ هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید ما نیز یکی باشیم از جمله ی قربانها

هر تیر ک در کیشست گر بر دل ریشاید

هر	تیر	ک	در	کی	شست	گر	بر	د	ل	ری	شا	ید
-	-	U	U	-	-	-	-	U	U	-	-	-
				*								
-	-	U	U	-	-	-	-	U	U	-	-	-
ما	نیز	ی	کی	با	شیم (شی)	آزمز)	جم	ل	ی	قر	با	ها

ما نیز یکی باشیم از جمله ی قربانها

بیت ۷۷ از هر طرف که رفتیم جز وحشتم نیفزود زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت

از هر طرف ک رفتیم جز وحشتم نیفزود

از	هر	ط	رف	ک	رف	تم	جز	وح	ش	تم	ن	یف	زود
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
زن	ها	ر	زی	ب	یا	با	وی	را	ه	بی	ن	ها	یت

زنهار زی بیابان وین راه بی نهایت

بیت ۷۸ دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد ابری که در بیابان بر تشنه ای ببارد

دیدارِ یارِ غائبِ دانی چِ ذوقِ دارد

دی	دا	ر	یا	ر	غا	ب	دا	نی	چ	دو	ق	دا	رد
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
آب	ری	ک	در	ب	یا	با	بر	تیش	ن	ای	ب	با	رد

آبری کِ درِ بیابانِ بر تشنه ای ببارد

بیت ۷۹ بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

بگذار تا بگیریم چن ابر در بهارا

بگ	دا	ر	تا	ب	گر	یم	چن	ا	ر	د	ب	ها	ران
-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
-	-	U	-	U	-	-	-	*	U	-	U	-	-
کز	سنگ	نا	ل	خی	زد	رو	ز	و	دا	ع	یا	را	

کز سنگ نال خیزد روز وداع یارا

بیت ۸۰ زاهد خلوت نشین دوش به میخانه شد از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد

زاهدِ خلوتِ نشینِ دوشِ به میخانه شد

زا	ه	د	خل	وت	ن	شی	دو	ش	ب	می	خا	ن	شد
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
آز	س	ر	پی	ما	ب	رفت	با	س	ر	پی	ما	ن	شد

آز سر پیمان برفت با سر پیمان شد

بیت ۸۱ سلسله‌ی موی دوست حلقه‌ی دام بلاست هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست

سلسله‌ی موی دوست حلقه‌ی دام بلاست

سل	س	ل	ی	مو	ی	دوست	حل	ق	ی	دا	م	ب	لاست
-	U	U	U	-	U	-	-	U	U	-	U	U	-
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
هر	ک	د	ری	حل	ق	نیست	فا	ر	غ	زی	ما	ج	راست

هر کِ درین حلقه نیست فارغ از این ماجراست

بیت ۸۲ به که ز بهر سخن بر نگشاید زبان گر نتواند که مرد، سخن به پایان برد

بِه کِ زِ بَهِرِ سَخْنِ بَرِ نَگِشَايِد زَبَانَ

بِه	کِ	زِ	بَهِ	رِ	سُ	خَنْ	بَرِ	نَ	گَ	شَا	یَدِ	زِ	بَانَ
-	U	U	-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	-
						*							
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-
گَر	نَ	تَ	وَ	نَدِ	کِ	مَرَدِ	سُ	خَنْ	بِ	پَا	یَا	بَ	رَدِ

گَر نَتَوَانَد کِ مَرَدِ سَخْنِ بِ پَايَانِ بَرَدِ

بیت ۸۳ تا تو به خاطر منی کس نگذشت بر دلم مثل تو کیست در جهان تا ز تو مهر بگسلم

تَا تُو بَ خَاطِرِ مَنِي کَسِ نَگِذَشْتِ بَرِ دَلَمِ مِثْلِ تُو کِیَسْتِ دَرِ جَهَانَ تَا زِ تُو مَهِرِ بَگِسَلَمِ

تَا	تُو	بِ	خَا	طِ	رِ	مَ	نِي	کَسِ	نَ	گَ	ذَشْتِ	بَرِ	دِ	لَمِ
-	U	U	-	U	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-
						*								
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	U	U	-
مِثْلِ	لِ	تُو	کِیَسْتِ	دَرِ	جَ	هَا	تَا	زِ	تُو	مَهِرِ	بَگِ	سَ	لَمِ	

مِثْلِ تُو کِیَسْتِ دَرِ جَهَانَ تَا زِ تُو مَهِرِ بَگِسَلَمِ

بیت ۸۴ جور بکن که حاکمان جور کنند بر روی شیر که پای بند شد تن بدهد به روبهی

جُورِ بَکُنِ کِ حَاکِمَانِ جُورِ کُننَدِ بَرِ رُویِ شِیرِ کِ پَا یَ بِنَدِ شُدِ تَنِ بَدَهَدِ بَ رُوبَهیِ

جُورِ	رِ	بُ	کُنِ	کِ	حَا	کِ	مَا	جُورِ	رِ	کُ	نَنَدِ	بَرِ	رِ	هِیِ
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	U	-
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U	U	U	-
شِیرِ	کِ	پَا	یِ	بَنَدِ	شُدِ	تَنِ	بِ	دِ	هَدِ	بِ	رُوبِ	بَ	هِیِ	

شِیرِ کِ پَا یَ بِنَدِ شُدِ تَنِ بَدَهَدِ بَ رُوبَهیِ

بیت ۸۵ سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند

سَروِ چَمَانِ مَنِ چَرَا مِیَلِ چَمَنِ نَمِی کُنَدِ هَمَدَمِ گُلِ نَمِی شُودِ یَاَدِ سَمَنِ نَمِی کُنَدِ

سَروِ	وِ	چَ	مَا	نِ	مَنِ	چَ	رَا	مِی	لِ	چَ	مَنِ	نِ	مِی	کُ	نَدِ
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U	U	-	U	-
-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U	U	-	U	-
هَم	دِ	مِ	گُلِ	نِ	مِی	شِ	وَدِ	یَا	دِ	سَ	مَنِ	نِ	مِی	کُ	نَدِ

هَمَدَمِ گُلِ نَمِی شُودِ یَاَدِ سَمَنِ نَمِی کُنَدِ

بیت ۸۶ متناسبند و موزون حرکات دلفریبت متوجه است با ما سخنان بی حسیت

مُتَنَاسِبِنْدُ مَوْزُو حَرَكَاتِ دِلْفَرِیْبَتِ

مُ	تَ	نَا	سِ	بَن	دُ	مُو	زُو	حَ	رَ	کَا	تِ	دِل	فَا	رِی	بَت
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
مُ	تَ	وَج	جِ	هَسَت	بَا	مَا	سُ	خَ	نَا	نِ	بِی	حِ	سِی	بَت	

مُتَوَجِّهَسْت بَا مَا سَخَنَانِ بِی حِسِیْبَتِ

بیت ۸۷ شب عاشقان بی دل چه شبی دراز باشد تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد

شَبِّ عَاشِقَانِ بِی دِلِ چِ شَبِّی دِرَاز بَاشَد

شَ	بِ	عَا	شِ	قَا	نِ	بِی	دِل	چِ	شِ	بِی	دِ	رَا	زِ	بَا	شَد
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
تُ	بِ	یَا	کَ	زُو	وَ	لِ	شَب	دَ	رِ	صُبْح	بَا	زِ	بَا	شَد	

تُ بَیَا کَزُو لَ شَبِّ دَرِ صُبْحِ بَاز بَاشَد

بیت ۸۸ بروید ای حریفان بکشید یار ما را به من آورید آخر صنم گریز پارا

بِرُویدِ ای حَرِیْفَانِ بَکْشِید یَا رَا

بِ	رَ	وِیْد	ای	حَ	رِی	فَا	بِ	کِ	شِیْد	یَا	رِ	مَا	رَا
U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-
U	U	-	U	-	U	-	U	U	U	-	U	-	U
بِ	مَ	نَا	وَ	رِیْد	آ	خَر	صَ	نَ	مِ	گَ	رِیْز	پَا	رَا

بِ مَنَا وَرِیْدِ آخِرِ صَنَمِ گَرِیْزِ پَا رَا

بیت ۸۹ ای بخت سرکش تنگش به برکش گه جام زرکش گه لعل دلخواه

ای بَخْتِ سَرکَشِ تَنگَشِ بَهِ بَرکَشِ

ای	بَخ	تِ	سَر	کِش	تَد	گَش	بِ	بَر	کِش
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
گَه	جَا	مِ	زَر	کِش	گَه	لَع	لِ	دِل	خَاه

گَه جَامِ زَرکَشِ گَه لَعْلِ دِلْخَاه

بیت ۹۰ از دست زاهد کردیم توبه و از فعل عابد استغفرالله

أَز دَسْتِ زَاهِدٍ كَرَدِيمُ تُوبٍ

ب	تُو	دِیْم		کَر	هَد	زَا	تِ	دَس	أَز
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
-	-	U	-	-	-	-	U	-	-
لَاه	رُل	فِ	تَغ	أَس	بَد	عَا	لِ	فِع	وَز

وَز فِعْلٍ عَابِدٍ أَسْتَغْفِرُ لَلَّاهِ

بیت ۹۱ جهان فرتوت باز جوانی از سر گرفت به سر ز یاقوت سرخ شقایق افسر گرفت

جَهَانَ فَرْتُوتٍ بَازِ جَوَانِيٍّ اِز سَرِ گِرَفْتِ بَه سَرِ زِ يَاقُوتِ سَرخِ شَقَاقِيْقِ اَفْسرِ گِرَفْتِ

رِفْت	گِ	سَر	يَز	نِي	وَا	جَ	بَاز	تِ	تُو	فَر	نِ	هَا	جَ
-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-	U	-	U
-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U
رِفْت	گِ	سَر	قَف	يِ	قَا	شَ	سَرخِ	تِ	قُو	يَا	زِ	سَر	بِ

بِ سَرِ زِ يَاقُوتِ سَرخِ شَقَاقِيْقِ اَفْسرِ گِرَفْتِ

بیت ۹۲ شکوفه طفلیست خرد تنش به نرمی حریر رخس به رنگ سهیل لبش به بوی عبیر

شُكُوفِ طِفْلِيْسْتِ خَرْدِ تَنَشِ بَ نَرْمِيٍّ حَرِيْرٍ رَخْسِ بَ رَنگِ سَهِيلِ لَبَشِ بَ بُوِيٍّ عَبِيْرٍ

رِيْر	حَ	مِي	نَر	بِ	نَش	تَ	خَرْد	لِيْسْت	طِف	فِ	كُو	شُ	
-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U
بِيْر	عَ	يِ	بُو	بِ	بَش	لَ	هِيْل	سُ	گِ	رَن	بِ	رُ	

رَخْسِ بَ رَنگِ سَهِيلِ لَبَشِ بَ بُوِيٍّ عَبِيْرٍ

بیت ۹۳ چنان بود تابناک که زهراش مشتری است چو برگشاید دهن به شکل انگشتری است

چُنَاکِ بُوْدِ تَابَنَاکِ کِهْ زَهْرَاشِ مُشْتَرِيْسْتِ اِسْتِ چُو بَرگِشَايِدِ دَهِنِ بَه شِکْلِ اَنگِشْتَرِيْسْتِ اِسْتِ

رِيْسْت	تَ	مُش	أَش	رِ	زَه	کِ	نَاک	بِ	تَا	وَد	بُ	نَا	چُ
-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U
-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	-	U	-	U
رِيْسْت	تَ	گُش	أَن	لِ	شِک	بِ	هَن	دَ	يَد	شَا	گُ	بَر	چُ

چُ بَر گِشَايِدِ دَهِنِ بَ شِکْلِ اَنگِشْتَرِيْسْتِ اِسْتِ

۴۹- در بیت کدام گزینه یک هجا از آخرین پایه آوایی کاسته شده است؟

- (۱) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
- (۲) نگارا چرا قول دشمن شنیدی
- (۳) داد جاروبی به دست آن نگار
- (۴) مرا گر ز وصل تو رنگی برآید

۵۰- وزن کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) پیاده ندیدی که جنگ آورد
- (۲) بیاباد هوس کردن از سر به در
- (۳) به سبزه کجا تازه گردد دلم
- (۴) آنچه دیدی برقرار خود نماند

۵۱- بیت «ای خوبتر از لیلی بیم است که چون مجنون / عشق تو بگرداند در کوه و بیابانم» با کدام بیت هم وزن است؟

- (۱) ای باد بامدادی خوش می روی به شادی
- (۲) به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد
- (۳) ز فراق چون نالم من دل شکسته چون نی
- (۴) وقتی دل سودایی می رفت به بستانها

۵۲- ابیات همه گزینه‌ها به جز بیت گزینه دارای وزن دولختی یا دوری هستند.

- (۱) از در خویشم مران کاین نه طریق وفاست
- (۲) ای کاش بر فتادی، برقع ز روی لیلی
- (۳) مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
- (۴) گفتم که نیاویزم با مار سر زلفت

۵۳- شعر زیر از تکرار کدام وزن و اژه تشکیل شده است؟

«ما/ فاتحان شهرهای رفته بر بادیم/ با صدایی ناتوان تر زان که بیرون آید از سینه راویان قصه‌های رفته از یادیم»

- (۱) فاعلاتن (۲) مفاعیلن (۳) فعلاتن (۴) مستفعلن

۵۴- شعر زیر از تکرار کدام وزن درست شده است؟

«به سان رهنوردانی که در افسانه‌ها گویند/ گرفته کوله بار زاد ره بر دوش، فشرده چوب‌دست خیران در مشت/ گهی پرگویی و گه خاموش/.....»

- (۱) فاعلاتن (۲) مستفعلن (۳) مفاعیلن (۴) فعولن

۵۵- وزن بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- «آن را که بصیرت نبود، یوسف صدیق
- (۱) مُسْتَفْعِلُ فاعلات مُسْتَفْعِلُ فَعْل
 - (۲) مَفْعُولُ فاعلات مفاعیلُ فاعِلن
 - (۳) مُسْتَفْعِلُنْ مفاعل مُسْتَفْعِلُنْ فَعْل
 - (۴) مَفْعُولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعولُنْ

۵۶- کدام بیت در وزن «مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ» سروده شده است؟

- (۱) ویرانه آب و گل چون مسکن بوم آمد
 - (۲) ای گشته چنان و آن چنان تر
 - (۳) در شهر که دیده است چنین شهر بقی را
 - (۴) صد شعله آتش است در دیده
- این عرصه کجا شاید پرواز همایی را
هر جان که بدیده او چنین را
در بر که کشیده است سهیل و قمری را
از نکته دل که آتشین باشد

۵۷- وزن مقابل کدام مصراع نادرست است؟

- (۱) ای صوفیان عشق بدریید خرقه‌ها (مَفْعُولُ فاعِلَاتُ مفاعیلُ فاعِلُنْ)
 (۲) گنج در آستین و کیسه تهی (فاعِلَاتُنْ مفاعِلُنْ فَعِلُنْ)
 (۳) کان حسن تو پنهان شدنی نیست بیا (مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْ)
 (۴) سرمایه برفت و سود می‌جویم (مُسْتَفْعِلُ فاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلْ)

۵۸- وزن همه گزینه‌ها به جز گزینه در مقابل آن درست نوشته شده است.

- (۱) سخن به لطف و کرم با درشت‌خوی مگوی (مُفْتَعِلُنْ فاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَعْ)
 (۲) امید عافیت آن‌گه بود موافق عدل (مفاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ مفاعِلُنْ فَعِلُنْ)
 (۳) ندهد مرد هوشمند جواب (فاعِلَاتُنْ مفاعِلُنْ فَعِلُنْ)
 (۴) پند گیر از مصائب دگران (فاعِلَاتُنْ مفاعِلُنْ فَعِلُنْ)

۵۹- بیت کدام گزینه بر وزن «مُفْتَعِلُنْ فاعِلَاتُ مُفْتَعِلُنْ فَعْ» سروده شده است؟

- (۱) اندوه تو شد وارد کاشانه‌ام ام‌شعب
 (۲) این که تو داری قیامت است نه قامت
 (۳) آن که بود از غمش ناله‌ی بیم‌اری‌ام
 (۴) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
- مهمان عزیز آمده در خانه‌ام ام‌شعب
 وین نه تبسم که معجز است و کرامت
 هیچ ندارد اثر در دل او زاری‌ام
 ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید

۶۰- وزن عروضی بیت زیر کدام است؟

- «گر سنگ از این حدیث بنالد عجب مدار»
 (۱) مُسْتَفْعِلُ فاعِلَاتُ فَع لُنْ
 (۲) مَفْعُولُ مفاعیلُنْ مَفْعُولُ مفاعیلُنْ
 (۳) مَفْعُولُ فاعِلَاتُ مفاعیلُ فاعِلُنْ
 (۴) مُسْتَفْعِلُ مَفْعُولُنْ مُسْتَفْعِلُ مَفْعُولُنْ

۶۱- پایه‌های آوایی کدام گزینه «مفاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ مفاعِلُنْ فَعِلُنْ» است؟

- (۱) گرفت ساقی گلرخ به کف چو لاله پیاله
 (۲) طیب باد صبا را بگوی از ره مهر
 (۳) ز محتاجان خبر گیر ای که داری
 (۴) خود بین چنان شدی که ندیدی مرا به چشم
- پیاله از رخ ساقی گرفت پرتو لاله
 که تا دوا کند این درد ناگهانی را
 چراغ دولت و گنج و غنا را
 پیش هزار دیده بی‌نا چه می‌کنی؟

۶۲- کدام گزینه وزن شعر نیمایی زیر را به درستی نشان می‌دهد؟

«در تلاش شب که ابر تیره می‌بارد / روی دریای هراس‌انگیز / وز فراز برج بارانداز خلوت مرغ باران می‌کشد فریاد
 خشم‌آمیز»

- (۱) مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ فَع / مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ مفاعیلُنْ فَع.
 (۲) فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فَع / فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فاعِلَاتُنْ فَع.
 (۳) فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَع / فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَعَلَاتُنْ فَع.
 (۴) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَع / مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَع.

فصل هشتم: اختیارات شاعری

گفتیم وزن شعر فارسی مبتنی بر تساوی هجاهاست. هم از نظر کمی و هم کیفی. یعنی نه تنها این که تعداد هجاهای مصراع‌ها یکسان است، بلکه ترتیب قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند در تمام مصراع‌ها هم یکسان است. مثلاً وقتی فردوسی اولین مصراع شاهنامه را بر وزن «U / — — U / — — U / — — U / — — U» سرود، مجبور شد کل شاهنامه را بر همین وزن بسراید. و یا وقتی مولانا مصراع اول مثنوی معنوی را بر وزن «— U — / — — U — / — — U — / — — U —» گفت، کل پنجاه و دو هزار مصراع را بر همین ترتیب هجایی سرود. همان‌طور که تصور می‌کنید، این رعایت و هماهنگی چیزی در حد معجزه است و معجزه هم از بشر امروزی ساقط است. لذا اختیاراتی به شاعران اجازه می‌دهد تا در شرایط خاص از این وزن‌ها و چیدمان هجایی خارج شوند و در مقلیل هجای کوتاه، هجای بلند بیاورند و بالعکس. اختیارات شاعری در محل و یا در حالتی است که گوش فارسی‌زبانان، آن اختلاف را خیلی خارج از وزن نمی‌داند و استفاده از آن باعث برهم خوردن نظم آوایی و شنیداری نمی‌شود. به مجموعه اختیاراتی که شاعران از آن‌ها استفاده می‌کنند تا شعرشان از وزن خارج نشود «اختیارات شاعری» می‌گویند.

اختیارات شاعری به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- اختیارات زبانی ۲- اختیارات وزنی

۱- اختیارات زبانی:

اختیاراتی است که شاعر در صورت نیاز، با نحوه تلفظ، در کیفیت هجاها تغییری ایجاد می‌کند و هجای بلند را به هجای کوتاه و هجای کوتاه را به هجای بلند، نزدیک می‌کند.

اختیارات زبانی دو دسته است: الف) حذف همزه بی تغییر کمیت مصوت‌ها

الف) حذف همزه:

حذف همزه از پرکاربردترین اختیارات شاعری است. و آن وقتی است که پیش از همزه یک صامت و بعد از همزه یک مصوت بیاید. در این صورت، همزه حذف می‌شود و صامت قبل آن، به مصوت بعد آن می‌چسبد. به الگوهای زیر توجه کنید.

مرد آمد	←	مرد آمد
م - ر د		م - ر د
د ا م د		د ا م د
دل‌انگیز	←	دل‌انگیز
د - ل		د - ل
ن گ ی ز		ن گ ی ز

یادآوری: کلمات «آمد، ایران، اوستا، احمد، اعتماد، افتاد و...» با همزه شروع شده‌اند.

در ابیات زیر، هنگام نوشتن به خط عروضی یا خوانش شعر، همزه‌ی آغازین کلمات مشخص شده، حذف شده است.

بلند آن سر، که او خواهد بلندش	نژند آن دل، که او خواهد نژندش
در این بود درویش شوریده‌رنگ	که شیری برآمد شغالی به چنگ
هر کسی از ظن خود شد یار من	از درون من نجست اسرار من
بشد تیز رهام با خود و گبر	همی گرد رزم اندر آمد به ابر
شاهد نیاز نیست که در محضر آورند	در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

توجه: حذف همزه آغازین یک اختیار است و شاعر می‌تواند آن را حذف نکند و تلفظ کند. (حتی اگر پیش از آن، صامت باشد؛ یعنی حتی اگر شرایط حذف وجود داشته باشد).

یقین، مرد را دیده، بیننده کرد	شد و تکیه بر آفریننده کرد
دارد اسارت تو به زینب اشارتی	از اشتیاق کیست که چشمت کشید راه؟
جو بگذشت از پس آن جنگ دشوار	از آن دریای بی‌پایاب آسان

نکته: حذف همزه زمانی ممکن است که واژه قبل آن، به صامت ختم شده باشد. اگر قبل از همزه، مصوت باشد، حذف همزه غیرممکن است. در مثال‌های زیر، قبل همزه، مصوت است، لذا همزه نمی‌تواند حذف شود.

اگر لطفش قرین حال گردد همه ادب‌ارها، اقبال گردد
 کدام دانه فرو رفت در زمین که نرسد؟ چرا به دانه‌ی انسانیت این گمان باشد
 گویند ز عشق کن جدایی این نیست طریق آشنایی

توجه: طبق نکته فوق، اگر پیش از همزه «ء» مصوت باشد، همزه حذف نمی‌شود. ولی در بعضی مواقع **همزه و مصوت قبل آن**، هر دو حذف می‌شوند، از جمله موارد زیر:

که از ← کز (ک - ء - ز = کز)
که او ← کاو ← کو (ک - ء - و = کو، که به صورت «کاو» نوشته می‌شود)
که آن ← کان (ک - ء - ا - ن = کان)
داده است ← دادست (د ا د - ء - س ت = دادست)

توجه: در موارد زیر (و موارد مشابه) **همزه و مصوت بعد از آن**، هر دو حذف می‌شوند.

دانا است ← داناست (د ا ن ا + ء - س ت = داناست)
خوبی است ← خوبیست (خ و ب ی + ء - س ت = خوبیست)
مینو است ← مینوست (م ی ن و + ء - س ت = مینوست)

توجه: در موارد زیر، واژه‌ی مشخص شده را، هم می‌شود با حذف همزه خواند، هم بدون حذف همزه. (این نکته به «ن» ساکن بعد از مصوت بلند مربوط است.)

ای ساربان آهسته ران، کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتیم با دلستانم می‌رود
 به خوناب شفق در دامن شام به خون **آلوده** ایران کهن دید

ای ساربان	آهسته ران	ای سار با	نا هسته ران
- U - -	- U - -	- U - -	- U - -
خون آ	لو د	خو نا	لو د
- - -	U - -	- - -	U - -

(ب) تغییر کمیت مصوت‌ها

اگر به الگوهای هجایی و نوع واج‌ها آن‌ها توجه کنیم، درمی‌یابیم که مصوت‌های بلند، از نظر آوایی، دو برابر مصوت‌های کوتاه یا صامت‌ها هستند. تغییر کمیت مصوت‌ها به شاعر این امکان را می‌دهد که در صورت نیاز با بیشتر کشیدن مصوت کوتاه، آن را به مصوت بلند تبدیل کند، (تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع مقابل یکسان کند) و یا با کم‌تر کشیدن مصوت بلند، آن را به مصوت کوتاه تبدیل کند (تا هجای بلند یک مصراع را با هجای کوتاه مصراع مقابل، یکسان کند). همان‌طور که از توضیح فوق برمی‌آید، **تغییر کمیت مصوت‌ها دو نوع است:** ۱- بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه ۲- کوتاه‌تلفظ کردن مصوت بلند

۱- بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

شاعر می‌تواند در صورت نیاز، **مصوت کوتاه پایان کلمه** را بلندتر و کشیده‌تر تلفظ کند تا هجای کوتاه یک مصراع را با هجای بلند مصراع دیگر یکسان کند. این اختیار شاعری نیز، جزء پرکاربردترین اختیارات شاعری است. کم‌تر بی‌نیازی را می‌توان دید که این اختیار شاعری در آن استفاده نشده باشد. در واقع، در صورت اختلاف نوع هجاهای مقابل دو مصراع (اختلاف کیفی)، با توجه به رعایت نکات قبلی که آموخته‌ایم، اولین بررسی اختیارات را بر مبنای این اختیار انجام می‌دهیم.

این اختیار شاعری در سه حالت رخ می‌دهد.

- الف - پایان کلمه (---) باشد. مانند: نه، تو، چو، دو(عدد)، ترانه، خانه، ستاره، که و ...
- ب - واو عطف یا ربط بین دو کلمه: من و شما (من شما)، دل و جان (دل جان)، رفت و آورد (رفت آورد) و ...
- ج - نقش‌نمای اضافه بین مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت: پدر علی، بابای علی، بابای خوب، لیلی ناز، ابروی یار

پایان کلمه -	پایان کلمه -	پایان کلمه -	واو عطف و ربط و ...	نقش‌نمای اضافه (-، ی)
و نه = ن	تو چو دو(عدد)	دانه، خانه و ...	دل و جان، رفت و آمد رفتی و(ی) گفتی	دل من، دل بزرگ بابای خوب، لیلی(ی) ناز، بوی تو

به تقطیع هجایی بیت زیر توجه کنید.

چو در وقت بهار آبی پدیدار / حقیقت پرده، برداری ز رخسار

چ	دَر	وَق	ت	ب	ها	را	یی	پ	دی	دار
U	-	-	U	U	-	-	-	U	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
ح	ق	قَت	پَر	د	بَر	دا	ری	ز	رُخ	سار

همان‌طور که در الگوی هجایی دو مصراع مشخص است، نوع هجای چهارم در مصراع اول با مصراع دوم متفاوت است. اختیار شاعری «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» به شاعر این امکان را می‌دهد تا **مصوت کوتاه پایان کلمه** را در صورت نیاز، بلند تلفظ کند.

تقطیع و علامت‌های بالا برای قبل از آموختن اختیارات شاعری بود. اکنون اختلاف دو هجای فوق را به صورت زیر اصلاح می‌کنیم.

چ	دَر	وَق	ت	ب	ها	را	یی	پ	دی	دار
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
ح	ق	قَت	پَر	د	بَر	دا	ری	ز	رُخ	سار

نکته: در بین سه مصوّت کوتاه «ـِ»، مصوّت کوتاه «ـِ» بسیار زیاد و مصوّت کوتاه «ـَ» بسیار کم، مشمول این اختیار می‌شوند. اکنون برای هر سه مصوّت، مثال‌هایی آورده می‌شود.

بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه «ـِ»

دست من بشکسته بودی آن زمان چون زدم من بر سر آن خوش‌زبان

دَس	تِ	مَنْ	بِش	کَس	تِ	بُو	دِی	آ	زَ	مَان
U	-	-	-	-	U	-	-	-	U	-
U	-	-	-	-	U	-	-	-	U	-
چُن	زَ	دَم	مَنْ	بَر	سَ	رِ	آن	حُش	زَ	بَان

خروش سواران و اسپان ز دشت ز بهرام و کیوان همی بر گذشت

خُ	رُو	شِ	سَ	وَا	رَا	نُ	اَس	بَان	زِ	دَشْت
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
زِ	بَهـ	رَا	مُ	کِی	وَان	هَـ	مِی	بَر	گُ	دَشْت

گل به همه رنگ و برازندگی می‌کند از پرتو من زندگی

گُل	بِ	هَـ	مِ	رَن	گُ	بَ	رَا	زَن	دِ	گِی
U	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
U	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-
مِی	کُ	نَ	دَز	پَر	تُ	وِ	مَنْ	زِن	دِ	گِی

بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه « ُ »

تو مگر خود مرد صوفی نیستی؟ هست را از نسیه خیزد نیستی

تُ	مَ	گَر	خُد	مَر	دِ	صو	فی	نیس	تی
U	U	-	-	-	U	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	U	-
هَسْت	را	آز	نِس	یِ	خِ	زَد	نیس	تی	

یقین مرد را دیده بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

یَ	قین	مَر	د	را	دی	دِ	بی	نَن	دِ	گَرْد
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
شُ	دُ	تِک	یِ	بَر	آ	فَ	ری	نَن	دِ	گَرْد

ز آزار گرد آفرید و هجیر پیر از درد بودند بُرنا و پیر

زِ	آ	زَا	رِ	گَر	دَا	فَا	رِی	دُ	هَ	جیر
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
پُ	رَز	دَر	د	بو	دَنَد	بُر	نَا	وَ	پیر	

بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه « َ »

این اختیار معمولاً در واژه « نه » و « و » رخ می‌دهد.

نه غلط گفتم که نایب یا منوب گر دو پنداری قبیح آید نه خوب

نَ	غَ	لَطَ	گُفَ	تَمَ	کِ	نَا	یِبَ	یا	مَ	نوب
U	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
گر	دُ	پِن	دا	ری	قَ	بی	حا	ید	نَ	خوب

گفتم ار عریان شود او در عیان نه تو مانی نه کنارت نه میان

گُفَ	تَ	مَر	عَر	یَانُ	شَ	وَدَ	او	دَر	عَ	یَانُ
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-
نَ	تُ	ما	نی	نَ	کِ	نا	رَت	نَ	مَ	یَانُ

نه سبویی و نه آبی در سبو این چنین کس از چه می‌ترسد بگو؟

نَ	سَ	بو	یی	یُ	نَ	آ	بی	دَر	سَ	بو
U	U	-	-	U	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
این	چُ	نین	گس	آز	کِ	می	تر	سد	بِ	گو

نکته بسیار مهم: گاه شاعر در دو هجای روبه‌روی هم از این اختیار شاعری استفاده می‌کند. در این صورت، تشخیص اختیار شاعری دشوار می‌شود. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

بِه خون گر کشی خاک من، دشمن من، بجوشد گل اندر گل از گلشن من

بِ	خون	گر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دُش	مَ	نِ	مَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	U	-
بِ	جو	شد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

در تقطیع فوق، در نگاه اول، با توجه به عدم ناهماهنگی و یکسانی هجاها، تصوّر می‌شود که از اختیار شاعری استفاده نشده است، ولی با توجه به وزن کلّ مصراع و ارکان دیگر متوجه می‌شویم، در هجای یکی مانده به آخر، در هر دو مصراع، از اختیار شاعری بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه استفاده شده است.

بِ	خون	گر	کِ	شی	خا	کِ	مَن	دُش	مَ	نِ	مَن
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
بِ	جو	شد	گُ	لَن	دَر	گُ	لَز	گُل	شَ	نِ	مَن

کمانِ به‌زه را به بازو فکند به بند کمر بر، بزد تیر چند

کَ	ما	نِ	بَ	زِه	را	بِ	با	زو	فِ	کَند
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
بِ	بَن	دِ	کَ	مَر	بَر	بِ	زَد	تِیر	چَند	

نکته بسیار مهم: برای یافتن اختیارات شاعری، بهتر است، علاوه بر مقایسه هجاهای روبه‌روی دو مصراع، به ارکان قبل و بعد و به اصل وزن هم توجه داشته باشیم.

توجه: «تو» در کلماتی مانند «توحید، توسن و...» هجای بلند است و اختیار شاعری «بلندتلفظ کردن مصوّت کوتاه» برای آن صدق نمی‌کند. در واقع بین «ت» و «و»، مصوّت کوتاه «ـُ» وجود دارد. مانند کلمات «نُو، رُو، جُو، شُو و...»

نکته جالب و مهم: اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، در اوزانی مانند «مفاعیلن مفاعیلن فعولن»، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» «فعولن فعولن فعولن فعل»، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن» و هر وزنی که تعداد هجای بلند آن نسبت به هجای کوتاه بیشتر باشد، بیشتر دیده می‌شود.

۲- کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

توجه: اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» مخصوص مصوت بلند «و» و «ی» می‌باشد که به ترتیب به مصوت کوتاه «ـ» و «ـِ» تبدیل می‌شوند. همان‌طور که می‌توانستیم در شرایطی، مصوت کوتاه را بلند تلفظ کنیم، برعکس آن نیز ممکن است. یعنی می‌توانیم مصوت بلند را کوتاه تلفظ کنیم، تا هجای بلند را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

در دام فُتاده آهویی چند محکم شده دست و پای در بند

دَر	دا	م	فُ	تا	دِ	آ	هو	یی	چَند
—	—	U	U	—	U	—	U X	—	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
مُح	گَم	شُ	دِ	دَس	تُ	پا	ی	دَر	بَند

هجاهای ستون هشتم دو مصراع با هم اختلاف دارند. پیش از این آموختیم با بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه پایانی کلمه، می‌توانیم هجای کوتاه را به هجای بلند تبدیل کنیم، اما در این مثال، **اولاً؛** با توجه به وزن شعر «مفعول مفاعیلن فعولن (مستفعل فاعلاتن مستف)» این اجازه را نداریم، **ثانیاً؛** واج «ی» اصلاً مصوت نیست که بلند تلفظ کنیم تا هجای کوتاه را با هجای بلند برابر کنیم! اما اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، این اختیار را به ما می‌دهد که در شرایطی که در جدول زیر می‌بینید، مصوت بلند را کوتاه تلفظ کنیم.

گاه سوی وفا روی، گاه سوی جفا روی آن منی کجا روی، بی تو به سر نمی‌شود

گا	ه	سو	ی	وَ	فا	رَ	وی	گا	ه	سو	ی	جَ	فا	رَ	وی
—	U	U X	—	U	—	U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
آ	نِ	مَ	نی	کُ	جا	رَ	وی	بی	تُ	بِ	سَر	نِ	می	شَ	وَد

نکته بسیار مهم: به جدول زیر دقت کنید. این جدول شرایطی را نشان می‌دهد که ممکن است در صورت نیاز، مصوّت بلند، کوتاه تلفظ شود.

اگر بعد از مصوّت بلند «و»	«ی» (بی) بیاید.	«ی» بیاید.	«ء=ا، آ» بیاید.	«و» بیاید.
آهویی	ابروی من	آهواز - آهو آمد	آهو و گرگ	
اگر بعد از مصوّت بلند «ی»	«ی» (ای) بیاید.	«ی» بیاید.	«ء=ا، آ» بیاید.	«و» بیاید.
لیلی ای	لیلی من (لیلی ی من)	لیلی از - لیلی آمد	لیلی و مجنون	

توجه: در ادامه نکات جدول فوق را به طور مفصل با مثال شعری آورده‌ام.

نکته‌ی مهم: همزه بعد از مصوّت بلند، اگر حذف شود و مصوّت بلند به مصوّت دیگر برسد، مصوّت بلند می‌تواند طبق اختیار شاعری، کوتاه تلفظ شود.

تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی جدا سازی ای خصم سر از تن من

ت	نم	گر	ب	سو	زی	ب	تی	رم	ب	دو	زی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
U	-	-	U X	-	-	U	-	-	U	U	-
ج	دا	سا	زی	پی	خصم	سر	از	ت	ن	من	

نکته: مصوّت بلند «و» و «ی» در کلمات تک‌هجایی «بو، رو، جو، مو و...» هیچ‌گاه کوتاه نمی‌شود و به صورت «ب، ر، ج، م، و...» در نمی‌آید. اما کلمه «سو» در صورت اضافه‌شدن به کلمه‌ای دیگر (مانند: سوی من)، ممکن است مشمول این اختیار شاعری شود و به صورت «سوی: س ی» تلفظ شود.

نکته‌ی بسیار مهم: اگر بعد از کلمات مختوم به «و» و «ی» مضاف‌الیه یا صفت بیاید، بعد از آن‌ها واج میانجی «ی» می‌آید و در اینصورت احتمال اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند» بسیار وجود دارد. نکته مهم اینجاست که «ی» میانجی بعد از کلمه مختوم به «ی» در نوشتار نمود ندارد و باید دقت بیشتری شود.

آهوی چشم خوشش مردم به یک دیدن کشد دیدنی کردم کش آن آهوی چینی بنگرید

آ	هو	ی	چش	م	خ	شش	مر	دم	ب	یک	دی	دن	ک	شد
-	-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
	*	*												
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
دی	د	نی	گر	دم	ک	شا	آ	هو	ی	چی	نی	بن	گ	رید

آن کس که نه آدمی است گرگ است آهوگشی آهوی بزرگ است

آ	کس	کِ	نَ	آ	دَ	میست	گَر	گست
-	-	U	U	-	U	-	-	-
						*		
-	-	U	U	U	U	U	-	-
آ	هو	کُ	شی	آ	هو	بُ	زُر	گست

ز شوخی گر چه آسایش نفهمیده است مژگانش نظر با شوخی چشمش رگ خواب است پنداری

زِ	شو	خی	گَر	چِ	آ	سا	پِش	نَ	فَهـ	می	دَسـت	مُز	گا	نَش
U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
				*	*				*					
U	-	-	-	U	U	-	-	U	U	U	U	U	-	-
نَ	ظَر	با	شو	خی	ی	چَش	مَش	رَ	گِ	خا	بَسـت	پِن	دا	ری

نکته بسیار مهم: اگر بعد از کلمه مختوم به « ی »، واو عطف یا ربط بیاید، امکان اختیار شاعری « کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد.

ای یار جفا کرده پیوند بریده این بود وفاداری و عهد تو ندیده

ای	یا	رِ	جَ	فا	کَر	دِ	یِ	پِی	وَنـد	بَـ	ری	دِ
-	-	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-	-
-	-	U	U	-	-	U	U	U	U	U	-	-
ای	بو	د	وَ	فا	دا	ری	یُ	عَهـ	دِ	نَ	دی	دِ

نکته بسیار مهم: اگر بعد از کلمات مختوم به «ی» همزه بیاید، احتمال اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد.

بود بقالی و وی را طوطی‌ای خوش‌نوایی سبز گویا طوطی‌ای

ای	طی	طو	را	وی	ی	لی	قا	بق	د	بو
-	U X	-	-	-	U	-	-	-	U	-
	*									
-	U X	-	-	-	U	-	-	-	U	-
ای	طی	طو	یا	گو	ز	سب	یی	وا	ن	خس

دست از این پیش که دارد که ما؟ زاری از این بیش که دارد که ما؟

ما	ک	رد	دا	ک	پیش	زی	ء	دست	
-	U	-	-	U	U	-	U	U	-
-	U	-	-	U	U	-	U	U X	-
ما	ک	رد	دا	ک	بیش	زی	ی	ری	زا

از عمر من آنچه هست بر جای بستان و به عمر لیلی افزای

آز	عم	ر	م	نا	چ	هست	بر	جای
-	U	U	U	-	U	U	-	-
-	U	U	U	-	U	U X	-	-
بس	تا	ن	ب	عم	ر	لی	یف	زای

نکته: کلمات مختوم به «ی» اگر با «ان» جمع بسته شوند، بین از آن‌ها واج میانجی «ی» می‌آید و در این صورت احتمال اختیار شاعری «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» وجود دارد.

در خطاب آدمی ناطق بُدی در نوای طوطیان حاذق بُدی

در	خ	طا	ب	آ	د	می	نا	ط	ب	دی
-	U	-	U	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	U	-	U X	-	-	-	U	-
در	ن	وا	ی	طو	طی	یان	حا	ذ	ب	دی

توجه: در کلماتی مانند **طوطیان و روحانیون و ...** در این موضوع اختلاف نظر وجود دارد. یعنی بعضی اساتید این کلمات را مانند: **بیا، سیاست، خیابان و ...** بدون اختیار می‌گیرند. کتاب درسی و دیگر کتب عروضی در این مورد اظهار نظر نکرده‌اند!

توجه: کلمات مختوم به « و » اگر « ی » نسبت، نکره، مصدری و ... بگیرند، احتمال این اختیار وجود دارد. آرزویی، ابرویی، جادویی

توجه: کلمات مختوم به « ی »، اگر « ی » نسبت، نکره، مصدری و ... بگیرند، احتمال این اختیار وجود دارد. البته در این صورت بین مصوت بلند « ی » و « ی » دیگر، میانجی « ء » می‌آید.

لیلی‌ای باید که تا مجنون شوم عاشقی، سرگشته‌ای، دلخون شوم

لی	لی	ای	با	ید	ک	تا	مَج	نو	ش	وم
—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—
—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—
عا	ش	قی	سر	گش	ت	ای	دل	خو	ش	وم

توجه: کوتاه‌تلفظ کردن مصوت بلند، یک اختیار است نه اجبار! مثلاً در بیت زیر شرایط برای کوتاه‌تلفظ کردن مصوت بلند « و » وجود دارد ولی دلیلی برای این کار وجود ندارد زیرا هجای بلند در جای خود قرار گرفته است.

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

بُ	خُر	تا	ت	وا	نی	ب	با	زو	ی	خیش
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
ک	سَع	یت	بُ	وَد	دَر	ت	را	زو	ی	خیش

توجه: نکات ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۴ در فصل سوم، اختیار شاعری محسوب نمی‌شوند.

۲- اختیارات وزنی:

اختیاراتی است که گوش آن‌ها را حس می‌کند ولی ایراد نمی‌شمارد. اختیارات زبانی، اختیاراتی در نحوه تلفظ بود ولی اختیارات وزنی اختیاراتی در تغییر هجاهاست. اختیارات وزنی ۴ نوع هستند.

الف) بلند بودن هجای پایان مصراع (و نیم‌مصراع در اوزان دو لختی یا دُوری)

هجای پایانی مصراع‌ها و نیم‌مصراع اوزان دوری را همیشه بلند در نظر می‌گیریم، ولی شاعر می‌تواند به جای آن، از هجای کوتاه یا کشیده هم استفاده کند. مثلاً در بیت زیر که هجای پایانی آن هجای بلند است، شاعر در مصراع دوم هجای کشیده آورده است.

من اگر کام روا گشتم و خوشدل چه عجب مستحق بودم و این‌ها به زکاتم دادند
در واقع هر وقت هجای پایانی مصراعی، کوتاه یا کشیده بود، شاعر از این اختیار شاعری استفاده کرده است. و در علامت‌گذاری هجاها، باید برای آن‌ها هجای بلند قرار بدهیم.

در ابیات زیر نیز شاعر در پایان نیم‌مصراع به جای هجای بلند، هجای کشیده آورده است.

دستی ز غمت بر دل، پای پی ز پیت در گل
و در بیت زیر:

گر پیر مناجات است و ز رند خراباتی
هر کس قلمی رفته است، بر وی به سرانجامی

ب- آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول مصراع

بعضی از اوزان شعر فارسی مانند «فَعْلَاتْنِ مَفَاعِلِنِ فَعْلِنِ» یا «فَعْلَاتْنِ فَعْلَاتْنِ فَعْلَاتْنِ فَعْلِنِ» و... با رکن «فَعْلَاتْنِ» شروع می‌شوند. شاعر می‌تواند به جای «فَعْلَاتْنِ» اول مصراع «فَعْلَاتْنِ» بیاورد.

گر من آلوده دامنم چه عجب همه عالم گواه عصمت اوست

ر	م	نا	لو	د	دا	م	نم	چ	ع	جَب
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
ه	م	عا	لم	گ	وا	ه	عص	م	ت	اوست

همان‌طور که می‌بینید شاعر در مصراع اول به جای «فَعْلَاتْنِ»، «فَعْلَاتْنِ» آورده است.

گفت اگر خیر است خیر اندیش تو شری جز شرت نیاید پیش

ر	ت	گر	خیر	است	خی	رن	دیش
-	U	-	U	-	U	-	-
U	U	-	U	-	U	-	-
ت	ش	ری	جُز	ش	رَت	ن	یا

نکته: این اختیار شاعری پر کاربرد است و ممکن است حتی در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

نکته: وزن‌های زیر را بشناسیم. زیرا این اختیار شاعری در این اوزان رخ می‌دهد.

۱- فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ

تو به سیمای شخص می‌نگری
ما در آثار صنع حیرانیم

۲- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ

بُت خود را بشکن خوار و ذلیل
نامور شو به فتوت چو خلیل

۳- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ

تو ندانی که چرا در تو کسی خیره بماند
تا کسی همچو تو باشد که در او خیره بمانی

۴- فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ ← فاعِلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعِلُنْ

بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین
کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

نکته‌ی بسیار مهم: نمی‌توانیم به جای فاعِلَاتُنْ آغازین، فَعْلَاتُنْ بیاوریم.

توجه: این اختیار در رکن اول هر دو مصراع می‌تواند بیاید.

نکته: اصل «فَعْلَاتُنْ» است. پس اگر حتی در تمام مصراع‌های یک شعر، به جای آن، «فاعِلَاتُنْ» آمده باشد و تمام مصراع‌ها هم یکسان باشند، باز هم اختیار شاعری وجود دارد.

(ج آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه کنار هم: ابدال)

شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه کنار هم، یک هجای بلند بیاورد، مثلاً به جای رکن فَعِلُنْ «U U _ _»، شاعر می‌تواند فَعِلُنْ « _ _ » بیاورد.

تنگ‌چشمان نظر به میوه کنند
ما تماشا کنان بستانیم

تَنگ	چَش	مَان	نَ	ظَر	بِ	مِ	و	کُ	نَند
U	-	-	U	-	U	-	U	U	-
U	-	-	U	-	U	-	-	-	-
مَ	تَ	مَ	شَا	کُ	نَا	نِ	بُس	تَا	نِیم

نکته: هر چند به جای دو هجای کوتاه در رکن‌های فَعْلَاتُنْ «U U _ _»، مُفْتَعِلُنْ «U U _ _» و مُسْتَفْعِلُ «UU _ _» هم این اختیار شاعری دیده شده است و به صورت مَفْعُولُنْ « _ _ _ _» در می‌آیند، اما اغلب کاربرد آن در رکن فَعِلُنْ «U U _ _» است که در پایان مصراع می‌آید و به رکن فَعِلُنْ « _ _» تبدیل می‌شود.

در اختیار شاعری قبلی به چند وزنی که این رکن را داشتند، اشاره شد. اکنون اوزان دیگری با این رکن را مشاهده کنید.

مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ
مَفَاعِلُنْ فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلُنْ
نه من بر آن گلِ عارض غزل سرایم و بس
که عندلیب تو از هر طرف هزارانند

توجه: در این اختیار شاعری، «دو هجای کوتاه»، اصل است که به جای آن یک هجای بلند آمده است و برعکس آن امکان پذیر نیست. یعنی نمی‌توانیم به جای یک هجای بلند، دو هجای کوتاه بیاوریم.

توجه: کتاب درسی این اختیار شاعری را مختصّ ارکان «فَعْلُنْ، مُفْتَعْلُنْ، فَعْلَاتُنْ و مُسْتَفْعِلْ» می‌داند. در حالی که در وزن رباعی بدون این که این ارکان وجود داشته باشد، این اختیار شاعری وجود دارد. ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش وز تشنگی‌ات فُرَات در جوش و خروش

پوش	لی	نی	مَت	تَ	ما	غ	دا	بِ	بِ	کَع	ای
-	-	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	-
روش	خُ	شُ	جو	دَر	رَا	فُ	یَت	گی	نِ	تِش	وَز

توجه: «گی» طبق اختیار شاعری کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند، به «هجای کوتاه» تبدیل می‌شود.

توجه: هرگاه تعداد هجاهای دو مصراع با هم برابر نبود، به احتمال ۹۹٪ این اختیار شاعری به کار رفته است. **نکته:** این اختیار شاعری هم بسیار پرکاربرد است (مخصوصاً در تبدیل فَعْلُنْ به فَعْلُنْ) و ممکن است در تمام مصراع‌های یک شعر دیده شود.

سعدی در غزل زیر فقط در ۶ مورد از «فَعْلُنْ» استفاده کرده و در ۱۸ مصراع، طبق اختیار شاعری به جای «فَعْلُنْ»، «فَعْلُنْ» آورده است. همچنین اگر به اول هر دو مصراع دقت کنیم، با وجود اینکه اصل وزن «فَعْلَاتُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ» است ولی شاعر فقط در ۲ مصراع «فَعْلَاتُنْ» آورده است و در ۲۲ مصراع «فَاعِلَاتُنْ» آورده است.

ما گدایان خیل سلطانیم	شهر بند هوای جانانیم
بنده را نام خویش‌تن نبود	هر چه ما را لقب دهند آنیم
گر برانند و گر ببخشایند	ره به جای دگر نمی‌دانیم
چون دلارام می‌زند شمشیر	سر ببازیم و رخ نگردانیم
دوستان در هوای صحبت یار	زر فشانند و ما سر افشانیم
مر خداوند عقل و دانش را	عیب ما گو مکن که نادانیم
هر گلی نو که در جهان آید	ما به عشقش هزار دستانیم
تنگ‌چشمان نظر به میوه کنند	ما تماشاکنان بستانیم
تو به سیمای شخص می‌نگری	ما در آثار صنع حیرانیم
هر چه گفتیم جز حکایت دوست	در همه عمر، از آن پشیمانیم
سعدیا بی وجود صحبت یار	همه عالم به هیچ نستانیم
ترک جان عزیز بتوان گفت	ترک یار عزیز نتوانیم

(د) قلب:

آوردن یک هجای کوتاه و یک هجای بلند به صورت برعکس در مصراع دیگر. این اختیار دو سویه است. یعنی می‌تواند بر عکس باشد. (U – ⇔ – U)

کیست که پیغام من به شهر شروان برد یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

ک	پ	غ	م	مَن	ب	شَه	ر	شِر	وَانُ	بَ	رَد		
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U	U
س	خ	نَز	مَن	ب	دَانُ	مَر	س	خَن	دَانُ	بَ	رَد		

وزن این شعر «مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ // مُفْتَعِلُنْ فَاعِلُنْ» است. ولی شاعر طبق اختیار شاعری قلب، در مصراع اول به جای مُفْتَعِلُنْ « UU – »، مَفَاعِلُنْ « U – U – » آورده است.

این اختیار شاعری از اختیارات شاعری کم‌کاربرد است و معمولاً در مُفْتَعِلُنْ « UU – » و مَفَاعِلُنْ « U – U – » دیده می‌شود. و به جای هر کدام، دیگری را می‌توان آورد. (در اوزان رباعی نیز این اختیار شاعری پرکاربرد است.)

نکته مهم: اختلاف هجایی دو مصراع را – چه کمی و چه کیفی – زمانی با اختیارات شاعری بررسی می‌کنیم که از مراحل قبل کاملاً مطمئن باشیم. از درست خواندن، درست نوشتن (خط عروضی)، تقطیع هجایی و تقسیم به ارکان، مطمئن باشیم.

نکته: اوزان شعر فارسی به گونه‌ای است که معمولاً بیش از ۲ هجای کوتاه و بیش از ۴ هجای بلند کنار هم نمی‌آید، پس اگر غیر از این دیدیم به احتمال زیاد اختیار شاعری داریم. (البته اگر درست تقطیع کرده باشیم!)

نکته: فقط در دو سه وزن، تعداد هجای کوتاه و بلند برابر یا تقریباً برابر است. در بسیاری از اوزان نسبت هجای بلند به هجای کوتاه دو یا سه برابر است. در این اوزان احتمال اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه وجود دارد.

نکته‌ی بسیار مهم: گفتیم ممکن است در دو هجای مقابل هم، در هر دو مصراع اختیار شاعری وجود داشته باشد. ممکن است در هر دو مصراع به جای فَعْلَاتُنْ اَوَّلْ، فَاعِلَاتُنْ آمده باشد، در هر دو مصراع به جای فَعْلُنْ، فَعْلُنْ آمده باشد، در هر دو مصراع به جای هجای بلند پایان مصراع، هجای کوتاه یا کشیده آمده باشد، ممکن است در هر دو مصراع به جای مَفَاعِلُنْ، مُفْتَعِلُنْ آمده باشد (یا برعکس) و به طور کلی ممکن است در هر دو مصراع، در دو هجای رو به روی هم، به جای هجای کوتاه، هجای بلند آمده باشد (و یا برعکس). در این صورت به دلیل عدم اختلاف در دو مصراع، تشخیص وجود اختیار شاعری بسیار دشوار می‌شود، پس بهتر است علاوه بر مقایسه هجاهای روبه‌رو، به ارکان دیگر هم نظر داشته باشیم و اوزان را هم بشناسیم تا در صورت مغایرت با آن‌ها، متوجه وجود اختیار شاعری بشویم.

ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست
ببرد قیمت سرو بلند بالا را
میراد خویش دگر باره من نخواهم خواست
شماایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم
جهان و هر چه در او هست صورتند و تو جانی
تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی
دیدار یار نا متناسب جهنم است
دزدیده در شماایل خوب تو بنگریم
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد
وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
این بود وفاداری و عهد تو ندیده
از همه باز آمدیم و با تو نشستیم

سرو نباشند به اعتدال محمد
و این نه تبسم که معجزه است و کرامت
دیو چو بیرون رود فرشته درآید
چندین به مفارقت مرزجانم
بی روی تو می برد به زندانم
ز آن جمع به در بود پریشانی
آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت
دیدم که چگونه گور بهرام گرفت
ناگه برود ز تن روان پاکت
بی باده کشید بار تن نتوانم
در بند سر زلف نگاری بوده است
پس زانچه فروشد چه خواهند خرید
من می گویم که آب انگور خوش است
چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من

۹۴ - خیال روی تو در هر طریق همزه ماست
۹۵ - تو آن درخت گلی کاعتدال قامت تو
۹۶ - اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست
۹۷ - به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم
۹۸ - ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی
۹۹ - سَلِّ الْمَصْبِغِ رَكْبًا تَهِيمٌ فِي الْفُلُوتِ
۱۰۰ - یارا بهشت صحبت یاران همدم است
۱۰۱ - بگذار تا مقابل روی تو بگذریم
۱۰۲ - ای بی حس بکوش که صاحب خبر شوی
۱۰۳ - هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
۱۰۴ - دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد
۱۰۵ - بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است
۱۰۶ - تا کی به تمنای وصال تو یگانه
۱۰۷ - ای یار جفا کرده پیوند بریده
۱۰۸ - ما در خلوت به روی خلق بستیم

۱۰۹ - ماه فرو ماند از جمال محمد
۱۱۰ - این که تو داری قیامت است نه قامت
۱۱۱ - خلوت دل نیست جای صحبت اضداد
۱۱۲ - ای مرهم ریش و موسم جانم
۱۱۳ - آن کس که مرا به باغ می خواند
۱۱۴ - جمعی که تو در میان ایشانی
۱۱۵ - آن قصر که جمشید در او جام گرفت
۱۱۶ - بهرام که گور می گرفت همه عمر
۱۱۷ - ای دل چو زمانه می کند غمناکت
۱۱۸ - من بی می ناب زیستن نتوانم
۱۱۹ - این کوزه چو من عاشق زاری بوده است
۱۲۰ - من در عجم ز می فروشان کایشان
۱۲۱ - گویند کسان بهشت با حور خوش است
۱۲۲ - هست از پس پرده گفت و گوی من و تو

بیت ۹۴														خیال روی تو در هر طریق همره ماست														نسیم موی تو پیوند جان آگه ماست																
خِیَالِ رُویِ تُ دَرِ هَرِ طَرِیقِ هَمْرَه مَاسْت																																												
خ	یا	ل	رو	ی	ت	دَر	هَر	ط	رِیْق	هَم	رَ	ه	مَاسْت	خ	یا	ل	رو	ی	ت	دَر	هَر	ط	رِیْق	هَم	رَ	ه	مَاسْت	خ	یا	ل	رو	ی	ت	دَر	هَر	ط	رِیْق	هَم	رَ	ه	مَاسْت			
—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	—	U	
ن	سی	م	مو	ی	تُ	پی	وَن	دِ	جَا	نِ	آ	گَ	ه	مَاسْت	ن	سی	م	مو	ی	تُ	پی	وَن	دِ	جَا	نِ	آ	گَ	ه	مَاسْت	ن	سی	م	مو	ی	تُ	پی	وَن	دِ	جَا	نِ	آ	گَ	ه	مَاسْت
نَسِیْمِ مَویِ تُ پِیَوْنَدِ جَانِ آگَه مَاسْت																																												

بیت ۹۵														تو آن درخت گلی کاعتدال قامت تو														ببرد قیمت سرو بلند بالارا																		
تُو آنِ دَرِخْتِ گُلیِ کِاعتِدالِ قَامَتِ تُو																																														
ت	آ	د	رَخ	ت	گ	لی	کِ	ت	دا	ل	قا	م	ت	ت	ت	آ	د	رَخ	ت	گ	لی	کِ	ت	دا	ل	قا	م	ت	ت	ت	آ	د	رَخ	ت	گ	لی	کِ	ت	دا	ل	قا	م	ت	ت		
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
ب	بُر	د	قِی	م	ت	سَر	و	بُ	نَند	با	لا	را	ب	بُر	د	قِی	م	ت	سَر	و	بُ	نَند	با	لا	را	ب	بُر	د	قِی	م	ت	سَر	و	بُ	نَند	با	لا	را								
بِبُرْدِ قِیْمَتِ سَروِ بُلَندِ بَالَا رَا																																														

بیت ۹۶														اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست														اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست																	
اِگَر مَرادِ تُو ایِ دُوستِ بیِ مَرادِیِ مَاسْت																																													
ا	گر	م	را	د	ت	ای	دو	ست	بی	م	را	دی	ی	مَاسْت	ا	گر	م	را	د	ت	ای	دو	ست	بی	م	را	دی	ی	مَاسْت	ا	گر	م	را	د	ت	ای	دو	ست	بی	م	را	دی	ی	مَاسْت	
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
م	را	د	خِیش	د	گر	با	ر	مَن	ن	خا	هم	خاست	م	را	د	خِیش	د	گر	با	ر	مَن	ن	خا	هم	خاست	م	را	د	خِیش	د	گر	با	ر	مَن	ن	خا	هم	خاست							
مَرادِ خِیشِ دِگَرِ بَارِ مَن نَخاهَم خَاسْت																																													

بیت ۹۷														به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم														شمایلت بدیدم نه صبر ماندن هوشم																			
بِ هُوشِ بُوْدَم ازِ اوّلِ کِه دَل بِه کَس نَسِپارَم																																															
ب	هو	ش	بو	د	م	زَو	وَل	ک	دِل	ب	کَس	ن	س	پا	رَم	ب	هو	ش	بو	د	م	زَو	وَل	ک	دِل	ب	کَس	ن	س	پا	رَم	ب	هو	ش	بو	د	م	زَو	وَل	ک	دِل	ب	کَس	ن	س	پا	رَم
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	
ش	ما	ی	ل	ت	ب	دی	دَم	ن	صَبَر	ما	د	ن	هو	شَم	ش	ما	ی	ل	ت	ب	دی	دَم	ن	صَبَر	ما	د	ن	هو	شَم	ش	ما	ی	ل	ت	ب	دی	دَم	ن	صَبَر	ما	د	ن	هو	شَم			
شَمايِلِ تُ بَدِیدَم نَ صَبَر مَاندَن هُوشَم																																															

بیت ۹۸ ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی جهان و هر چه در او هست صورتند و تو جانی

نَدَانَمَتِ بِ حَقِیْقَتِ کِ دَرِ جَهَانَ بِ کِ مَانِی

نَ	دَا	نَ	مَت	بِ	حَ	قِ	قَت	کِ	دَر	جَ	هَآ	بِ	کِ	مَآ	نِی
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
جَ	هَآ	نَ	هَر	چَ	دَ	رَو	هَسْت	صَو	رَ	تَن	دُ	تُ	جَا	نِی	

جَهَانَ هَر چَ دَرُو هَسْت صَوْرَتَنْدُ تُو جَانِی

بیت ۹۹ سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيْمُ فِي الْفَلَوَاتِ تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی

سَلِیْلِ مَصَانِعِ رَكْبَن تَهِيْمُ فِیْلِ فَلَواتِی

سَ	لِ	مَ	صَا	نَ	عَ	رَک	بِن	تَ	هَی	مَ	فِیْلِ	فَ	لَ	وَآ	تِی
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
تُ	قَد	رِ	آ	بِ	چَ	دَا	نِی	کِ	دَر	کِ	نَا	رِ	فُ	رَا	تِی

تُو قَدْرِ آبِ چَ دَانِی کِ دَرِ کِنَارِ فُرَاتِی

بیت ۱۰۰ یارا بهشت صحبت یاران همدم است دیدار یار نامتناسب جهنم است

یَارَا بَهِشْتِ صُحْبَتِ یَارَانِ هَمْدَمَسْت

یَا	رَا	بِ	هَشْت	صُح	بَ	تِ	یَا	رَا	نَ	هَم	دَ	مَسْت	
-	-	U	-	U	U	U	-	-	U	-	U	-	
-	-	U	-	U	U	U	-	-	U	-	U	-	
دِی	دَا	رِ	یَا	رِ	نَا	مُ	تَ	نَا	سِب	جَ	هَن	نَ	مَسْت

دِیْدَارِ یَارِ نَامْتَنَاسِبِ جَهَنْمَسْت

بیت ۱۰۱ بگذار تا مقابل روی تو بگذریم دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم

بُغْدَارِ تَا مُقَابِلِ رَوِی تُو بُغْدَرِیْمُ

بُگ	ذَا	رَ	تَا	مُ	قَا	بِ	لِ	رَو	یِ	تُ	بُگ	دَ	رِیْم
-	-	U	-	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-
-	-	U	-	U	U	U	U	-	U	U	-	U	-
دُز	دِی	دِ	دَر	شَ	مَآ	یِ	لِ	خَو	بِ	تُ	بِن	گَ	رِیْم

دُزْدِیْدِ دَرِ شَمَائِلِ خُوبِ تُو بِنَغْرِیْمُ

بیت ۱۰۲													ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی		تا راهرو نباشی کی راهبر شوی	
ای بی خبر بکوش کِ صاحبِ خَبرِ شوی																
ای	بی	خَ	بَر	بِ	کو	ش	کِ	صا	حِب	خَ	بَر	شَ	وی			
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
						*	*									
—	—	U	—	U	—	—	—	—	—	U	—	U	—	—		
تا	را	ه	رُو	نَ	با	شی	کی	را	ه	بَر	شَ	وی				
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی																

بیت ۱۰۳													هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق		ثبت است بر جریده عالم دوام ما	
هَرگِزِ نَمیرَدانِ کِ دِلشِ زَنَدِ شُدِ بِ عِشَق																
هَر	گِز	نَ	مِی	رَ	دَا	کِ	دِ	لِش	زِن	دِ	شُد	بِ	عِشَق			
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
ثَب	تَسْت	بَر	جَ	رِی	دِ	یِ	عَا	لَم	دَ	وَا	مِ	مَا				
ثَبْتَسْتِ بَرِ جَرِیدِیِ عَالَمِ دَوَامِ مَا																

بیت ۱۰۴													دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد		یاد حریف شهر و رفیق سفر نکرد	
دَلبَرِ بَرَفَتُ دِلشُدِگارانِ خَبرِ نَکَرَد																
دِل	بَر	بِ	رَف	تُ	دِل	شَ	دِ	گَا	رَا	خَ	بَر	نَ	کَرَد			
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
								*								
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
یا	دِ	حَ	رِی	فِ	شَهِ	رُ	رَ	فِی	قِ	سَ	فَر	نَ	کَرَد			
یادِ حَرِیفِ شَهِرِ رَفِیقِ سَفَرِ نَکَرَد																

بیت ۱۰۵													بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است		وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است	
بِی مَهِرِ رَخْتِ رُوزِ مَرا نَورِ نَمانَدَسْت																
بِی	مِهِ	رِ	رُ	خَت	رُ	زِ	مَ	رَا	نُ	رَ	نَ	مَا	دَسْت			
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	—	U	—	—		
وَز	عُمَر	مَ	رَا	جُز	شَ	بِ	دِی	جُ	رَ	نَ	مَا	دَسْت				
وَزِ عُمَرِ مَرا جُزِ شَبِ دِیجُورِ نَمانَدَسْت																

بیت ۱۰۶													تا کی به تمنای وصال تو یگانه		اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه	
تا کی ب تمنای وصال تو یگان																
تا	کی	ب	ت	مَن	نا	ی	و	صا	ل	ت	ی	گا	ن			
—	—	U	U	—	—	U	U	—	U	U	—	—	—	—		
									*							
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—		
آش	گم	ش	و	دز	هر	م	ژ	چُن	سِیل	ر	وا	ن				
آشکم شودز هر مژ چُن سیل روان																

بیت ۱۰۷													ای یار جفا کرده پیوند بریده		این بود وفاداری و عهد تو ندیده	
ای یار جفا کردی پیوند برید																
ای	یا	ر	ج	فا	گر	د	ی	پی	وَنَد	ب	ری	د				
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—		
									*							
—	—	U	U	U	—	U	—	—	—	U	U	—	—	—		
ای	بو	د	و	فا	دا	ری	ی	عه	د	ت	ن	دی	د			
ای بود وفاداری ی عهدت ندید																

بیت ۱۰۸													مادر خلوت به روی خلق بستیم		از همه باز آمدیم و با تو نشستیم	
ما در خلوت ب روی خلق بستیم																
ما	د	ر	خَل	وَت	ب	رو	ی	خَلق	ب	بَس	تیم					
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—	—	—		
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	—	—	—	—	—		
از	ه	م	با	زا	م	دی	م	با	ت	ن	شس	تیم				
از هم باز آمدیم با تو نشستیم																

بیت ۱۰۹													ماه فرو مانند از جمال محمد		سرو نباشد به اعتدال محمد	
ماه فرو مانند از جمال محمد																
ما	ه	ف	رو	ما	ن	دز	ج	ما	ل	م	حَم	مَد				
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	—	—		
—	U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	—	—		
سَر	و	ن	با	شد	ب	اع	ت	دا	ل	م	حَم	مَد				
سرو نباشد به اعتدال محمد																

بیت ۱۱۰												
این که تو داری قیامت است نه قامت												
و این نه تبسم که معجزه است و کرامت												
این ک ت داری قیامت است ن قامت												
مَت	قا	نَ	تَسْت		مُ	یا	قِ	ری	دا	تُ	کِ	ای
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
مَت	را	کَ	تُ	زَس	ج	مُع	کِ	سُم	بَس	تَ	نَ	وی
وین ن تبسسُم ک معجزست کرامت												

بیت ۱۱۱												
خلوت دل نیست جای صحبت اضداد												
دیو چو بیرون رود فرشته درآید												
خلوت دل نیست جای صحبت اضداد												
داد	أضد	ت	بَ	صَح	ی	جا	نیست		دِل	ت	وَ	خَل
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U	U	—
یَد	را	دَ	ت	رِش	ف	وَد	رَ	رو	بِی	چُ	دیو	
دیو چ بیرون رود فرشت درآید												

بیت ۱۱۲												
ای مرهم ریش و مونس جانم												
چندین به مفارقت مرجانم												
ای مرهم ریش مونس جانم												
نَم	جا	سِ	نَ	مُو	شُ	ری	م	هَ	مَر	ای		
—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—		
—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—		
نَم	جا	رَن	مَ	قَت	رِ	فا	مُ	بِ	دی	چَن		
چندین ب مفارقت مرجانم												

بیت ۱۱۳												
آن کس که مرا به باغ می خواند												
بی روح تو می برد به زندانم												
آن کس ک مرا ب باغ می خاند												
نَد	خا	می	غ	با	بِ	را	مَ	کِ	کَس	آ		
—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—		
—	—	—	U	—	U	—	U	U	—	—		
نَم	دا	زِن	بِ	رَد	بَ	می	تُ	ی	رو	بی		
بی روی ت می برد ب زندانم												

بیت ۱۱۴ جمعی که تو در میان ایشان ز آن جمع به در بود پریشانی										
جمعی ک ت در میان ایشان										
جَم	عی	ک	ت	دَر	م	یا	ن	ای	شا	نی
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
زا	جَمَع		ب	دَر	بَ	وَد	پَ	ری	شا	نی
زا جَمَع ب در بُود پریشانی										

بیت ۱۱۵ آن قصر که جمشید در او جام گرفت آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت										
آن قصر ک جمشید درو جام گرفت										
آ	قَصْر	ک	جَم	شید	د	رو	جا	م	گ	رِفَت
—	—	U	—	—	U	—	—	U	U	—
—	—	U	—	—	U	—	—	U	U	—
آ	هو	بَ	چ	کَر	دُ	رو	بَ	ها	را	م
آهو بچ کرد رو به آرام گرفت										

بیت ۱۱۶ بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت										
بهرام ک گور می گرفت می هم عمر										
بَهرام	را	م	ک	گو	ر	می	گ	رِف	تی	هَ
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	U
دی	دی	ک	چ	گو	ن	گو	ر	بَهرام	را	م
دیدید ک چگون گور بهرام گرفت										

بیت ۱۱۷ ای دل چو زمانه می کند غمناکت ناگه برود ز تن روان پاکت										
ای دل چ زَمَان می کُند غَمناکَت										
ای	دِل	چُ	زَ	ما	ن	می	کُ	نَد	غَم	نا
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
نا	گَهر	ب	رَ	وَد	ز	نَن	رَ	وا	ن	پا
ناگه برود ز تن روان پاکت										

بیت ۱۱۸										
من بی می ناب زیستن نتوانم										
مَن بی می ناب زیستن نتوانم										
مَن	بی	م	ی	نا	ب	زیس	تَن	نَت	وا	نَم
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	—
بی	با	د	ک	شی	د	با	ر	نَت	وا	نَم
بی باد کشید بار تن نتوانم										

بیت ۱۱۹											
این کوزه چو من عاشق زاری بوده است											
این کوز چُ مَن عاشقِ زاری بودست											
ای	کو	ز	چُ	مَن	عا	ش	ق	زا	ری	بو	دست
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
—	—	U	U	*	—	U	U	—	—	—	—
دَر	بَن	د	س	ر	زُل	ف	ن	گا	ری	بو	دست
دَر بَنَدِ سَرِ زُلْفِ نِگاری بودست											

بیت ۱۲۰											
من در عجبم ز می فروشان کایشان											
مَن دَر عَجَبَم زِ مِی فُروشان کِیشان											
مَن	دَر	ع	ج	بم	ز	می	ف	رو	شان	کی	شان
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	—	—
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	*	*
بِه	زا	چ	ف	رو	شَنَد	چ	خا	هَنَد	خ	رید	
بِه زان چِ فُروشان چِ خاهند خَرید											

بیت ۱۲۱											
گویند کسان بهشت با حور خوش است											
گویند کسا بهشت با حور خُشست											
گو	یَنَد	ک	سا	ب	هشت	با	حو	ر	خ	شست	
—	—	U	—	U	—	U	—	U	U	—	—
—	—	*	*	—	—	U	—	U	—	—	—
مَن	می	گو	یم	ک	آ	ب	آن	گو	ر	خ	شست
مَن می گویم کِ آبِ اَنگور خُشست											

بیت ۱۲۲ هست از پس پرده گفت و گوی من و تو چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من												
هَسْتَزِ پَسِ پَرِدِ گُفْتُ گَوِی مَن تْ												
هَسْ	تَزْ	پَـ	سِـ	پَرِـ	دِـ	گُفْـ	تْـ	گَوِـ	یِـ	مَـ	نْـ	تْـ
—	—	U	U	—	U	—	U	—	U	U	U	—
					*	*	*		*			
—	—	U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
چُنْ	پَرِـ	دِـ	بَـ	رُفِـ	تَدِـ	نَـ	تْـ	مَـ	نِـ	یِـ	نْـ	مَنْـ
چُنْ پَرِدِ بَرْفَتَدَنْ تْ مَانِیْ نَ مَنْ												

۶۳- در مصراع اول ابیات همهی گزینه‌ها، به جز بیت گزینه‌ی، اختیار شاعری بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه به کار رفته است

- (۱) رفت خدام وان جوان را پیش برد
- (۲) آن جوان آن جا چوننگ خویش دید
- (۳) می‌ندانست آن گدای بی‌قرار
- (۴) چون درآمد آن جوان بی‌قرار

- سوی گورش هم به پای خویش برد
- زلف او در دست و او را پیش دید
- تا کدامین چیز بیند آن نگار
- مجلسی می‌دید الحق چون نگار

۶۴- در کدام بیت تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه، رخ نداده است؟

- (۱) برق وی از وادی موسی بجست
- (۲) موسی طسور عشقم در وادی تمنا
- (۳) فرعون وار لاف اناالحق همی‌زنی
- (۴) بدید آن چه موسی بجست و ندید

- لمعه‌ی نور آمد از آنش به دست
- مجروح «کن ترانی» چون خود هزار دارم
- و آنگاه قرب موسی عمرانت آرزوست
- شنید آن چه موسی چنان کم شنید

۶۵- در کدام بیت از هیچ تغییر کمیت مصوتی استفاده نشده است؟

- (۱) ناچار هر که صاحب روی نکو بود
- (۲) فروغ رویت اندازی سوی خاک
- (۳) الا یا ایها السّاقی ادر کأساً و ناولها
- (۴) دیشب گله زلفش با باد همی‌گفتم

- هر جا که بگذرد همه چشمی در او بود
- عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک
- که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها
- گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

۶۶- در همه ابیات به استثنای بیت اختیار شاعری زبانی «تبدیل مصوت بلند به مصوت کوتاه» صورت گرفته است.

- (۱) بگذار اگر این بار سر از خاک برآرم
- (۲) از حاصل عمر به هدر رفته‌ام ای دوست
- (۳) ای کشتی جان حوصله کن می‌رسد آن روز
- (۴) در سینه‌ام آویخته دستی قفسی را

- بر شانه تنهایی خود سر بگذارم
- ناراضی‌ام، اما گله‌ای از تو ندارم
- روزی که تو را نیز به دریا بسپارم
- تا حبس نفس‌های خودم را بشمارم

۶۷- در کدام گزینه هیچ یک از اختیارات شاعری زبانی وجود ندارد؟

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱) یاد ایامی که در گلشن فغانی داشتم | ۲) آتشم بر جان ولی از شکوه لب، خاموش بود |
| ۳) گرد آن شمع طرب می سوختم پروانه وار | ۴) چون سرشک شوق بودم خاک بوس در گهی |
| در میان لاله و گل آشیانی داشتم | عشق را از اشک حسرت ترجمانی داشتم |
| پای آن سرو روان اشک روانی داشتم | چون غبار از شکر، سر بر آستانی داشتم |

۶۸- نوع اختیار زبانی به کار رفته در بیت متفاوت است.

- | | |
|-------------------------------|------------------------------|
| ۱) قافله شب چه شنیدی ز صبـح | ۲) گو رمقی بیش نماند از ضعیف |
| ۳) بر سر خشم است هنوز آن حریف | ۴) هر سحر از عشق دمی می زنم |
| مـرغ سلیمان چه خبر از سبـا؟ | چند کند صـورت بی جان بقـا؟ |
| یا سخنی می رود انـدر رضـا؟ | روز دگر می شنوم بر ملا |

۶۹- اختیارات زبانی «حذف همزه، تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند و تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه» تماماً در همه گزینه‌ها وجود دارد؛ به جز.....

- | | |
|---|--|
| ۱) گویی اندر کشور ما بر نمی خیزد وفا | ۲) من و باد صبا مسکین دو سرگردان بی حاصل |
| ۳) بیا ای ساقی گلرخ بیاور باده رنگین | ۴) الحق سزا گزیدی و حقاً که در خور است |
| یا خود اندر هفت کشور هیچ جایی برنخاست | من از افسون چشمت مست و او از بوی گیسویت |
| که فکری در درون ما از این بهتر نمی گیرد | پیش مسیح مائده و پیش خر گیا |

۷۰- دقیقاً در رکن دوم کدام یک از بیت‌های زیر، اختیار وزنی ابدال به کار رفته است؟

- | | |
|------------------------------|------------------------------------|
| ۱) هر چه داری اگر به عشق دهی | ۲) شرمنده شد از باد سحر گلبن عریان |
| ۳) آمد نوروز هم از بامداد | ۴) نماند تیری در ترکش قضا که فلک |
| کافر مگر جوی زیان بینی | وز آب روان شرمش بر بود روانیش |
| آمدنش فرخ و فرخنده باد | سوی دلم به سر انگشت امتحان نگشود |

۷۱- اختیارات شاعری مقابل کدام بیت درست آمده است؟

- | | |
|----------------------------------|------------------------------------|
| ۱) چرا به عالم اصلی خویش وا نروم | ۲) در کوی خرابات مرا عشق کشان کرد |
| ۳) همه نسیرین و ارغوان و گلست | ۴) بوی سلام یار من لخلخه‌ی بهار من |
| دل از کجا و تماشای خاکدان ز کجا | آن دلبر عیار مرا دید نشان کرد |
| بر زمین شاهراه کشور ما | باغ و گل و ثمار من آرد سوی جان صبا |
- ۱- (حذف همزه - ابدال)
۲- (تغییر کمیت مصوت - بلند بودن هجای پایان مصراع)
۳- (بلند بودن هجای پایانی - آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن)
۴- (قلب - تغییر کمیت مصوت)

۷۲- در کدام یک از گزینه‌های زیر اختیار شاعری قلب صورت گرفته است؟

- | | |
|---------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) گفت که خاقانیا روی تو زرفام نیست | ۲) ز شرم عشق خموشم کجاست گریه شوق؟ |
| ۳) سینه خاقانی و غم تا نزنند ز وصل دم | ۴) درون آتش از آنم که آتشین گل من |
| گفتم معذور دار زر ننماید به شب | که با تو شرح دهد مشکلی که من دارم |
| دعوی عشق و وصل هم تا ز سگان کیست او | مرا چو پاره دل در کنار باید و نیست |

۷۳- در کدام یک از بیت‌های زیر دو نوع اختیار وزنی وجود دارد؟

- | | |
|------------------------------------|-------------|
| الف) بد کردم که به جای تو جفا کردم | (۱) الف - پ |
| ب) خلق را چرخ فروبیخت نمی‌بینی | (۲) ب - ت |
| پ) به لگد کرد دوصد پاره میان‌هاشان | (۳) الف - ت |
| ت) روز با باده و با ناله و تسبیحی | (۴) ت - ث |

۷۴- هر سه اختیار شاعری «آوردن فاعلاتن به جای فَعَلَاتُن» ، «ابدال» و «تغییر کمیت مصوت» در همه ابیات به جز گزینه آمده است.

- | | |
|--|-------------------------------------|
| (۱) روی اگر باز کند حلقه سیمین در گوش | همه گویند که این ماهی و آن پروینست |
| (۲) سر مویی نظر آخر به گرم با ما کن | ای که در هر بن موییت دل مسکینست |
| (۳) گر منش دوست ندارم همه کس دارد دوست | تا چه ویسی است که در هر طرف رامینست |
| (۴) جز به دیدار توام دیده نمی‌باشد باز | گویی از مهر تو با هر که جهانم کینست |

۷۵- تمام اختیارات بیت زیر در کدام گزینه به درستی ذکر شده است؟

«درد ای پدر و مادرم از من بدروم که شدم فانی و در دام فنا بید همه»

- (۱) آوردن فاعلاتن به جای فَعَلَاتُن - ابدال - بلند بودن هجای پایانی
- (۲) آوردن فاعلاتن به جای فَعَلَاتُن - حذف همزه - تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند
- (۳) حذف همزه - تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه - ابدال
- (۴) تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند و بلند به کوتاه - حذف همزه - بلند بودن هجای پایانی

۷۶- در کدام بیت اختیار وزنی قلب وجود دارد؟

- | | |
|--|--------------------------------|
| (۱) گریه گر سوی مژه راه نیابد مژه را | ره سوی گریه کز نیست گذر بگشاید |
| (۲) گوهر ذوالفقار او گر نه علی است چون کند | بیشه‌ستان رزم را آتشی و غضنفری |
| (۳) هنوز گویندگان هستند اندر عراق | که قوت ناطقه مدد از ایشان برد |
| (۴) منم و راه و رسم تازه گل | تا گشایم زبان آتش دل |

فصل نهم: نام‌گذاری اوزان

در نظام قدیم، نام‌گذاری اوزان شعر از مباحث مهم و سخت کنکور بود. با وجود این‌که در قسمت پاورقی کتاب آمده بود و تأکید کرده بودند که از آن سؤال طرح نمی‌شود، هر ساله ۲ سؤال کنکور و ۲ نمره امتحان نهایی به این مبحث اختصاص داده می‌شد. در کتاب‌های جدید هم به صورت بسیار مختصری به آن اشاره شده است و در تنها کنکور سراسری و در چند امتحان نهایی که از این کتاب طرح گردید، سؤالات بسیار آسانی مطرح شد. با این وجود ممکن است این آسان‌بودن سؤالات فقط مختص همین سال اول بوده باشد. برای جلوگیری از نوشتن مطالب غیر ضروری، من نیز در حد کتاب و امتحان نهایی و تنها کنکور برگزار شده‌ی آن و در حد همان اوزان همسان — که کتاب درسی نام آن‌ها را آورده است — به این مبحث می‌پردازم.

واحد شعر فارسی مصراع است **ولی برای نامگذاری، «بیت» واحد و ملاک نامگذاری است.** هر مصراع شعر فارسی ۲، ۳ یا ۴ رکن دارد. در نتیجه هر بیت ۴، ۶ یا ۸ رکن می‌شود.

شعر فارسی چهار رکن اصلی دارد: **فاعلاتن (رَمَل)**، **مفاعیلن (هَزَج)**، **مُسْتَفْعِلن (رَجَز)** و **فَعولن (مُتَقَارِب)** اگر در یک بیت ۸ رکن **سالم** باشد، وزن آن شعر به این صورت است: **بَحْر مَثْمَن سالم**
اگر در یک بیت ۶ رکن **سالم** باشد، وزن آن شعر به این صورت است: **بَحْر مُسَدَس سالم**
و به ندرت اگر در یک بیت ۴ رکن **سالم** باشد، وزن آن شعر به این صورت است: **بَحْر مَرَبَع سالم**
در قسمت جای خالی نام رکنی را می‌آوریم که در شعر آمده است.

به نام اوزان زیر دقت کنید:

هر که چیزِ دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد	هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت بر ندارد
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن: بحر رَمَل مَثْمَن سالم	
ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود	وان دل که با خود داشتیم با دلستانم می‌رود
مُسْتَفْعِلن مُسْتَفْعِلن مُسْتَفْعِلن مُسْتَفْعِلن: بحر رَجَز مَثْمَن سالم	
بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم	فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: بحر هَزَج مَثْمَن سالم	
دل من همی داد گفستی گواهی	که باشد مرا روزی از تو جدایی
فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن: بحر مُتَقَارِب مَثْمَن سالم	

توجه: همان‌طور که پیش از این خواندیم، ممکن است یک هجا از رکن پایانی حذف شده باشد. در این صورت به جای سالم، **مَحذوف** می‌نویسیم.

شعر زیر از چهار بار «فاعلاتن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» درآمده است، لذا نام آن «**بحر رَمَل مَثْمَن مَحذوف**» است.

بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت
شعر زیر نیز از چهار بار «فَعولن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «**فَعولن فَعولن فَعولن فَعَل**» درآمده است و نام آن «**بحر مُتَقَارِب مَثْمَن مَحذوف**» است.

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
شعر زیر از سه بار «مفاعیلن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «مفاعیلن مفاعیلن مفاعی» در آمده است و چون «مفاعی» با «فَعولن» هم‌وزن است، از «فَعولن» استفاده می‌کنیم که به گوش‌آشناتر است. لذا وزن بیت زیر «**مفاعیلن مفاعیلن فَعولن**» می‌باشد و نام آن «**بحر هَزَج مُسَدَس مَحذوف**» است.

به دریا بنگرم دریا تو بینم به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

شعر زیر از سه بار «فاعلاتن» ساخته شده است ولی از رکن پایانی آن یک هجا حذف شده است و به صورت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» در آمده است و نام آن «بحر رمل مُسَدَّس مَحذوف» است.

خوش‌تر آن باشد که سِرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران

نکته: با توجه به درس‌نامه بسیار مختصر کتاب و با توجه به اوزان محدود کتاب، قاعدتاً نباید وزنی غیر از این ۸ وزن فوق در کنکور بیاید. در ذیل این ۸ وزن را با دسته‌بندی متفاوت مشاهده می‌فرمائید.

۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	بحر رمل مَثْمَن سالم
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	بحر رمل مَثْمَن مَحذوف
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	بحر رمل مُسَدَّس مَحذوف
۴	مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ	بحر رَجَز مَثْمَن سالم
۵	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ	بحر هَزَج مَثْمَن سالم
۶	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ	بحر هَزَج مُسَدَّس مَحذوف
۷	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ	بحر مُتْقَارِب مَثْمَن سالم
۸	فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعَلْ	بحر مُتْقَارِب مَثْمَن مَحذوف

آموزش نام‌گذاری اوزان به روش دیگر

۱- با توجه به این که واحد نام‌گذاری شعر فارسی، به تبعیت از عروض عربی «بیت» است، تعداد ارکان یک مصراع را می‌شماریم و آن را ضرب در ۲ می‌کنیم و با توجه به اینکه کمترین مصراع ۲ رکن و بیشترین مصراع ۴ رکن دارد، تعداد ارکان یک بیت ۴ (مربع)، ۶ (مُسَدَّس) یا ۸ (مَثْمَن) می‌باشد.

۲- با توجه به درس‌نامه کتاب، نام اوزانی را از شما می‌خواهند که در یک بحر سروده شده باشد. یعنی ابیاتی که وزن همسان دارند. و ارکان آن‌ها یکی از چهار رکن اصلی است.

فاعلاتن: رَمَل
مُسْتَفْعِلُنْ: رَجَز
مَفَاعِلُنْ: هَزَج
فَعُولُنْ: مُتْقَارِب

۳- اگر رکن پایانی مصراع به همین صورت باشد از لفظ «سالم» در پایان نام وزن استفاده می‌شود.

۴- اگر ارکان پایانی مصراع‌ها یک هجا کمتر از رکن اصلی داشت و به صورت مَحذوف بود، در پایان نام وزن از واژه «مَحذوف» استفاده می‌شود.

فاعلاتن ← فاعلن (مَحذوف) — U — ← — U —
مَفَاعِلُنْ ← فَعُولُنْ (مَحذوف) — — U ← — — U
فَعُولُنْ ← فَعَلْ (مَحذوف) — U ← — — U

توجه: مُسْتَفْعِلُنْ رُکن مَحذوف ندارد.

نام‌گذاری مفصل‌تر و حرفه‌ای‌تر (برای مطالعه، این قسمت در کنکور نمی‌آید)

کتاب درسی به نام‌گذاری اوزانی پرداخته است که یا کاملاً از ارکان اصلی هستند (سالم) و یا فقط در رکن پایانی یک هجا حذف شده است (مَحذوف). اما شعر فارسی اوزانی دارد که از ارکانی غیر از ارکان اصلی یا مَحذوف آن‌ها ساخته شده‌اند. به وزن مصراع‌هایی که در ادامه می‌آیند، دقت کنید:

۱	کجا دانند حال ما سبک‌باران ساحل‌ها	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۲	الهی سینه‌ای ده آتش افروز	مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۳	ای نام تو بهترین سرآغاز	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۴	شخصی به هزار غم گرفتارم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
۵	تا کی به تمنای وصال تو یگانه	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعُولُنْ
۶	ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَع
۷	ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم	مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعْل

برای نام‌گذاری اوزانی که جزء اوزان همسان نیستند و ارکان مختلفی در آن‌ها به کار رفته است، باید نام هر رکن را بدانیم. چهار رکن فاعِلَاتُنْ (رَمَلْ)، مَفَاعِلُنْ (هَزَجْ)، مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزْ) و فَعُولُنْ (مُتَقَارِبْ)، ارکان اصلی شعر فارسی هستند. با تغییر در هجاهای آن‌ها ارکان دیگری حاصل می‌شود که هر کدام نام مخصوصی دارند.

←	اگر هجای پایانی را حذف کنیم. U — — (فَعُولُنْ)	U — — —
←	اگر هجای پایانی را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. U — — U (مَفَاعِلُنْ)	U — — —
←	اگر هجای سوم را به هجای کوتاه تبدیل کنیم. U — U (مَفَاعِلُنْ)	U — — —
←	اگر هجای اول را حذف کنیم و هجای پایانی را کوتاه کنیم. U — — (مَفْعُولُ)	U — — —
←	اگر دو هجای پایانی را حذف کنیم. U — (فَعْل)	U — — —
←	اگر هجای اول و دو هجای آخر را حذف کنیم. — (فَع)	U — — —

به این رکن‌های حاصل شده از هَزَجْ، «زحافات هَزَجْ» می‌گویند و هر کدام نامی دارند.

ارکان اصلی «فاعلاتن، مُسْتَفْعِلُنْ و فَعُولُنْ» نیز زحافات دارند که در جدول زیر مشاهده می‌فرمائید.

زحافات مَفَاعِلُنْ	زحافات فاعِلَاتُنْ	زحافات مُسْتَفْعِلُنْ	زحافات فَعُولُنْ
U — — — مَفَاعِلُنْ: هَزَجْ	U — — فاعِلَاتُنْ: رَمَلْ	U — — مُسْتَفْعِلُنْ: رَجَزْ	U — — فَعُولُنْ: مُتَقَارِبْ
U — — فَعُولُنْ: مَحذوف	U — فاعِلُنْ: مَحذوف	U U — مُفْتَعِلُنْ: مَطْوِيّ	U — فَعْل: مَحذوف
U — — مَفَاعِلُنْ: مَكْفُوف	U — فاعِلَاتُنْ: مَكْفُوف	U — مَفَاعِلُنْ: مَخْبُون	— فَعْلُنْ: أَتْلَمْ
U — مَفَاعِلُنْ: مَقْبُوض	U — فَعْلَاتُنْ: مَخْبُون	— مَفْعُولُنْ: مَقْطُوع	
U — مَفْعُولُ: أَخْرَبْ	U — فَعْلَاتُنْ: مَشْكُول		
— مَفْعُولُنْ: أَخْرَمْ	U — فَعِلُنْ: مَخْبُونِ مَحذوف		
U — فَعْل: مَجْبُوب	— فَع: مَنحُور		
— فَع: أَبْتَرْ			

- در نام‌گذاری اشعاری که از این زحافات در آن‌ها استفاده شده است، به روش زیر عمل می‌کنیم.
- ۱- ابتدا رکن اصلی مصراع را تشخیص می‌دهیم. (ارکان اصلی: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن و فعولن)
 - ۲- تعداد رکن هر بیت (مربع، مسدس و مثنی)
 - ۳- آوردن نام زحافات به ترتیب (بدون تکرار)

اوزانی که از رکن مفاعیلن و زحافات آن حاصل می‌شود:

۱	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	بهر هزج مثنی سالم
۲	مفاعیلن مفاعیلن فعولن	بهر هزج مسدس محذوف
۳	مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	بهر هزج مثنی آخرب مکفوف محذوف
۴	مفعول مفاعیلن فعولن	بهر هزج مسدس آخرب مقبوض محذوف
۵	مفعول مفاعیل مفاعیلن فع	بهر هزج مثنی آخرب مکفوف ابتر
۶	مفعول مفاعیل مفاعیلن فعل	بهر هزج مثنی آخرب مکفوف محبوب

اوزانی که از رکن فاعلاتن و زحافات آن حاصل می‌شود:

۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	بهر رمل مثنی سالم
۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	بهر رمل مثنی محذوف
۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	بهر رمل مسدس محذوف
۴	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن	بهر رمل مثنی مخبون
۵	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	بهر رمل مثنی مخبون محذوف
۶	فعلاتن فعلاتن فعلن	بهر رمل مسدس مخبون محذوف
۷	فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن	بهر رمل مثنی مشکول

توجه: نام رکن «فعلن»، «مخبون محذوف» است. در موارد فوق چون برای رکن «فعلاتن»، «مخبون» را نوشته بودیم، برای «فعلن»، فقط «محذوف» را می‌نویسیم.

اوزانی که از رکن مستفعلن و زحافات آن حاصل می‌شود:

۱	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	بهر رجز مثنی سالم
۲	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن	بهر رجز مثنی مطوی
۳	مفتعلن مفاعیلن مفتعلن مفاعیلن	بهر رجز مثنی مطوی مخبون

اوزانی که از رکن فعولن و زحافات آن حاصل می‌شود:

۱	فعولن فعولن فعولن فعولن	بهر متقارب مثنی سالم
۲	فعولن فعولن فعولن فعل	بهر متقارب مثنی محذوف
۳	فعلن فعولن فعولن فعولن	بهر متقارب مثنی ائلم

رُکن مَفْعولاتُ (— — U) نیز از ارکان اصلی است و در یکی دو وزن از زحافات آن استفاده شده است.

— U — U — فاعلات: مطوی

— U — فاعلن: مطوی مکشوف

— فَع: منجور

اکنون که زحافات ارکان اصلی را آموختیم، تا این جا می‌توانیم اوزان را در سه دسته جای بدهیم.

۱- اوزانی که فقط از ارکان اصلی هستند.

۲- اوزانی که از ارکان اصلی و یک رکن محذوف آن هستند.

۳- اوزانی که از ترکیبات زحافات یک رکن هستند.

اکنون به وزن مصراع‌های زیر دقت کنید:

مَفْعولُ فاعِلاتُ مَفاعِلُ فاعِلن	ما بی‌غمانِ مستِ دل از دست داده‌ایم	۱
مَفْعولُ فاعِلاتُ مَفاعِلن	دیوانگان نه‌ایم که مستانیم	۲
مَفْعولُ فاعِلاتن مَفْعولُ فاعِلاتن	با دوستانِ مروت با دشمنانِ مدارا	۳
فَعلاتن مَفاعِلن فَعلن	ما گدایان خیلِ سلطانیم	۴
مَفاعِلن فَعلاتن مَفاعِلن فَعلاتن	چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید	۵
مَفاعِلن فَعلاتن مَفاعِلن فَعلن	بیا بیا که مرا با تو ماجرابی هست	۶
مُفْتَعِلن فاعِلاتُ مُفْتَعِلن فَع	عشق محمد بس است و آل محمد	۷
مُفْتَعِلن فاعِلن مُفْتَعِلن فاعِلن	زاهد خلوت نشین، دوش به میخانه شد	۸
مُفْتَعِلن مُفْتَعِلن فاعِلن	قصه عشقم همه عالم گرفت	۹

با کمی دقت در این اوزان درمی‌یابیم که این اوزان در سه دسته فوق جای ندارند و این‌ها اوزانی هستند که از زحافات

۲ رکن اصلی حاصل شده‌اند. مثلاً «مَفْعولُ فاعِلاتُ مَفاعِلن» هم از زحافات «مَفاعِلن» دارد و هم از زحافات

«فاعِلاتن». برای نام‌گذاری این اوزان باید نام ترکیب حاصله از دو رکن را بدانیم. در اوزان خوش‌آوا و معروف این

رکن‌ها با هم ترکیب شده‌اند.

۱- مَفاعِلن + فاعِلاتن: مُضارع

۲- مُسْتَفَعِلن + فاعِلاتن: مُجْتث

۳- مُسْتَفَعِلن مُسْتَفَعِلن مَفْعولاتُ: سَرِیع

۴- فاعِلاتن مُسْتَفَعِلن فاعِلاتن: خَفِیف

۵- مُسْتَفَعِلن مَفْعولاتُ: مُنْسَرِح

۶- فاعِلاتن مُسْتَفَعِلن: غَرِیب

اوزان ترکیبی در شش دسته فوق جای دارند. برای نام‌گذاری آن‌ها به مانند قبل عمل می‌کنیم ولی به جای استفاده از «رمل، هزج، رجز و متقارب» از شش اصطلاح فوق استفاده می‌کنیم.

۱	مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَفَاعِيلُ فَاعِلِينَ	بَحْرُ مُضَارِعٍ مُثَمَّنٍ أَخْرَبَ مَكْفُوفٍ مَحْذُوفٍ
۲	مَفْعُولُ فَاعِلَاتٍ مَفَاعِيلِينَ	بَحْرُ مُضَارِعٍ مُثَمَّنٍ أَخْرَبَ مَكْفُوفٍ
۳	مَفْعُولُ فَاعِلَاتِنِ مَفْعُولُ فَاعِلَاتِنِ	بَحْرُ مُضَارِعٍ مُثَمَّنٍ أَخْرَبَ
۴	مَفَاعِلِينَ فَعَلَاتِنِ مَفَاعِلِينَ فَعَلَاتِنِ	بَحْرُ مُجْتَثٍ مُثَمَّنٍ مَخْبُونِ
۵	مَفَاعِلِينَ فَعَلَاتِنِ مَفَاعِلِينَ فَعِلِينَ	بَحْرُ مُجْتَثٍ مُثَمَّنٍ مَخْبُونِ مَحْذُوفٍ
۶	مُفْتَعِلِينَ فَاعِلِينَ مُفْتَعِلِينَ فَاعِلِينَ	بَحْرُ مُنْسَرِحٍ مُثَمَّنٍ مَطْوِيٍّ مَكْشُوفٍ
۷	مُفْتَعِلِينَ فَاعِلَاتٍ مُفْتَعِلِينَ فَعِ	بَحْرُ مُنْسَرِحٍ مُثَمَّنٍ مَطْوِيٍّ مَنَحُورٍ
۸	فَعَلَاتِنِ مَفَاعِلِينَ فَعِلِينَ	بَحْرُ خَفِيفٍ مُسَدَّسٍ مَخْبُونِ مَحْذُوفٍ
۹	مُفْتَعِلِينَ مُفْتَعِلِينَ فَاعِلِينَ	بَحْرُ سَرِيعٍ مُسَدَّسٍ مَطْوِيٍّ مَكْشُوفٍ

توجه: در مورد «فاعِلین»، «مطوی مکشوف» است.

اکنون پس از یادگیری اوزان ترکیبی، در می‌یابیم که انواع اوزان چهار دسته‌اند:

- ۱- اوزانی که فقط از ارکان اصلی هستند.
- ۲- اوزانی که از ارکان اصلی و یک رکن محذوف آن هستند.
- ۳- اوزانی که از ترکیبات زحافات یک رکن هستند.
- ۴- اوزانی که از ۲ رکن اصلی یا زحافات آن‌ها حاصل شده‌اند.

توجه: این اصطلاحات، حاصل اتفاقی است که بر سر هر یک از ارکان اعمال می‌شود.

۱	حذف	حذف هجای آخر از رکن‌های فاعِلَاتِنِ، مَفَاعِيلِينَ، فَعُولِينَ	مَحْذُوفٍ
۲	خَبِن	تبدیل هجای بلند اول به هجای کوتاه از ارکان فاعِلَاتِنِ و مُسْتَفْعِلِينَ	مَخْبُونِ
۳	کَفّ	تبدیل هجای بلند آخر به هجای کوتاه در ارکان فاعِلَاتِنِ و مَفَاعِيلِينَ و مُسْتَفْعِلِينَ	مَكْفُوفٍ
۴	شکل	اعمال خَبِن و کَفّ در یک رکن	مَشْکُولِ
۵	خَرَب	تبدیل مَفَاعِيلِينَ به مَفْعُولُ	أَخْرَبَ
۶	جَبّ	تبدیل مَفَاعِيلِينَ به فَعَلِ	مَجْبُوبِ
۷	قَبْض	تبدیل مَفَاعِيلِينَ به مَفَاعِلِينَ	مَقْبُوضِ
۸	خَرَم	تبدیل مَفَاعِيلِينَ به مَفْعُولِينَ	أَخْرَمَ
۹	زَلَل	باقی ماندن فاع از مَفَاعِيلِينَ	أَزَلَّ
۱۰	بَتر	باقی ماندن فَع از مَفَاعِيلُ	أَبْتَرَّ
۱۱	ثَلَم	باقی ماندن فَعْلَن از فَعُولِينَ	أَثَلَمَ
۱۲	نَحْر	باقی ماندن فَع از مَفْعُولَاتُ	مَنَحُورِ
۱۳	طی	تبدیل مَفْعُولَاتُ به فاعِلَاتُ و مُسْتَفْعِلِينَ به مُفْتَعِلِينَ	مَطْوِيٍّ
۱۴	طی و کشف	تبدیل مَفْعُولَاتُ به فاعِلِينَ	مَطْوِيٍّ مَكْشُوفِ
۱۵	قَطْع	تبدیل مُسْتَفْعِلِينَ به مَفْعُولِينَ	مَقْطُوعِ

۷۷- نام وزن رو به روی کدام مصراع به تمامی درست است؟

- (۱) عشق هر جا شوید از دل‌ها غبار رنگ را (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
- (۲) همی دارد خمّارم در بلاها (هَزَجٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)
- (۳) به عجزی که داری قوی کن میان را (مُتَقَارِبٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)
- (۴) ای غافل از رنج هوس آینه پردازی چرا (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)

۷۸- وزن‌های عروضی «رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ - هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ - مُتَقَارِبٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ» به ترتیب در کدام گزینه صحیح آمده است؟

- | | |
|---|---|
| چرا خورد باید به بیهوده غم؟ | اگر کار بوده است و رفته |
| تذرو طرفه من گیرم که چالاکست شاهینم | نه هر کو نقش نظمی زد کلامش دل‌پذیر افتد |
| دیوانه رسوایی‌ام، تو هر چه می‌خواهی بگو | من عاشق تنهایی‌ام، سرگشته شیدایی‌ام |
- (۱) ج - الف - ب (۲) ج - ب - الف (۳) ب - الف - ج (۴) الف - ج - ب

۷۹- نام وزن کدام گزینه در کمانک رو به روی آن نادرست است؟

- | | |
|---|---|
| که در او عقل کس بدید آید (رَمَلٌ) | (۱) نه از آن حالتیست ای عاقل |
| پرستیدن دادگر پیشه کن (مُتَقَارِبٌ) | (۲) ز روز گذرکردن اندیشه کن |
| خوابی خیالی چیستی؟ اشکی بگو، آهی بگو (رَجَزٌ) | (۳) با من بگو تا کیستی؟ مه‌ری بگو، ماهی بگو |
| جوابش هم به نکته باز می‌داد (هَزَجٌ) | (۴) به هر نغمه که خسرو ساز می‌داد |

۸۰- وزن و نام بحر بیت زیر در کدام گزینه درست است؟

- «چون کمان در بازو آرد سرو قدّ سیم‌تن»
- (۱) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
 - (۲) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
 - (۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)
 - (۴) مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)

۸۱- وزن و نام بحر بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

- «دوست می‌دارم من این نالیدن دل‌سوز را»
- (۱) فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
 - (۲) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ)
 - (۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (رَمَلٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)
 - (۴) مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ مُسْتَفْعِلُنْ فَع (رَجَزٌ مُثَمَّنٌ مَحذُوفٌ)

۸۲- نام وزن کدام بیت «رَجَزٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ» است؟

- | | |
|---------------------------------------|---|
| حکم تو بر من روان، زجر تو بر من رواست | (۱) گر بنوازی به لطف و بگدازی به قهر |
| کز گنبد هفت‌آسمان در گوش تو آید صدا | (۲) چندان دعا کن در نهان چندان بنال اندر شبان |
| تا مدعی اندر پس دیوار نباشد | (۳) آن به که نظر باشد و گفتار نباشد |
| چند مرهم بنهادم و اثر می‌نرود | (۴) زخم شمشیر غمت را به شکیبایی و عقل |

۸۳- کدام بیت در بحر «رَجَز مُثَمَّنِ سالم» سروده شده است؟

- (۱) گر برود جان ما در طلب وصل دوست
 (۲) آدمی نیست که عاشق نشود وقت بهار
 (۳) نی که می‌نالد همی در مجلس آزادگان
 (۴) ای رستخیز ناگهان وی رحمت بی‌منتها
- حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست
 هر گیاهی که به نوروز نجبد حطب است
 زان همی‌نالد که بر وی زخم بسیار آمدست
 ای آتشی افروخته در بیشه اندیشه‌ها

۸۴- نام وزن همه بیت‌ها به جز بیت «رَمَلِ مُثَمَّنِ مَحذوف» است.

- (۱) شب همه شب انتظار صبحرویی می‌رود
 (۲) وقت طرب خوش یافتم آن دلبر طناز را
 (۳) یار بار افتاده را در کاروان بگذاشتند
 (۴) زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار
- کان صباحت نیست این صبح جهان‌افروز را
 ساقی بیار آن جام می‌مطرب بزن آن ساز را
 بی‌وفا یاران که بر بستند بار خویش را
 پرده از سر برگرفتیم آن همه تزویر را

۸۵- کدام ابیات به ترتیب در بحر «مُتَعَارِبِ مُثَمَّنِ سالم»، «هَزَجِ مُسَدَّسِ مَحذوف» و «رَمَلِ مُسَدَّسِ مَحذوف» سروده شده‌اند؟

- (الف) فرو بریم دست درد غم را
 (ب) بگویم مثالی از این عشق سوزان
 (ج) رو جوان‌مردی کن و رحمت فشان
 (د) ب - الف - ج (۱) (۲) ب - ج - الف (۳) الف - ب - ج (۴) الف - ج - ب
- که دزدیده است عقل صد زبون را
 یکی آتشی در نهانم فروزان
 من به رحمت بس جوان‌مردم تو را

فصل دهم: قافیه

یکی دیگر از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

در مبحث قافیه به موارد مقابل می‌پردازیم: ۱ - قافیه ۲ - ردیف ۳ - حروف قافیه (حرف یا حروف اصلی، حرف یا حروف الحاقی، حرف یا حروف مشترک) ۴ - قواعد قافیه ۵ - قافیه درونی ۶ - ذوقافیتین ۷ - قافیه در شعر نو

۱- قافیه: واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک است و در پایان هر دو مصراع یا مصراع‌های دوم بعضی از قوالب شعری قرار می‌گیرند.

هزار جهد بکردم که سرّ عشق بپوشم نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم
به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم شمایل تو بدیدم، نه صبر ماند و نه هوشم

۲- ردیف: کلمه یا کلماتی که بعد از واژه قافیه، عیناً (از نظر لفظ و معنا) تکرار می‌شود.
گل بی رخ یار خوش نباشد بی باده بهار خوش نباشد
طرف چمن و طواف بستان بی لاله‌عذار خوش نباشد

توجه: کلمات یکسان در پایان ابیات، اگر معنای متفاوت داشته باشند «ردیف» محسوب نمی‌شوند و خود «قافیه» می‌باشند.

گلاب است گویی به جویش روان همی زنده گردد ز بویش، روان
رونده، صفت فاعلی روان و روح آدمی

۳- حروف قافیه: حرف یا حروف مشترکی که در پایان واژه‌های قافیه می‌آید.
ما، در خلوت به روی خلق ببستیم از همه باز آمدیم و با تو نشستیم
«ستیم» در بیت فوق حروف مشترک واژه‌های قافیه است.

توجه: کتاب‌های نظام جدید توضیحی درباره حروف مشترک قافیه نداده است در حالی که دانستن حروف اصلی و حروف الحاقی بسیار حائز اهمیت است. شایان ذکر است که قافیه ممکن است الحاقیاتی داشته باشد که جزء خود کلمه نباشند و به واژه‌ی قافیه اضافه شده باشند. مانند شناسه «یم» در بیت فوق.

به مجموع حروف اصلی و حروف الحاقی، «حروف مشترک» قافیه می‌گویند.
به این وابسته‌ها و حروفی که به اصل واژه قافیه، اضافه شده‌اند «حرف الحاقی» می‌گویند.

به حروف مشترک خودِ واژه‌های قافیه «حروف اصلی» می‌گویند. (حروف اصلی: حروف مشترک منهای حروف الحاقی)
واژه‌های قافیه: ببستیم و نشستیم؛ حروف مشترک «ستیم»؛ حروف اصلی «ست» و حروف الحاقی «یم».

بیا، بیا که مرا با تو ماجرای هست بگو اگر گنهی رفت و گر خطایی هست
واژه‌های قافیه: ماجرای، خطایی حروف مشترک: «ایی»
حروف الحاقی: «یی» حروف اصلی: «ا»

توجه: مشخص است اگر واژه‌های قافیه، حرف یا حروف الحاقی نداشته باشند، حروف مشترک و حروف اصلی یکسان خواهند بود.

۴- قواعد قافیه: حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه شدن دو واژه، تابع دو قاعده است. (قواعد قافیه، مهمترین قسمت مبحث قافیه است.)

قاعده ۱: برای قافیه شدن ۲ واژه، اشتراک چند واج لازم است، ولی طبق «قاعده ۱» هر کدام از مصوت‌های بلند «ا» یا «و» به تنهایی می‌توانند اساس قافیه قرار بگیرند.

که به لطف پادشاهی، ز نظر مَران گدا را	به ملازمان سلطان که رساند این دعا را
واژه‌های قافیه: «دعا» و «گدا»	ردیف: «را»
حروف الحاقی: ندارند	حروف مشترک: «ا»
قاعده: ۱	حروف اصلی: «ا»
در چشم تو، خیره، چشم آهو	ای چشم تو، دل‌فریب و جادو
واژه‌های قافیه: «جادو» و «آهو»	ردیف: ندارد
حروف الحاقی: ندارند	حروف مشترک: «و»
قاعده: ۱	حروف اصلی: «و»

همان‌طور ملاحظه می‌شود. حروف مشترک دو بیت فوق فقط یک واج است.

قاعده ۲: یک مصوت با یک یا دو صامت بعد از خود، قافیه می‌سازد.

اگر واژه‌های قافیه به مصوت‌های بلند «ا» و «و» (یعنی قاعده ۱) ختم نشوند، حروف اصلی باید در مصوت پایانی و صامت‌های بعد از آن یکسان باشند، تا دو کلمه بتوانند هم‌قافیه شوند.

دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم	بگذار تا مقابل روی تو بگذریم
واژه‌های قافیه: «بگذریم» و «بنگریم»	ردیف: ندارد
حروف الحاقی: «یم»	حروف مشترک: «ریم»
قاعده: ۲	حروف اصلی: «ر»

همان‌طور که مشاهده می‌شود حروف مشترک «ر» می‌باشد، یعنی یک مصوت و یک صامت بعد آن، یکسان هستند. شب فراق که داند که تا سحر چند است؟

مگر کسی که به زندان عشق، در بند است	مگر کسی که تا سحر چند است؟
واژه‌های قافیه: «چند» و «بند»	ردیف: «است»
حروف الحاقی: ندارند	حروف مشترک: «ند»
قاعده: ۲	حروف اصلی: «ند»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حروف مشترک «ند» می‌باشد. یعنی یک مصوت و دو صامت بعد آن، یکسان هستند.

نکته: در قاعده ۲، مصوت هر دو واژه قافیه باید یکسان باشد، ولی اگر واژه‌های قافیه الحاقی داشته باشند، مصوت می‌تواند متفاوت باشد. چنانچه در مثال زیر مصوت‌های قافیه‌ساز واژه‌های قافیه متفاوت است.

سیر نمی‌شود نظر، بس که لطیف منطری	آمدمت که بنگرم، باز نظر به خود کنم
می‌روی و مقابلی، غایب و در تصویری	گفتم اگر نبینمت، مهر فرامشم شود

نکته بسیار مهم: قاعده ۱ و ۲ مربوط به حروف اصلی قافیه است. یعنی پس از جدا کردن حروف الحاقی، حروف مشترک دو واژه قافیه باید طبق یکی از دو قاعده فوق باشد. یکی از غلط‌های بسیار رایج قافیه، زمانی است که شاعر فقط الحاقی‌ها را یکسان آورده و در صورت حذف الحاقیات، دو واژه قافیه حروف مشترک برای قافیه شدن را طبق هیچ کدام از دو قاعده قافیه ندارند.

دیدار تو حلّ مشکلات است صبر از تو خلاف ممکنات است

در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق‌تر

شب سیاه بدان زلفکان تو ماند سپید روز به پاکی رخان تو ماند

نکته بسیار مهم: دو واژه قافیه، در صورت داشتن حروف الحاقی باید، الحاقیات مشترکی داشته باشند. مثلاً نمی‌توانیم دو واژه «دستان و مست‌ها» را قافیه کنیم.

نکته: قافیه مبحثی شنیداری است ولی شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد. لذا هم‌قافیه کردن کلماتی مانند: «عزیز و حسیض» «بساط و حیات» «گناه و مزاح» و ... صحیح نمی‌باشد.

توجه: با توجه به اینکه این جزوات در اختیار شاعران و دیگر علاقه‌مندان ادبیات فارسی قرار می‌گیرد، ذکر این نکته ضروری است که؛ در شعر امروز این قافیه خطی گاه رعایت نشده است. ولی برای کنکور و امتحان، قوانین شعر کلاسیک ملاک است نه قوانینی که شعر مدرن و پُس‌مدرن به ارمغان آورده‌اند.

۵- قافیه درونی: بعضی شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصرع‌ها نیز قافیه می‌آورند. مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم در بیت فوق، قافیه‌های الزامی برای شعر دو واژه «**خنده**» و «**پاینده**» می‌باشند. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، مصراع اول را ۲ پاره کرده است و با آوردن واژه «**زنده**» یک قافیه درونی و غیرضروری ساخته است. به ابیاتی از غزل زیبای سعدی توجه کنید.

ای ساربان آهسته ران، کآرام **جانم** می‌رود و آن دل که با خود داشت، با **دلستانم** می‌رود
من مانده‌ام **مه‌جور** از او، بیچاره و **رنجور** از او گویی که نیشی **دور** از او، در **استخوانم** می‌رود
گفتم به نیرنگ و **فسون**، پنهان کنم ریش **درون** پنهان نمی‌ماند که **خون**، بر **آستانم** می‌رود
محمل بدار ای **ساروان**، تندی مکن با **کاروان** کز عشق آن سرو **روان**، گویی **روانم** می‌رود
او می‌رود **دامن‌کشان**، من زهر تنهایی **چشان** دیگر می‌پرس از من **نشان**، کز دل، **نشانم** می‌رود

در شعر فوق واژه‌ی «**جانم**، **دلستانم**، **استخوانم**، **آستانم**، **روانم** و **نشانم**» قافیه می‌باشند. سعدی برای افزودن موسیقی شعر، علاوه بر قافیه‌های فوق، کلمات دیگری را با یکدیگر هم‌قافیه کرده است که الزامی بر آن نبوده است. این قافیه‌های غیر ضروری را «**قافیه درونی**» می‌گویند.

توجه: کتاب‌های نظام جدید، قافیه درونی و قافیه میانی را یکسان در نظر گرفته و با عنوان «قافیه درونی» آورده‌اند.

۶- **ذوقافیتین:** بعضی از شاعران برای افزودن موسیقی شعر، دو کلمه پایانی هر دو مصراع را هم قافیه کرده‌اند. این ابیات را «ذوقافیتین» می‌گویند.

گزید از غنیمت **ظرایف بسی** کزان سان نبیند **طرایف کسی**

برای سالم بودن قافیه بیت فوق، وجود دو واژه‌ی «بسی» و «کسی» کافی بود. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، واژگان قبلی آن‌ها (ظرایف و طرایف) را نیز هم قافیه کرده است.

توجه: قافیه اصلی در ابیات ذوقافیتین، واژه‌های آخری مصراع‌هاست (یعنی؛ بسی و کسی).

۷- قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع یا سطر قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

از تهی سرشار،

جویبار لحظه‌ها جاری است.

چون سیوی تشنه کاندز خواب بیند آب، و اندر آب بیند سنگ،

دوستان و دشمنان را می‌شناسم **من**

زندگی را دوست می‌دارم

مرگ را **دشمن**

وای، اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم

که به دشمن خواهم از او **التجا بردن**

جویبار لحظه‌ها جاری

نکته بسیار مهم: همان‌طور گفته شد شاعر نمی‌تواند دو واژه یکسان را در پایان مصراع‌ها به‌عنوان قافیه بیاورد ولی اگر معنای آن دو متفاوت باشد، نه تنها عیب نیست بلکه **حسن** نیز محسوب می‌شود و آرایه‌ی «**جناس تام**» می‌سازد.

چنان چون شده، باز جوید **روان**

روح و روان

هر که این آتش ندارد، **نیست باد**

نابود بشود

خرامان بشد سوی آب **روان**

رونده، جاری

آتش است این بانگ و نای و **نیست باد**

باد نیست

توجه: مبحث قافیه نکات بسیار ضروری دیگر دارد ولی چون این جزوه ماهیت کنکوری دارد، و در کتاب نظام جدید آن مطالب نیامده است و به تبع آن در کنکور نیز نباید بیاید، برای جلوگیری از سردرگمی دانش‌آموزان و پرهیز از افزودن مطالب غیر ضروری از آوردن آن‌ها خودداری کردم. علاقمندان به این مبحث می‌توانند در کانال **تخصصی بنده این مطالب را پیگیری کنند.**

نکته بسیار مهم: در اشعار شاعران بزرگ و مطرح ما - به جز موارد بسیار معدود - هیچگاه واژگان قافیه، غلط به کار نرفته‌اند. در مبحث قافیه، گاه با قافیه‌هایی مواجه می‌شویم که تصور می‌شود، غلط می‌باشند! ولی باید دقت داشت که این واژگان در قدیم تلفظ دیگری داشته‌اند و شاعر با توجه به تلفظ زمان خود، دو واژه را هم قافیه کرده است. چنان‌چه سعدی دو واژه «شش» و «خوش» را که تلفظ قدیم آن‌ها «شَس» و «خَس» بوده، در شعر زیر هم قافیه کرده است.

در آن سالی که ما را بخت، **خوش** بود ز هجرت شش‌صد و پنجاه و **شش** بود

در بیت زیر نیز تلفظ واژه «خود»، «خَد» می‌باشد و قافیه درست است.

پس پرده بیند عمل‌های **بد** هم او پرده پوشد به آلالی **خود**

۸۶- الگوی ساخت قافیه کدام شعر بر اساس «مصوّت + صامت + صامت» نیست؟

- (۱) نکونام و صاحب‌دل و حق‌پرست
 (۲) مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست
 (۳) چنین است رسم سرای درشت
 (۴) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت
- خط عارضش خوشتر از خط دست
 هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
 گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت
 چو آتش تیشه می‌زد کوه می‌سفت

۸۷- نوع قاعده قافیه در چند بیت به درستی مشخص شده است؟

- الف حیلت رها کن عاشقا، دیوانه شو، دیوانه شو
 ب) شب قدر است جسم تو کز او یابند دولت‌ها
 پ) تا نقش خیال دوست با ماست
 ت) الا ای شاه یغمایی، شدم پر شور و شیدایی
 ث) خواجه بیا، خواجه بیا، خواجه دگر بار بیا
- (۱) دو (۲) یک (۳) چهار (۴) سه
- و اندر دل آتش درآ، پروانه شو، پروانه شو (قاعده ۲)
 مَه بدر است روح تو کز او بشکافت ظلمت‌ها (قاعده ۱)
 ما را همه عمر خود تماشاقت (قاعده ۱)
 مرا یکتایی ای فرما، دو تا گشتم ز یکتایی (قاعده ۲)
 دفع مده، دفع مده، ای مه عیار بیا (قاعده ۱)

۸۸- چند بیت از ابیات زیر، بیش از یک قافیه پایانی دارد؟

- الف) هر تیر ستم که از کمان جست
 ب) از تو با مصلحت خویش نمی‌پردازم
 پ) تا چند زند نرگس مستت تیرم
 ت) گفت او گر ابله‌م من در ادب
 ث) اشکی که همه تگرگ راند بارم
 ج) زین سبب بر انبیا رنج و شکست
- (۱) سه (۲) چهار (۳) دو (۴) پنج
- اول دل من به امتحان خست
 هم‌چو پروانه که می‌سوزم و در پروازم
 فرصت ندهد دست که دستت گیرم
 زیر کم اندر وفا و در طلب
 عمری که همه به مرگ ماند دارم
 از همه خلق جهان افزون تر است

۸۹- کدام بیت قافیه درونی ندارد؟

- (۱) چون در بصر خلقی گویی تو پر از زرقی
 (۲) ذاتت عسل است ای جان گفتت عسلی دیگر
 (۳) مجلس به تو فرخنده عشرت ز دمت زنده
 (۴) ای شمس شهر ما لطفی به ما نما
- ای آن که تو هم غرقی در خون دل من تر
 ای عشق تو را در جان هر دم عملی دیگر
 چون شمع فروزنده تا روز مشین از پا
 دل خواهد از شما وصف خدایی‌اش

۹۰- در همه ابیات قاعده قافیه یکسان است و جناس در بیت وجود دارد، به جز گزینه

- (۱) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
 (۲) صلاح از ما چه می‌جویی که مستان را صلا گفتیم
 (۳) سرم خوش است و به بانگ بلند می‌گویم
 (۴) ای قبای پادشاهی راست بر بالای تو
- سخن شناس نه ای جان من خطا اینجاست
 به دور نرگس مستت سلامت را دعا گفتیم
 که من نسیم حیات از پیاله می‌جویم
 زینت و تاج نگین از گوهر والای تو

۹۱- الگوی قافیه در کدام بیت به شکل «مصوّت + صامت + صامت + حروف الحاقی» نیست؟

- (۱) ما ز یاران چشم یاری داشتیم
 (۲) آسوده خاطر م که تو در خاطر منی
 (۳) ما در خلوت به روی خلق ببستیم
 (۴) به غیر آنکه بشد دین و دانش از دستم
- خود غلط بود آن چه می‌پنداشتیم
 گر تاج می‌فرستی و گر تیغ میزنی
 از همه باز آمدیم و با تو نشستیم
 بیا بگو که ز عشقت چه طرف بریستم؟

۹۲- در کدام گزینه ردیف وجود ندارد؟

- (۱) روز وصل دوست‌داران یاد باد
 (۲) نشود فاش کسی آنچه میان من و توست
 (۳) هنوز از دهن بوی شیر آیدش
 (۴) آتش است این بانگ نای و نیست باد

۹۳- همه ابیات به جز بیت گزینه..... دارای قافیه درونی هستند.

- (۱) با آن همه بیداد او وین عهد بی‌بنیاد او
 (۲) ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما
 (۳) حجره خورشید تویی خانه ناهید تویی
 (۴) رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل

۹۴- از میان گروه‌های زیر چند گروه نمی‌توانند هم قافیه باشند؟

- (موسی - سرا) (بهل - رحل) (بیر - مصر) (من - چمن) (دستی - رفتی) (تو - جو) (بیافت - نتافت)
 (دهشت - دشت) (زنده - مرده)

- (۱) پنج (۲) چهار (۳) هفت (۴) شش

۹۵- قاعده قافیه ابیات کدام گزینه با یکدیگر یکسان نیست؟

- (الف) که آن تُرک در جنگ، نر اژدهاست
 (ب) جهان خیره ماند ز فرهنگ او
 (ج) بدیشان نبد ز آتش مهر تیو
 (د) بیابان از آن آب، دریا شود
 (ه) به من داده بودند و بخشیده راست
- (۱) ب - ج (۲) ب - د (۳) الف - د (۴) ه - ج

۹۶- قاعده قافیه کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) چون کسی کو از مرض گل داشت دوست
 (۲) و رسوالت را بسی فایده‌هاست
 (۳) کشت نو کارید بر کشت نخست
 (۴) ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس
- گر چه پندارد که آن خود قوت اوست
 پس جهان بی فایده آخر چراست
 این دوم فانی است و آن اول درست
 بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس

تست جامع عروض

(داخل ۹۹)

از تاب بی حسابت وز پیچ بی شماره
جمع از کجا توان کرد دل‌های پاره‌پاره
تسخیر می‌توان کرد شهری به یک اشاره
ممنون به یک تبسم، قانع به یک نظاره

(داخل ۹۹)

که پنداری این شعله بر من گل است
همان به که آن نازنینم کشد
که زنجیر شوق است در گردنم
قفا خورد و سودای بیهوده پخت

(داخل ۹۹)

سزای حور بده رونق پری بشکن
تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
تو قیمتش به سر زلف عنبری بشکن
به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن

(داخل ۹۹)

نکرد دل تهی از ناله چون جرس ما را
که می‌گردد خنک از پرتو مهتاب عیش ما
که همچو صبح، گران‌سنگ ساخت خواب مرا
به فقیران گدا گنج سلاطین دادند
که به روی دوست ماند که برافکند نقابی

(داخل ۹۹)

که در این خیل حصاری به سواری گیرند»
(۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال

(۳) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، حذف همزه (۴) بلند بودن هجای پایان مصراع، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

(داخل ۹۹)

پی آن گوهر یکدانه به دریا زده‌ام
روزی نشد که در عشق بر کار خود نخندیم
کاکل تو کمند من طره تابدار هم
ایمن از وسوسه عقل زیان‌کار شدیم
محروم ز نظاره آن روی نکویم
(۳) ب، د (۴) ب، هـ

۹۷- قافیه در کدام بیت «یک گروه قیدی» است؟

(۱) ای تاب‌داده گیسو حالی است بر دل من
(۲) آشفته‌گان عشقت گیرم که جمع گردند
(۳) با این سپاه مژگان از خانه گر درآیی
(۴) از لعل و چشمت آخر دیدی که شد فروغی

۹۸- قافیه در کدام بیت «غلط» است؟

(۱) مرا چون خلیل آتشی در دل است
(۲) اجل ناگهان در کمینم کشد
(۳) نه خود را به آتش به خود می‌زنم
(۴) گدایی که از پادشاه خواست دخت

۹۹- در همه ابیات حذف «همزه» به چشم می‌خورد؛ به جز:

(۱) برون خرام و ببر گوی خوبی از همه کس
(۲) چو عندلیب فصاحت فروشد ای حافظ
(۳) چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد
(۴) به زلف گوی که آیین دلبری بگذار

۱۰۰- وزن بیت زیر، با کدام بیت یکسان است؟

«فغان که منزل دور دراز وادی عشق
(۱) به سیر ماه از محفل مخوان پروانه ما را
(۲) سیاه در دوجهان باد روی موی سفید
(۳) به اسیران بلا ملک امان فرمودند
(۴) نفحات صبح دانی ز چه روی دوست دارم

۱۰۱- در بیت زیر، همه اختیارات شاعری یافت می‌شود؛ به جز:

«قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش
(۱) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب

(۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال

(۳) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، حذف همزه (۴) بلند بودن هجای پایان مصراع، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

۱۰۲- کدام ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

(الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت
(ب) وقتی نشد که بی دوست بر حال خودنگریم
(ج) ای بت دل‌پسند من هر سر موت بند من
(د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته‌ایم
(هـ) از بس عرق شرم نشسته است به رویم
(۱) الف، ج (۲) الف، هـ (۳) ب، د (۴) ب، هـ

- ۱۰۳- با توجه به بیت زیر همه موارد از دیدگاه «عروض و قافیه» درست است؛ به جز: (داخل ۹۹)
- «در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد
حالتی رفت که محراب به فریاد آمد»
- (۱) وزن بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن» است.
(۲) در بیت فوق قافیه بر اساس قاعده «۲» آمده است.
(۳) شاعر از اختیارات شاعری «ابدال» و حذف همزه استفاده کرده است.
(۴) در مصراع اول دو بار و در مصراع دوم یکبار، «حذف همزه» صورت گرفته است.

- ۱۰۴- در بیت زیر، با توجه به اختیارات شاعری تعداد هجاهای بلند و کشیده به ترتیب، کدام است؟ (داخل ۹۹)
- «از پای فتادیم چو آمد غم هجران
در درد بمردیم چو از دست دوا رفت»
- (۱) ده، پنج (۲) ده، شش (۳) یازده، چهار (۴) یازده، پنج
- ۱۰۵- وزن همه ابیات «دوری» است؛ به جز: (داخل ۹۹)

- (۱) صید بیابان عشق چون بخورد تیر او
(۲) ای که ز دیده غایبی در دل ما نشسته‌ای
(۳) بیا که در غم عشقت مشوشم بی تو
(۴) می برزند ز مشرق شمع فلک زبانه
- سر نتواند کشید پای ز زنجیر او
حسن تو جلوه می کند وین همه پرده بسته‌ای
بیا ببین که در این غم چه ناخوشم بی تو
ای ساقی صیوحی در ده می شبانه

- ۱۰۶- در کدام بیت «قاعده قافیه» متفاوت است؟ (خارج ۹۹)
- (۱) خوش آن که حلقه‌های سر زلف واکنی
(۲) اولین گام از سمنند عقل را پی می کنی
(۳) زان فشانم اشک در هر رهگذاری
(۴) این چه دامی است که از سنبل مشکین داری
- دیوانگانه سلسله‌ات را رها کنی
وادی بی منتهای عشق را طی می کنی
تا به دامان تو ننشیند غباری
که به هر حلقه آن صدد دل مسکین داری
- ۱۰۷- کدام بیت «ذوقافیتین» است؟ (خارج ۹۹)

- (۱) کودکی در پیش تابوت پدر
(۲) حیلۀ آموزان جگرها سوخته
(۳) فتنه و آشوب و خونریزی مجوی
(۴) این سخن نه هم ز درد و سوز گفت
- زار می نالید و بر می کوفت سر
فعل ها و مکرها آموخته
بیش از این شمس تبریزی مگوی
خوابناکی هرزه گفت و باز خفت

- ۱۰۸- حذف همزه در کدام بیت بیشتر صورت گرفته است؟ (خارج ۹۹)
- (۱) عاقبت سیلابم از سر بگذرد چون دم به دم
(۲) ستیزآوری کار اهریمن است
(۳) دامن گردون پر از خون جگر بینم به صبح
(۴) گویا عزم ندارد که شود روز امشب
- راه می گیرم بر آب چشم و دیگر می چکد
ستیزه به پرخاش آبستن است
بس که در مهر تو اشک از چشم اختر می چکد
یا درآید ز در آن شمع شب افروز امشب

- ۱۰۹- وزن عروضی مصراع «چشم تماشای خلق در رخ زیبای اوست» با کدام مصراع همسان است؟ (خارج ۹۹)
- (۱) گر مرد رهی با خبر از ناله دل باش
(۲) خوشتر از دانه اشکم گهری پیدا نیست
(۳) قطع نظر ز دشمن ما کرد چشم دوست
(۴) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده‌ای

۱۱۰- در همه ابیات دو اختیار وزنی «فاعلاتن به جای فعلاتن و ابدال» وجود دارد؛ به جز: (خارج ۹۹)

- ۱) آب رخ پیش ما کسی دارد
 - ۲) اگر آن ابرو است و پیشانی
 - ۳) می‌کند مرغ جان ما پرواز
 - ۴) چه بود گر به ما رساند باد
- که بود خاک آستان شما
نکشد هیچ کس کمان شما
دم به دم سوی آشیان شما
بویی از طرف بوستان شما

۱۱۱- در کدام بیت، اختیار وزنی قلب به کار رفته است؟ (خارج ۹۹)

- ۱) ماهی و چون عیان شوی شمع هزار مجلسی
 - ۲) از سر رشک سوختم زان همه سوزم از درون
 - ۳) سینه خاقانی اگر پاک بشویی از غبار
 - ۴) هم شکری تو هم نمک با تو چه نسبت آب را
- سروی و چون روان شوی عشق هزار لشکری
با همه آب ساختی زان همه آبی از تری
پیش خدایگان تو را بیش کند ثناگری
چند به رغم دوستان دشمن خویش پروری

۱۱۲- در بیت زیر همه موارد از دیدگاه «عروض و قافیه» درست است؛ به جز: (خارج ۹۹)

- «نفسم گرفته زین شب در این حصار بشکن»
۱) قافیۀ بیت بر اساس قاعده «۲» آمده است.
۲) وزن بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» است.
۳) طبق اختیارات شاعری در بیت دو بار «همزه» حذف شده است.
۴) در بیت اختیارات شاعری (کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند) یافت می‌شود.

۱۱۳- همه ابیات در وزن همسان دو لختی سروده شده‌اند، به جز: (خارج ۹۹)

- ۱) زان پرده می‌گشاید دلبند نازنینم
 - ۲) هر گوشه کمین کرده ابروی کماندارش
 - ۳) تا به جفایت خوشم ترک جفا کرده‌ای
 - ۴) قامت به ناز افراخته خلقی ز پا انداخته
- تا در نظر نیاید زیبا نگار چینم
در صید نظریازان بگشاده کمینش بین
این روش تازه را تازه بنا کرده‌ای
دل‌ها مسخر ساخته کشورستانی را ببین

۱۱۴- دو مصراع کدام بیت، با توجه به اختیارات شاعری از نظر تعداد و نظم هجاها، یکسان نیستند؟ (خارج ۹۹)

- ۱) صبحدم مرغ چمن با گل نخواستگفت
 - ۲) چون چشم تو دل می‌برد از گوشه‌نشینان
 - ۳) نه من سبوکش این دیر رند سوزم و بس
 - ۴) ز درد عشق تو دوشم امید صبح نبود
- ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت
همراه تو بودن گنه از جانب ما نیست
بسا سرا که در این کارخانه سنگ و سبوست
اسیر عشق چه تاب شب دراز آرد؟

۱۱۵- قافیه در همه ابیات درست است به جز: (سراسری داخل ۹۸)

- ۱) از همه باشد به حقیقت گزیر
 - ۲) ای خنده تو راهزن کاروان قند
 - ۳) گر چه آتش نیز هم جسمانی است
 - ۴) تو آنچ از تو سزد گفتمی و کردی
- از تو نباشد که نداری نظیر
ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشند
نه ز روح است و نه از روحانی است
غم جان من بیچاره خوردی

۱۱۶- قافیه در کدام بیت نادرست است؟

- (۱) من کی‌ام آن را که شرح آن دهم؟
 (۲) چون بدیدش یاد آورد آن خویش
 (۳) مر مرا اینجا شکایت شکر شد
 (۴) می‌نماید مار اندر چشم، مال

۱۱۷- در بیت زیر، همه اختیارات شاعری یافت می‌شود به جز:

- «گذار بر ظلمات است خضر راهی کو»
 (۱) ابدال
 (۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
 (۳) حذف همزه
 (۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

۱۱۸- در کدام بیت، اختیار ربانی «تغییر مصوت کوتاه به بلند و تغییر مصوت بلند به کوتاه» صورت گرفته است؟ (سراسری داخل ۹۸)

- (۱) داغ محبت است و بس خانه‌فروز جان و دل
 (۲) باده عقل‌سوز را داروی بیهوشی مزن
 (۳) آن شکرین لیبی که من ناله از او چو نی کنم
 (۴) سوخت بساط هستتیم ریخت بنای طاقتم

۱۱۹- وزن بیت زیر، کدام است؟

- «ای ساقی از آن پیش که مستم کنی از می»
 (۱) مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ مُسْتَفْعِلُ فَع
 (۲) مَفْعُولُ مَفَاعِلُ مَفَاعِلُ فَعُولُنْ
 (۳) مُسْتَفْعِلُ فَاعِلَاتُ مُسْتَفْعِلُ فَع
 (۴) مَفْعُولُ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَع

۱۲۰- نام وزن مقابل کدام مصرع، درست است؟

- (۱) مرا مهر سیه چشمان زیر سر بیرون نخواهد شد : هَزَجٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ
 (۲) شوریده و شیدا کند هر دل که دلبر جا کند : رَمَلٌ مُثَمَّنٌ سَالِمٌ
 (۳) فلک کار مرا افکند با نامهربان ماهی : هَزَجٌ مُثَمَّنٌ مَحْذُوفٌ
 (۴) آشفته خاطر کرده ام جمعیت عشاق را : رَجَزٌ مُثَمَّنٌ مَحْذُوفٌ

۱۲۱- کدام دو بیت را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد؟

- (الف) دست به جان نمی‌رسد تا به تو برفشانمش
 (ب) نه حسرت وصالش از دل به در توان کرد
 (ج) من نمی‌گویم که عاقل باش یا دیوانه باش
 (د) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست
- (۱) الف - ب (۲) الف - ج (۳) ب - د (۴) ج - د

۱۲۲- وزن کدام بیت با «تو قدر آب چه دانی که در میان فراتی» یکسان است؟

- (۱) هر آن کست که ببیند روا بود که بگوید
 (۲) هزار نقد به بازار کاینات آرند
 (۳) اگر روم ز پیش فتنه‌ها برانگیزد
 (۴) برو معالجه خود کن ای نصیحت‌گوی
- که من بهشت بدیدم به راستی و درستی
 یکی به سگه صاحب‌عیار ما نرسد
 ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد
 شراب و شاهد شیرین که را زبانی داد

(سراسری داخل ۹۸)

۱۲۳ - وزن مقابل کدام مصراع درست است؟

- (۱) چند نومید ز کوی تو دل زار آید: فاعِلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ
- (۲) گوهر تاجم که در دست گدا افتاده‌ام: فاعِلَاتْنُ فاعِلَاتْنُ فاعِلَاتْنُ فاعِلَاتْنُ
- (۳) جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است: مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ
- (۴) من و باد صبا مسکین، دو سرگردان بی حاصل: مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ

(سراسری داخل ۹۸)

۱۲۴ - وزن مصراع‌های زیر، به ترتیب کدام است؟

«صبح خواهد شد / و به این کاسه آب / آسمان هجرت خواهد کرد»

- (۱) فاعِلَاتْنُ فَعْلُنْ، فَعَلَاتْنُ فَعْلُنْ، فاعِلَاتْنُ مَفْعُولُنْ فَعْلُنْ
- (۲) فاعِلَاتْنُ فَعْلُنْ، فَعَلَاتْنُ فَعْلُنْ، فاعِلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعْلُنْ
- (۳) فاعِلَاتْنُ فَعْلُنْ، فاعِلَاتْنُ فَعْلُنْ، فاعِلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعْلُنْ
- (۴) فَعَلَاتْنُ فَعْلُنْ، فَعَلَاتْنُ فَعْلُنْ، فَعَلَاتْنُ فَعَلَاتْنُ فَعْلُنْ

(سراسری خارج ۹۸)

۱۲۵ - در همه ابیات قافیه درست است؛ به جز:

- (۱) خویشتن را عارف و واله گونی
- (۲) ناگهان تمثال گرگ هـ شش‌ته‌ای
- (۳) گفت یک گوشه است آن باغبان
- (۴) گر میسر کردن حق ره بُدی

(سراسری خارج ۹۸)

۱۲۶ - در کدام بیت، قافیه «غلط» است؟

- (۱) پس این پیر از آن طفل نادان ترست
- (۲) مرا چون خلیل آتشی در دل است
- (۳) سر از گوی صورت به معنی کشید
- (۴) به نزدیک من شب‌رو راهزن

(سراسری خارج ۹۸)

۱۲۷ - در همه ابیات تغییر مصوّت بلند به کوتاه وجود دارد؛ به جز:

- (۱) تاتار هجر کرد سیاهی و عنبری
- (۲) اندر دلم ز غمزه غمّازه فتنه هاست
- (۳) ساقی و سر دهی ز لب یارم آرزوست
- (۴) تا سوی گلشن طرب آیم خراب و مست

(سراسری خارج ۹۸)

۱۲۸ - بیت زیر، فاقد کدام اختیارات شاعری است؟

- «طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق»
- (۱) بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه، قلب
 - (۲) بلند تلفظ کردن مصوّت کوتاه، ابدال
 - (۳) حذف همزه، بلند بودن هجای پایان مصراع
 - (۴) حذف همزه، کوتاه تلفظ کردن مصوّت بلند

(سراسری خارج ۹۸)

۱۲۹ - وزن بیت زیر، کدام است؟

- «کنون که کشتی ما در میان موج فتاد»
- (۱) مَفَاعِلُنْ فاعِلَاتْنُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ
 - (۲) مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتْنُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ
 - (۳) مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتْنُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ
 - (۴) مَفَاعِلُنْ فاعِلَاتْنُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ

۱۳۰- وزن واژه‌ی شعر زیر، کدام است؟ «به چه خواهی بردن/ در شبی این همه تاریک پناه» (سراسری خارج ۹۸)

- (۱) فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ - فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ
(۲) فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ - فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ
(۳) فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ - فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ
(۴) فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ - فَعْلَاتُنْ فَعْلَاتُنْ فَعْلُنْ

۱۳۱- کدام ابیات، دارای وزن (دوری) شبیه به یکدیگرند؟ (سراسری خارج ۹۸)

- (الف) آن روز قیامت را بر پای کند ایزد
(ب) ای بوستان خوبی خوارم ز بی‌نوایی
(ج) جور بکن که حاکمان جور کنند بر رهی
(د) وقتی دل سودایی می‌رفت به بوستان‌ها

- (۱) ج - ب (۲) ب - د (۳) الف - ب (۴) الف - د

۱۳۲- کدام بیت، در وزن «مفعول فاعلات مفاعیلن» سروده شده است؟ (سراسری خارج ۹۸)

- (۱) دزدند خودپرستی و خودکامی
(۲) بس سقف شد خراب و نگشت آسمان خراب
(۳) خویشتن دیدن و از خود گفتن
(۴) همیشه بار جفا بردن و نیاسودن

۱۳۳- بحرهای «مُتَقَارِب، رَمَل، رَجَز و هَزَج» به ترتیب، مربوط به کدام ابیات است؟ (سراسری خارج ۹۸)

- (الف) نردبان این جهان ما و منی است
(ب) مرا نه سر نه سامان آفریدند
(ج) باز آی و بر چشمم نشین ای دلستان تازنین
(د) جهان را بلندی و پستی تویی

- (۱) ج، ب، د، الف (۲) ج، ب، الف، د (۳) د، الف، ج، ب (۴) د، ب، ج، الف

۱۳۴- کدام بیت، در بحر «رَمَل مُمَّن مَحذوف» است؟ (سراسری خارج ۹۸)

- (۱) صوفی بیا که آینه صافی است جام را
(۲) آن که جز کعبه مقامش نبود یاد لب
(۳) ای که پرسی سرگذشتم پایم اندر گل فرو شد
(۴) مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست

۱۳۵- کدام بیت، وزن دوری ندارد؟

- (۱) خاقانی از ثنایت نو ساخت خوان معنی
(۲) صدی که قدر کان شکند جوهر سخاش
(۳) خانه‌ی مانی است طبع چهره‌گشای بهار
(۴) در کوی نیکنومی ما را گذر ندادند

۱۳۶- وزن کدام بیت ناهمسان است؟

- (۱) آن که هلاک من همی خواهد و من سلامت
(۲) لب برلبی چو چشم خروس ابلهی بود
(۳) خجل است سرو بوستان بر قامت بلندش
(۴) تا چه خواهد کرد با من دور گیتی زین دوکار

هر چه کند ز شاهده‌ی کس نکند ملامتش

برداشتن به گفتن بیهوده خروس

همه صید عقل گیرد، خم زلف چون کمندش

دست او در گردنم یا خون من در گردنش

۱۳۷- در کدام گزینه، خوشه‌های هجایی بیت «ای قبله‌ی جان کجاست جویم / جانی و به جان هوات جویم» درست آمده است؟

- (۱) _ _ U _ U _ U U _ _
 (۲) _ _ _ U _ U _ U U _ _
 (۳) _ _ U _ U _ U _ _ _
 (۴) _ _ _ U U _ U _ U _

۱۳۸- کدام بیت در وزن «مَفْعُولُ فاعِلَاتُ مَفَاعِيلُ فاعِلُنْ» سروده نشده است؟

- (۱) تنها نه من به دانه خالت مقیدم
 (۲) گر نشد اشتیاق او، غالب صبر و عقل من
 (۳) ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر
 (۴) از در درآمدی و من از خود به در شدم
- این دانه هر که دید گرفتار دام شد
 این به چه زیر دست گشت، آن به چه پایمال شد
 با زآ که ریخت بی گل رویت بهار عمر
 گویی کز این جهان به جهان دگر شدم

۱۳۹- در کدام گزینه دو بار اختیار شاعری وزنی ابدال صورت گرفته است؟

- (۱) شبی به خواب زدم بوسه بر لبش به خیال
 (۲) ز چاک پیرهن اندام نازکش ماند
 (۳) بنوش باده که اندر طریقت عشق است
 (۴) صبا ز روی تو گیرم نقاب بردار
- هنسوز بر لب آن شوخ می‌زند تب خال
 چو عکس برگ گل اندر میان آب، زلال
 چو شیر مادر خون حرام زاده حلال
 که راست تاب تماشایت ای بدیع جمال

۱۴۰- در کدام گزینه اختیارات شاعری وزنی به کار رفته است؟

- (۱) یاد باد آن که ز ما وقت سفر یاد نکرد
 (۲) غافل است از صورت زیبای او
 (۳) نبینی باغبان چون گل بکار
 (۴) سعدی نظر از رؤیت کوتاه نکند هرگز
- به وداعی دل غم دیده‌ی ما شاد نکرد
 آن که صورت‌های دیبا می‌کند
 چه مایه غم خورد تا گل برآرد؟
 و روی بگردانی در دامن آویزد

۱۴۱- در بیت زیر کدام اختیارات شاعری تماماً وجود دارد؟

«امروز که دستگاه داری و توان

- (۱) حذف همزه - ابدال
 (۲) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - ابدال
 (۳) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - حذف همزه
 (۴) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - تبدیل مصوت بلند به کوتاه

۱۴۲- در کدام گزینه، اختیارات وزنی به کار نرفته است؟

- (۱) آن چنان داده عشق جوش مرا
 (۲) در خروشم ز شور چون دریا
 (۳) اگر تو مرد رهی در طریق عشق رضی
 (۴) بهار عشق دل از دیده مبتلا گردید
- که ز سر رفته عقل و هوش مرا
 نتوان ساختن خموش مرا
 ره‌ی ز می‌کده نزدیک‌تر مدان به خدا
 هر آن وفا که تو بینی بلاست بر سر ما

۱۴۳- در کدام مصراع اختیارات شاعری، «بلند تلفظ کردن هجای پایانی» و «حذف همزه»، «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» صورت گرفته است؟

- (۱) مخالفت نکنم آن کنم که فرمان است.
 (۲) که جهل پیش خردمند عذر نادان است.
 (۳) نه آبروی که گر خون دل بخواهی ریخت.
 (۴) هزار سختی اگر بر من آید آسان است.

۱۴۴- در کدام مصراع اختیار وزنی قلب صورت گرفته است؟

- (۱) دل برگرفت از من بتم یکبارگی
 (۲) زیرنشین علمت کاینات
 (۳) دست کسی بر نرسد به شاخ هویت تو
 (۴) برشوم از نشاط دل وقت سحر به منظره

۱۴۵- در کدام بیت اختیار وزنی ابدال به کار نرفته است؟

- (۱) ما در خطر افتادیم، از عشق چه گوئیم
- (۲) عشق رخ تو بابت هر مختصری نیست
- (۳) هر چند مه ما را از ما خبری نیست
- (۴) بر تو بدلی نارم دیگر نکنم یاد

۱۴۶- در کدام بیت از همی اختیارات « تغییر کمیّت مصوّت بلند به کوتاه و کوتاه به بلند، ابدال و اختیار وزنی پایان مصراع » استفاده شده است؟

- (۱) ساقیا می‌بده و غم مخور از دشمن و دوست
- (۲) رسم بدعهدی ایّام چو دید ابر بهار
- (۳) گریه آبی به رخ سوختگان باز آورد
- (۴) مرغ دل باز هوادار کمال‌ابرویی است

۱۴۷- در کدام دو بیت زیر ابدال وجود دارد؟

- (الف) تحفه فرستی ز کبر بسوی عراق اینت جهل
- (ب) عنقا بر کرد سر، گفت کز این طایفه
- (ج) ماهم این هفته برون رفت وبه چشمم سالی است
- (د) زلف پُرچین تو مشاطه شبی یاد نکرد

(۱) الف - د (۲) ب - ج (۳) الف - ج (۴) ب - د

۱۴۸- در کدام بیت یکی از اختیارات شاعری زبانی و وزنی هر کدام دو بار تکرار شده اند؟

- (۱) بلبل با درخت گل گوید چیست در دلت
- (۲) تا گرفتم صنما وصل تو فرخنده به فال
- (۳) گل بخندید و باغ شد پدرام
- (۴) به جانت ای بت شیرین‌دهن که همچون شمع

۱۴۹- تعداد اختیار شاعری زبانی به کار رفته در بیت کدام گزینه همانند تعداد اختیار شاعری زبانی در بیت زیر است؟

- شب سودای سعدی را مگر فردا نمی‌باشد»
- با نعره های قلقلش اندر گلو بیست
بباید از تو سخن گفتن دری آموخت
آهن است آن یا دل نامهربانش یا حجر
به لعب زهره‌ی چنگی و مریخ سلحشورش
- (۱) همه شب می‌بزم سودا به بوی نافه‌ی فردا
 - (۲) یا رب چه غمزه کرد صراحی که خون خم
 - (۳) هزار بلبل داستان‌سرای عاشق را
 - (۴) گلبن است آن یا تن نازک‌نهادش یا حریر
 - (۵) بیاور می که نتوان شد ز مکر آسمان ایمن

۱۵۰- از اختیار وزنی آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه در یکی از مصراع‌های کدام گزینه استفاده نشده است؟

- (۱) دروغ وعده و قتال وضع و رنگ‌آمیز
- (۲) هزار جامه‌ی تقوا و خرقه‌ی پرهیز
- (۳) به می ز دل ببرم هول روز رستاخیز
- (۴) که تا ز خال تو خاکم شود عبیرآمیز
- (۵) دلم رمیده‌ی لولی‌وشی ست شورانگیز
- (۶) فدای پیره‌ن چاک ماهرویان باد
- (۷) پیاله بر کفنم بند تا سحرگه حشر
- (۸) خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد

۱۵۱- در کدام بیت، اختیار وزنی قلب به کار رفته است؟

- (۱) گرچه من این جا حدیث از سر جان می‌کنم
- (۲) دور فلک بر دلم کرد ز جور آن چه کرد
- (۳) عقل نه هم‌تای توست کز تو زند لاف عشق
- (۴) به که ز بهر سخن برنگشاید زبان

۱۵۲- اختیار وزنی «ابدال» در کدام گزینه به کار نرفته است؟

- (۱) روزی بس خرم است می‌گیر از بامداد
- (۲) بنشین خورشیدوار، می‌خور جمشیدوار
- (۳) مرغ دل‌انگیز گشت باد سمن‌بیز گشت
- (۴) باغ پر از حجله شد، راغ پر از کله شد

۱۵۳- اختیارات شاعری زبانی و اختیار وزنی در شعر زیر دیده می‌شود.

«از تهی سرشار/ جویبار لحظه‌ها جاری است/ چون سبوی تشنه کاندرا خواب بیند آب، و اندر آب بیند سنگ»

- (۱) تبدیل مصوت بلند به کوتاه - ابدال
- (۲) تبدیل مصوت بلند به کوتاه - فاعلاتن به جای فَعَلَاتُنْ در رکن اول
- (۳) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - بلند بودن هجای کشیده پایانی
- (۴) تبدیل مصوت کوتاه به بلند - فاعلاتن به جای فَعَلَاتُنْ در رکن اول

۱۵۴- در کدام گزینه اختیار شاعری تبدیل مصوت بلند به کوتاه دیده می‌شود؟

- (۱) تو دانی کاین سفر هرگز به سوی آسمان‌ها نیست / سوی بهرام، این جاوید خون‌آشام/ سوی این‌ها و آن‌ها نیست
- (۲) به سوی پهن‌دشت بی‌خداوندی است/ که با هر جنبش نبضم/ هزاران اخترش پژمرده و پرپر به خاک افتند ...
- (۳) من این جا بس دلم تنگ است/ و هر سازی که می‌بینم بدآهنگ است/ بیا ره‌توشه برداریم...
- (۴) بیا ره‌توشه برداریم/ قدم در راه بگذاریم/ کجا؟ هر جا که پیش آید/

۱۵۵- وزن کدام شعر نیمایی با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) پوستینی ژنده دارم من/ یادگاری ژنده‌پیر از روزگارانی غبارآلود/ سالخوردی جاودان مانند
- (۲) تا کدامین را تو می‌خواهی/ زین درختستان بار و برگ/ مرگ را جستن برای زندگی یا آنک/ زندگی کردن برای مرگ
- (۳) باغ ما در طرف سایه دانایی بود/ باغ ما جای گره‌خوردن احساس و گیاه / باغ ما نقطه برخورد نگاه و قفس و آینه بود
- (۴) خانه خالی بود و خوان بی‌آب و نان/ و آن چه بود آش دهن‌سوزی نبود/ این شب است آری شبی بس هولناک

۱۵۶- کدام بیت در بحر متقارب مَثْمَنّ محذوف سروده شده است؟

- (۱) گرم عذاب نمایی به داغ و درد جدایی
- (۲) به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد
- (۳) از نظرت کجا رود و برود تو هم‌رهی
- (۴) مگردان سر از دین و از راستی

۱۵۷- کدام بیت در بحر متقارب مَثْمَنّ سالم سروده شده است؟

- (۱) چو کارآگهان کار بایست کس کردن
- (۲) خردمند مردم، هنرپرور و رورند
- (۳) قناعت توانگر کند مرد را
- (۴) چرا پیش خسرو به خواهش روی

- (۱) چه رسم و رهی به‌تر از کاردانی؟
- (۲) که تن‌پروران از هنر لاغرند
- (۳) خبر کن حریص جهان‌گردد را
- (۴) چو یک سو نهادی طمع، خسروی

۱۵۸- نام وزن بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

«برآند خودبینی و جهل و عجب

(۱) مُتْقَارِبِ مُسَدَّسِ مَحْذُوفِ

(۲) هَزَجِ مُثَمَّنِ مَحْذُوفِ

(۳) هَزَجِ مُسَدَّسِ مَحْذُوفِ

(۴) مُتْقَارِبِ مُثَمَّنِ مَحْذُوفِ

۱۵۹- نام بحر بیت زیر در کدام گزینه درست ذکر شده است؟

«چون می‌روی بی من مرو، ای جان جان بی تن مرو

(۱) رَمَلِ مُثَمَّنِ سَالِمِ

(۲) رَجَزِ مُثَمَّنِ سَالِمِ

(۳) هَزَجِ مُثَمَّنِ سَالِمِ

(۴) مُتْقَارِبِ مُثَمَّنِ سَالِمِ

۱۶۰- نام وزن کدام بیت «رَمَلِ مُسَدَّسِ مَحْذُوفِ» است؟

(۱) نیک خواهانم نصیحت می‌کنند

خشت بر دریا زدن بی‌حاصل است

(۲) عیب یاران و دوستان هنر است

سخن دشمنان نه معتبر است

(۳) هر کسی را نتوان گفت که صاحب‌نظر است

عشق بازی دگر و نفس‌پرستی دگر است

(۴) دیده و از دیدار خوبان برگرفتن مشکل است

هر که ما را این نصیحت می‌کند بی‌حاصل است

۱۶۱- همه بیت‌ها در بحر «هَزَجِ مُسَدَّسِ مَحْذُوفِ» سروده شده است، به جز گزینه

(۱) الا ای کاروان محمّل برانید

که ما را بند بر پای رحیل است

(۲) دلم از مهر در ماتم نشسته است

عجب در مهر دل دلدار چون است

(۳) چه باشد گر نگارینم بگیرد دست من فردا

ز روزن سر در آویزد چو قرص ماه خوش‌سیما

(۴) قرار زندگانی آن نگار است

کز او آن بی‌قراری برقرار است

۱۶۲- نام وزن کدام بیت «رَمَلِ مُثَمَّنِ مَحْذُوفِ» است؟

(۱) شوق را بر صبر قوت غالب است

عقل را بیا عشق دعوی باطل است

(۲) عاشقی می‌گفت و خوش خوش می‌گریست

جان بی‌ساید که جانان قاتل است

(۳) بذل جاه و مال و ترک نام و ننگ

در طریق عشق اول منزل است

(۴) پیش از این من دعوی پرهیزگاری کردمی

باز می‌گویم که هر دعوی که کردم باطل است

۱۶۳- در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی حروف مشترک قافیه از «مِصَوَّتِ بَلَنْدِ صَامِتِ + مِصَوَّتِ» تشکیل شده است.

(۱) هر روز دلم به زیر باری دگر است

در دیده‌ی من ز هجر خاری دگر است

(۲) کنار آب و پای بید و طبع شعر و یاری خوش

معاشر دلبری شیرین و ساقی گل‌عداری خوش

(۳) که روزی رهروی در سرزمینی

به لطفش گفت رندی ره‌نشینی

(۴) ای قصه‌ی بهشت ز کویت حکایتی

شرح جمال حور ز رویت روایتی

۱۶۴- هر دو مورد کدام گزینه نادرست هستند؟

(الف) بدین افسوس می‌خورم دریغی / زدم بر خویشتن چون شمع تیغی (قافیه، از نوع قاعده «ا» است).

(ب) شکر لفظان لبش را نوش خوانند / ولیعهد مهین بانوش دانند (بیت ذوقافیتین است).

(ج) ای یوسف خوشنام ما خوش می‌روی بر بام ما (مصراع قافیه‌ی درونی دارد).

(د) قافیه در شعر نو همانند شعر کهن محدودیت‌هایی دارد.

(۴) ب - ج

(۳) الف - ج

(۲) ب - د

(۱) الف - د

۱۶۵- نوع قاعده‌ی قافیه در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی یکسان است.

- ۱) ساقی به نور باده بر افروز جام ما
 - ۲) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
 - ۳) شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست
 - ۴) ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما
- مطرب بگو که کار جهان شد به کار ما
سخن‌شناس نه‌ای جان من خطا این جاست
صلای سرخوشی ای صوفیان باده‌پرست
آب روی خوبی از چاه زنخندان شما

۱۶۶- تعداد حروف مشترک قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس
 - ۲) کار همه محبان همچون زر است امشب
 - ۳) آن نفسی که با خودی یار چو خار آیدت
 - ۴) قبله امروز چو شه‌نشه نیست
- خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس
جان همه حسودان کور و کر است امشب
وان نفسی که بیخودی یار چه کار آیدت؟
هر که آید به در بگوره نیست

۱۶۷- کدام یک از ابیات زیر «ذوقافیتین» است؟

- ۱) مبادا که تاج از تو گریان شود
 - ۲) بگفت این و چادر به سر درکشید
 - ۳) تو کردار خوب از توانا شناس
 - ۴) چنان رو که پسر رسند پاسخ کنی
- دل انجمن بر تو بگریان شود
یکسای باد سرد از جگر بر کشید
خرد نیز نزدیک دانا شناس
به پاسخ گری روز فرسخ کنی

۱۶۸- قاعده‌ی قافیه در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه یکسان است.

- ۱) خطت که درد و داغ تو نو می‌کند مرا
 - ۲) شرع احمد نیست این منزل مرو
 - ۳) آن خال سیه از بر آن نرگس جادو
 - ۴) چو می خوردی ز خود بیرون مشو تو
- جان در بلای عشق گرو می‌کند مرا
گر چه دارد او هزاران راهرو
چون نافه مشک است جدا گشته ز آهو
مر این اسرار کل نیکو شنو تو

۱۶۹- بیت کدام گزینه ذوقافیتین است؟

- ۱) خرامان بشد سوی آب روان
 - ۲) ولیکن روانم ز تو سیر نیست
 - ۳) مکن روز بر خویشتن بر بنفش
 - ۴) مرا هر چه ملک و سپاهست و گنج
- چونان چون شده بازجوید روان
دلیم چون دل تو به کفشیر نیست
به بازیچه پنجه مزن بر درفش
همی زان توسست و تو را زوسست خنج

۱۷۰- قاعده‌ی قافیه در همه‌ی گزینه‌ها براساس قاعده‌ی « ۲ » است به جز:

- ۱) زهی عشق زهی عشق که ما راست خدایا!
 - ۲) من با تو حدیث بی‌زبان می‌گویم
 - ۳) ای یار ما دلدار ما ای عالم اسرار ما
 - ۴) دل من دل من دل من بر تو
- چه نغز است و چه خوب است و چه زیباست خدایا!
وز جمله حاضران عیان می‌گویم
ای یوسف دیدار ما ای رونق بازار ما
رخ تو رخ تو رخ با فر تو

۱۷۱- وزن کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) روزی از آن جا که فراغی رسید
 - ۲) برزگر آن دانه که می‌پرورد
 - ۳) تا نمودی عارض چون لاله‌ام
 - ۴) راهروی را که امان می‌دهند
- باد سلیمان به چراغی رسید
آید روزی که از او برخوردار
همچو بلبل با خروش و ناله‌ام
در عدم از دور نشان می‌دهند

۱۷۲- مصراع «کشیدم در بَرَت ناگاه و شد در تاب گیسویت» با کدام گزینه هم‌وزن است؟

- (۱) دارم از لطفِ ازل جَنّت فردوس طمع
(۲) بدین شکرانه می‌بوسم لب جام
(۳) که بر خاکم روان گردی، بگیرد دامت گردم
(۴) که کرد آگه ز راز روزگارم

۱۷۳- وزن همه ابیات به جز بیت گزینه «دُوری متناوب» است.

- (۱) نسیم عشق ز کوی هوس نمی‌آید
(۲) دل من ز تابناکی به شراب ناب ماند
(۳) تا دامن از من کشیدی ای سرو سیمین‌تن من
(۴) ای که پس از هلاک من پای نهی به خاک من

۱۷۴- وزن همه بیت ها، به غیر از بیت «دُوری» است.

- (۱) فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان
(۲) مرغ دلم طابری است، قدسی عرشِ آسمان
(۳) منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
(۴) می‌سوزم از فراق تو روی از جفا بگردان

۱۷۵- کدام بیت در وزن «دُوری» سروده نشده است؟

- (۱) ای که خدنگ شست تو کرده نشان دل مرا
(۲) سنبلت ای گل‌نزار بر سر نسیرین گذار
(۳) نه از جمال تو قطع نظر توان کردن
(۴) هیچ از تو حاصلم نیست دردا که عین خار است

۱۷۶- وزن کدام گزینه از تکرار «مَفْعُولُ مَفَاعِلَین» پدید آمده است؟

- (۱) گل بر رخ رنگین تو تا لطفِ عرق دید
(۲) هر کس به تماشایی رفتند به صحرائی
(۳) کجاست هم‌نفسی تا به شرح عرضه دهم
(۴) شبی دل را به تاریکی ز زلفت باز می‌جستم

۱۷۷- کدام گزینه دربارهٔ سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی نادرست است؟

- (۱) منظور از عاطفه، حالتی روحی-روانی است که شاعر رویداد حادثه‌ای را در خویش احساس می‌کند و می‌کوشد دیگران را با خود در این احساس، همراه سازد.
(۲) پس از وزن، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، عاطفه است. بدون وزن کمتر می‌توان عواطف را برانگیخت.
(۳) توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود. تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دل‌نشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.
(۴) وزن، ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود. وزن امری حسی است و بیرون از ذهن کسی که آن را درمی‌یابد، وجود ندارد؛ وسیلهٔ ادراک وزن، حواس ماست.

۱۷۸- در بیت کدام گزینه، شاعر، از وزنی ضربی برای بیان محتوایی تعلیمی بهره برده است؟

- (۱) تحمّل چو زهرت نماید نخست
(۲) بدان تیز زهر آبگون خنجرش
(۳) ز تنگی چنان شد که چاره نماند
(۴) سواری چون من پای بر زین نگاهشت
- ولی شهید گردد چو در طبع رست
همی کرد چاک آن کیانی برش
سپه را همی پود و تاره نماند
کسی تیغ و گرز مرا برنداشت

۱۷۹- بیت کدام گزینه، از نظر آهنگ و موسیقی (وزن) حالت شادی و نشاط درونی را منتقل می‌کند؟

- (۱) ساقی چمن گل را بی روی تو رنگی نیست
 (۲) ای بر درت خیل و حشم بیرون خرام ای محتشم
 (۳) من چو از تیر توأم بال و پری بخش مرا
 (۴) به خوشی بناز و به خوبی ببخش

۱۸۰- کدام گزینه برای جاهای خالی مناسب است؟

«اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، است و و ، به انتقال بهتر آن کمک می‌کند.»

- (۱) عاطفه - ادراک وزن و احساس
 (۲) موسیقی - ادراک وزن و آهنگ
 (۳) موسیقی - وزن و آهنگ
 (۴) عاطفه - وزن و آهنگ

۱۸۱- وزن و لحن کدام بیت، حالت شادی و نشاط درونی را به خواننده منتقل نمی‌کند؟

- (۱) ای سرخوشان ای سرخوشان آمد طرب دامن‌کشان
 (۲) در دو جهان لطیف و خوش همچو امیر ما کجا
 (۳) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
 (۴) ای نفس خرم باد صبا
 بگرفته ما زنجیر او بگرفته او دامان ما
 ابروی او گره نشد گر چه که دید صد خطا
 که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
 از بر یار آمده‌ای مرحبا

۱۸۲- تقطیع هجایی کدام گزینه در مقابل آن نادرست نوشته شده است؟

- (۱) من و دل گر فدا شویم چه باک
 (۲) خوش تقاضا می‌کنی
 (۳) مرده بدم زنده شدم
 (۴) طرف کرم ز کس نیست
- (- U U / - U - U / -- U U)
 (- U - / -- U -)
 (-- U - / - U U -)
 (- U - U / - U U -)

۱۸۳- تقطیع هجایی کدام مصراع در مقابل آن نادرست است؟

- (۱) ای یوسف آخر سوی این یعقوب نابینا بیا:
 (۲) ببین عذرا و وامق را در آن آتش خلائق را:
 (۳) برو ای غصّه‌دمی زحمت خود کوتاه کن:
 (۴) چو کوری که در کف عصایی ندارد:
- U - - - U - - - U - - - U - -
 - - - U - - - U - - - U - - - U
 - - - - U U - - U U - - U U
 - U - - U - - U - - U

۱۸۴- تقطیع هجایی کدام مصراع نادرست آمده است؟

(۱) چون قلم از ما همین گفتار می‌ماند به جا

چُن	قَ	لَم	أَز	مَآ	هَ	مِیْن	گُف	تَا	رَ	مِی	مَآ	نَدَ	بِ	جَا
-----	----	-----	-----	-----	----	-------	-----	-----	----	-----	-----	------	----	-----

(۲) به طاعت قرب ایزد می‌توان یافت

بِ	طَا	عَت	قُر	بِ	اِی	زَد	مِی	تَ	وَان	یَافَت
----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	----	------	--------

(۳) با عقل گشتم هم‌سفر یک کوچه راه از بی‌کسی

بَا	عَق	لَ	گَش	تَم	هَم	سَ	قُر	یَک	کُو	چَ	رَا	هَزَ	بِی	کَسِی
-----	-----	----	-----	-----	-----	----	-----	-----	-----	----	-----	------	-----	-------

(۴) تو در جنگ آبی روم من به صلح

تُ	دَر	جَن	گَ	آ	بِی	رَ	وَمَ	مَن	بِ	صُلَح
----	-----	-----	----	---	-----	----	------	-----	----	-------

۱۸۵- تعداد هجاهای کشیده در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) مقام عیش میسر نمی‌شود بی رنج
(۲) خصم را عقل مقید به تحمل دارد
(۳) تا کی ز فراق دوست فریاد کنم
(۴) گر تو مرد راه عشقی عشق را کن اختیار
- بلی به حکم بلا بسته‌اند عهد الست
سیل را ریگ مسخر به تنزل دارد
در فرقت دوست صبر نتوانم کرد
نور عرفان در کجا، چون درد عالم‌سوز نیست

۱۸۶- وزن و آهنگ کدام بیت برای بیان حماسی شعر مناسب است؟

- (۱) چند زنی تیر به هر گوشه‌ای
(۲) فرستاده آمد به کردار گرد
(۳) ذره‌ای کان محو شد در آفتاب
(۴) ای عقل تو به باشی در دانش و در بینش؟
- غافل از توشه بی‌توشه‌ای
شنیده سخن‌ها همه یاد کرد
جنگ او بیرون شد از وصف و حساب
یا آن که به هر لحظه صد عقل و نظر سازد؟

۱۸۷- هر دو مصراع کدام گزینه، کاملاً به شکل یکسان تقطیع می‌شوند؟

- (الف) آن چنان فرخ شبی دیگر نمی‌بینم به خواب
(ب) چون کلیدش را شکستی از که باشد فتح بابت
(پ) گفتم که بنما نردبان تا بر روم بر آسمان
(ت) طفل بازیگوش آرام از معلم می‌برد
(ث) به از صبحی تو خلقان را به هر روز
- (۱) الف، ت (۲) پ، ث (۳) ب، پ (۴) الف، ث

۱۸۸- کدام گزینه با الگوی هجایی «U - U - U - U - U - U - U - U» مطابقت ندارد؟

- (۱) رفیقان چنان عهد صحبت شکستند
(۲) دلم خون شد از غصه ساقی کجایی
(۳) بسی پادشاهی کنم در گدایی
(۴) مکش رنج بیهوده خرسند باش

۱۸۹- تقطیع هجایی مقابل کدام مصراع با آن همخوان نیست؟

- (۱) ایمن از سیلی موج است کناری که مراست:
(۲) چشم اگر بر منعم افتد هیچ نعمت سهل نیست:
(۳) از آفتاب تجربه سنگ آب می‌شود:
(۴) هم سیاهی و هم سپیدی چشم:
- U U - - U U - - U U - - U -
U - - - U U - - U - - - U -
U U U - - U - - U - U - -
U U - U - U - - U -

۱۹۰- علامت هجاهای هر مصراع کدام بیت به شکل زیر است؟ (U - U - U - U - U - U - U - U)

- (۱) دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند
(۲) نه هر که سر بتراشد قلندری داند
(۳) نسیم خلد می‌وزد مگر ز جویبارها
(۴) من و انکار شراب این چه حکایت باشد
- پنهان خورید باده که تعزیر می‌کنند
کلاه‌داری و آیین سروری داند
که بوی مشک می‌دهد هوای مرغزارها
غالباً این قدرم عقل و کفایت باشد

۱۹۱- در کدام دو گزینه وزن مشترک دیده می‌شود؟

- (الف) رام را گر برگ گل باشد نبیند ویس را
(ب) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را
(ج) آب زنید راه را، هین که نگار می‌رسد
(د) گر از جور جانان ننانی رواست
(ه) هیچ میدانی چرا اشکم ز چشم افتاده است
- (۱) الف - ج (۲) ب - ه (۳) د - ب (۴) ه - الف

۱۹۲- واژه‌های کدام گزینه به ترتیب با کلمات «رحمت، گناه، عشق، اصنام» هم‌وزن هستند؟

- (۱) سرمست، سپاه، مشق، احترام
 (۲) هستی، هزار، دَست، دلدار
 (۳) عصمت، نگاه، صادق، اعزام
 (۴) هیبت، همراه، صدق، دیدار

۱۹۳- تقطیع هجایی کدام مصراع در مقابل آن نادرست است؟

- (۱) چو کوری که در کف عصایی ندارد: _ U _ _ _ U _ _ _ U _ _ _ U _
 (۲) زنجیر زلفش هر طرف دیوانه‌وارم می‌کشد: _ U _ _ _ U _ _ _ U _ _ _ U _
 (۳) گر چه من خود ز عدم خرم و خندان زادم: _ U U _ _ U U _ _ U U _ _ U _
 (۴) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی: _ U U _ _ U U _ _ U U _ _ U U

۱۹۴- تعداد هجاهای کشیده شده کدام مصراع متفاوت است؟

- (۱) امروز چه روز است بگو روز سعادت
 (۲) که گه زین موج بر اوجم گهی زان اوج در پستم
 (۳) شد خارها گلزارها از عشق رویت بارها
 (۴) که رخ چو آفتابش بکشد چراغها را

۱۹۵- تقطیع هجایی بیت زیر کدام است؟

- «به تو حاصلی ندارد غم روزگار گفتن
 که شبی نخفته باشی به درازنای سالی»
 (۱) _ U _ U U _ U U _ _ U U _ _ U _
 (۲) _ _ U _ U _ U U _ _ U _ U _ U U
 (۳) _ _ U _ U _ U U _ U _ U _ _ U _
 (۴) U _ U _ U _ U U _ _ U _ U _ U U

پاسخنامه عروض و قافیه

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴
۲۶	۱	۲	۳	۴
۲۷	۱	۲	۳	۴
۲۸	۱	۲	۳	۴
۲۹	۱	۲	۳	۴
۳۰	۱	۲	۳	۴
۳۱	۱	۲	۳	۴
۳۲	۱	۲	۳	۴
۳۳	۱	۲	۳	۴
۳۴	۱	۲	۳	۴
۳۵	۱	۲	۳	۴
۳۶	۱	۲	۳	۴
۳۷	۱	۲	۳	۴
۳۸	۱	۲	۳	۴
۳۹	۱	۲	۳	۴
۴۰	۱	۲	۳	۴
۴۱	۱	۲	۳	۴
۴۲	۱	۲	۳	۴
۴۳	۱	۲	۳	۴
۴۴	۱	۲	۳	۴
۴۵	۱	۲	۳	۴
۴۶	۱	۲	۳	۴
۴۷	۱	۲	۳	۴
۴۸	۱	۲	۳	۴
۴۹	۱	۲	۳	۴
۵۰	۱	۲	۳	۴
۵۱	۱	۲	۳	۴
۵۲	۱	۲	۳	۴
۵۳	۱	۲	۳	۴
۵۴	۱	۲	۳	۴
۵۵	۱	۲	۳	۴
۵۶	۱	۲	۳	۴
۵۷	۱	۲	۳	۴
۵۸	۱	۲	۳	۴
۵۹	۱	۲	۳	۴
۶۰	۱	۲	۳	۴
۶۱	۱	۲	۳	۴
۶۲	۱	۲	۳	۴
۶۳	۱	۲	۳	۴
۶۴	۱	۲	۳	۴
۶۵	۱	۲	۳	۴
۶۶	۱	۲	۳	۴
۶۷	۱	۲	۳	۴
۶۸	۱	۲	۳	۴
۶۹	۱	۲	۳	۴
۷۰	۱	۲	۳	۴
۷۱	۱	۲	۳	۴
۷۲	۱	۲	۳	۴
۷۳	۱	۲	۳	۴
۷۴	۱	۲	۳	۴
۷۵	۱	۲	۳	۴
۷۶	۱	۲	۳	۴
۷۷	۱	۲	۳	۴
۷۸	۱	۲	۳	۴
۷۹	۱	۲	۳	۴
۸۰	۱	۲	۳	۴
۸۱	۱	۲	۳	۴
۸۲	۱	۲	۳	۴
۸۳	۱	۲	۳	۴
۸۴	۱	۲	۳	۴
۸۵	۱	۲	۳	۴
۸۶	۱	۲	۳	۴
۸۷	۱	۲	۳	۴
۸۸	۱	۲	۳	۴
۸۹	۱	۲	۳	۴
۹۰	۱	۲	۳	۴
۹۱	۱	۲	۳	۴
۹۲	۱	۲	۳	۴
۹۳	۱	۲	۳	۴
۹۴	۱	۲	۳	۴
۹۵	۱	۲	۳	۴
۹۶	۱	۲	۳	۴
۹۷	۱	۲	۳	۴
۹۸	۱	۲	۳	۴
۹۹	۱	۲	۳	۴
۱۰۰	۱	۲	۳	۴
۱۰۱	۱	۲	۳	۴
۱۰۲	۱	۲	۳	۴
۱۰۳	۱	۲	۳	۴
۱۰۴	۱	۲	۳	۴
۱۰۵	۱	۲	۳	۴
۱۰۶	۱	۲	۳	۴
۱۰۷	۱	۲	۳	۴
۱۰۸	۱	۲	۳	۴
۱۰۹	۱	۲	۳	۴
۱۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۱۹	۱	۲	۳	۴
۱۲۰	۱	۲	۳	۴
۱۲۱	۱	۲	۳	۴
۱۲۲	۱	۲	۳	۴
۱۲۳	۱	۲	۳	۴
۱۲۴	۱	۲	۳	۴
۱۲۵	۱	۲	۳	۴
۱۲۶	۱	۲	۳	۴
۱۲۷	۱	۲	۳	۴
۱۲۸	۱	۲	۳	۴
۱۲۹	۱	۲	۳	۴
۱۳۰	۱	۲	۳	۴
۱۳۱	۱	۲	۳	۴
۱۳۲	۱	۲	۳	۴
۱۳۳	۱	۲	۳	۴
۱۳۴	۱	۲	۳	۴
۱۳۵	۱	۲	۳	۴
۱۳۶	۱	۲	۳	۴
۱۳۷	۱	۲	۳	۴
۱۳۸	۱	۲	۳	۴
۱۳۹	۱	۲	۳	۴
۱۴۰	۱	۲	۳	۴
۱۴۱	۱	۲	۳	۴
۱۴۲	۱	۲	۳	۴
۱۴۳	۱	۲	۳	۴
۱۴۴	۱	۲	۳	۴
۱۴۵	۱	۲	۳	۴
۱۴۶	۱	۲	۳	۴
۱۴۷	۱	۲	۳	۴
۱۴۸	۱	۲	۳	۴
۱۴۹	۱	۲	۳	۴
۱۵۰	۱	۲	۳	۴
۱۵۱	۱	۲	۳	۴
۱۵۲	۱	۲	۳	۴
۱۵۳	۱	۲	۳	۴
۱۵۴	۱	۲	۳	۴
۱۵۵	۱	۲	۳	۴
۱۵۶	۱	۲	۳	۴
۱۵۷	۱	۲	۳	۴
۱۵۸	۱	۲	۳	۴
۱۵۹	۱	۲	۳	۴
۱۶۰	۱	۲	۳	۴
۱۶۱	۱	۲	۳	۴
۱۶۲	۱	۲	۳	۴
۱۶۳	۱	۲	۳	۴
۱۶۴	۱	۲	۳	۴
۱۶۵	۱	۲	۳	۴
۱۶۶	۱	۲	۳	۴
۱۶۷	۱	۲	۳	۴
۱۶۸	۱	۲	۳	۴
۱۶۹	۱	۲	۳	۴
۱۷۰	۱	۲	۳	۴
۱۷۱	۱	۲	۳	۴
۱۷۲	۱	۲	۳	۴
۱۷۳	۱	۲	۳	۴
۱۷۴	۱	۲	۳	۴
۱۷۵	۱	۲	۳	۴
۱۷۶	۱	۲	۳	۴
۱۷۷	۱	۲	۳	۴
۱۷۸	۱	۲	۳	۴
۱۷۹	۱	۲	۳	۴
۱۸۰	۱	۲	۳	۴
۱۸۱	۱	۲	۳	۴
۱۸۲	۱	۲	۳	۴
۱۸۳	۱	۲	۳	۴
۱۸۴	۱	۲	۳	۴
۱۸۵	۱	۲	۳	۴
۱۸۶	۱	۲	۳	۴
۱۸۷	۱	۲	۳	۴
۱۸۸	۱	۲	۳	۴
۱۸۹	۱	۲	۳	۴
۱۹۰	۱	۲	۳	۴
۱۹۱	۱	۲	۳	۴
۱۹۲	۱	۲	۳	۴
۱۹۳	۱	۲	۳	۴
۱۹۴	۱	۲	۳	۴
۱۹۵	۱	۲	۳	۴
۱۹۶	۱	۲	۳	۴
۱۹۷	۱	۲	۳	۴
۱۹۸	۱	۲	۳	۴
۱۹۹	۱	۲	۳	۴
۲۰۰	۱	۲	۳	۴